

تفسیر نور (سوره قصص)

نام نویسنده : حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محسن قرائتی

مقدمه ناشر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«قد جائکم من الله نور و کتاب مبین»

به راستی که از جانب خداوند، نور و کتابی روشنگر به سوی شما آمده است. قرآن کریم از آغاز نزول تا به امروز، همواره مورد توجه اندیشمندان، زبندگان و متفکران بوده است و از زوایای گوناگون به تدبیر و تاءمل در آن پرداخته و از این رهگذر آثار گرانقدری از خود به یادگار گذارده اند.

در طول تاریخ بیشترین شرح و تفسیر بر قرآن مجید نوشته شده است و این کتاب، تنها کتاب آسمانی است که بی هیچ نقصان و زیادتى در زمین باقى مانده است. آیاتش مانند ستارگان آسمان، اهل زمین را به صراط مستقیم راهنمایی می کند و در لابلای آیات نورانی آن، آئین نامه ی زندگانی مسلمانان گنجانده شده است و برای دست یابی به اعماق ژرف آن باید آیات آن را بگونه ای تبیین کرد که برای همگان قابل فهم باشد. بی دلیل نیست که از زبان اندیشمندان بزرگی همچون علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان به ضرورت نگارش تفسیری نو از قرآن در هر چند سال یکبار، تاءکید شده است که این اعتراف، نشان از غنای مفاهیم قرآن کریم و عظمت معانی آن دارد.

گرچه مسأله تفسیر در جامعه ما رونق مطلوب را پیدا نکرده اما در سالهای اخیر، فعالیت های چشمگیری در زمینه ترویج فرهنگ قرآن و مهجوریت زدایی از آن صورت گرفته است.

از توفیق بزرگ خدمتگزاری به ساحت قرآن کریم، شمه ای نیز به لطف و منت الهی، نصیب ستاد تفسیر قرآن کریم شده است

که به گوشه ای از آن اشاره می کنیم :

۱- تشکیل جلسات و کلاسهای تفسیر قرآن .

۲- تشکیل دوره های کارورزی و جلسات توجیهی برای فارغ التحصیلان حوزه های علمیه .

۳- طرّاحی و اجرای مسابقات تفسیری در حوزه های علمیه ، دانشگاه ها و مدارس ، به همراه جوایزی ارزنده .

۴- اجرای مسابقات مقاله نویسی در موضوعات قرآنی .

۵ در ماه رمضان سال ۸۰، در مرحله ی اوّل مسابقه تفسیر سوره یوسف و در مرحله بعد تفسیر سوره حجرات برگزار گردید که با استقبال بی سابقه ی جوانان و مراکز فرهنگی (آموزش و پرورش ، دانشگاه ها، نیروهای مسلّح ، مساجد، سازمان ها و ادارات و...) به یک حرکت عظیم ملّی تبدیل شد و تا آنجا اوج گرفت که در فاصله ای کوتاه بیش از یک میلیون جلد کتاب به منظور برگزاری مسابقه سراسری ، چاپ و توزیع گردید.

جمع آوری نظرات به ما نشان داد که یکی از راه های اُنس با تفسیر، همین استفاده از تعطیلات تابستان و بهار قرآن ، ماه رمضان است که البته با عرضه ی کتاب مختصر، روان ، ارزان و زیبا همراه باشد.

ستاد تفسیر قرآن کریم با همکاری مرکز فرهنگی درسهای قرآن ، تفسیر سوره قصص را که یکی از آثار ارزشمند حجة الاسلام والمسلمین محسن قرائتی می باشد، به تمام علاقمندان عرضه می نماید، البته به منظور توسعه ی هرچه بیشتر کار، متن این کتاب بدون هیچ محدودیتی در اختیار مراکز فرهنگی قرار می گیرد تا به هر شکلی مایلند آن را نشر دهند.

در پایان از خوانندگان عزیز تقاضا داریم چنانکه در زمینه ی برگزاری مسابقات تفسیر قرآن ویا مطالب این کتاب ، پیشنهاد و انتقادی دارند، نظرات خود را به نشانی : تهران میدان فلسطین ستاد مرکزی اقامه نماز ستاد تفسیر قرآن کریم ص .پ . ۱۴۱۵۵/۶۳۷۳ ارسال نموده و یا با تلفن : ۸۸۹۳۹۲۸ و ۸۸۹۳۹۵۰ و نمابر ۸۹۰۵۱۵۰ تماس برقرار نمایند.

ستاد تفسیر قرآن کریم

مقدمه ی مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و اهل بيته الطاهرين

در زمانی زندگی می کنیم که انواع تبلیغات ، توطئه ها و انحرافات ، فطرت ، عقل و دین انسان ها را مورد تهاجم قرار داده است .

جای تردید نیست که هرچه تاریکی بیشتر شود به نور بیشتری نیاز داریم و هرچه امواج خطرناک تر شوند، کشتی مطمئن تری لازم است .

قرآن ، نور الهی و پیامبر واهل بیت او عليهم السلام کشتی نجاتند، ولی بهره گیری از این دو سرچشمه ی زلال ، نیاز به شناخت و ایمان دارد.

لذا باید به سراغ قرآن برویم ، اما نه در حد تلاوت و تجوید، بلکه در حد تدبیر و تفسیر و بالاتر از آن در حد عمل و تبلیغ .

گاه با خود می گویم :

ای کاش ، در مساجد ما پس از ادای نماز، پنج دقیقه ای یک آیه ی قرآن تفسیر می شد.

ای کاش ، در نشریات و روزنامه های ما یک ستون کوتاه برای مفاهیم قرآنی باز می شد. ای کاش ، فارغ التحصیلان ما توان تلاوت صحیح قرآن و آشنایی با معارف آن را داشتند.

ای کاش ، محتوای منابر و برنامه مراکز تبلیغی ما، بر محور قرآن و حدیث بود.

ای کاش ، برای هر سنّ و صنفی ، آیات مخصوص آنان تفسیر و در اختیارشان قرار می گرفت .

ای کاش ، در کنار مسابقات حفظ و تلاوت ، مسابقات تفسیر رونق بیشتری می یافت .

و ای کاش ،...

به هر حال توفیق الهی شامل شد و در طول ده سال گذشته ، تفسیر بیش از بیست و پنج جزء قرآن کریم در برنامه آینه وحی رادیو گفته شد که پس از تکمیل و اصلاح و بازبینی ، به نام تفسیر نور چاپ و در اختیار علاقمندان قرار گرفت .

بعضی سوره های قرآن با هدف گسترش فرهنگ مطالعاتی تفسیر قرآن ، به صورت جداگانه و در قطعی کوچک به چاپ رسید تا همگان بتوانند در هر مکانی آن را به همراه داشته و مطالعه نمایند.

در این راستا و با توجه به استقبال کم نظیر اقشار مختلف مردم مخصوصا جوانان ، سومین اثر (کتاب حاضر)، تهیه و در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است که تقاضا داریم ضمن مطالعه دقیق ، ما را از نقطه نظرات خود آگاه سازید.

محسن قرائتی

سیمای سوره ی قصص

این سوره هشتاد و هشت آیه دارد و قبل از هجرت ، در مکه نازل شده است . به مناسبت ورود کلمه «قَصَص» در آیه ی ۲۵، این سوره نیز «قَصَص» نام گرفته است که به معنای «بیان سرگذشت» می باشد.

آیات ۳ تا ۴۶ این سوره بطور مفصل به ماجرای حضرت موسی و فرعون و آیات انتهایی آن نیز به داستان قارون می پردازد و به سرنوشت صابران نیکوکار و فاسدان گناهکار اشاره می فرماید.

اگر چه در سی و چهار سوره از سوره های قرآن کریم به نحوی از ماجرای حضرت موسی و فرعون سخن رفته ولی تنها در این سوره است که به تمام زوایای زندگی آن حضرت از تولد، کودکی ، جوانی تا ازدواج ، نبوت و دعوت به یکتاپرستی توجه شده است .^(۱)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ترجمه :

به نام خداوند بخشنده مهربان .

(۱) طَسَمَّ

(۲) تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

ترجمه :

ط، سین ، میم . اینها آیات کتاب روشنگر است .

۱- تفسیر فی ظلال القرآن .

(۳) تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

ترجمه :

ما بخشی از سرگذشت موسی و فرعون را برای (آگاهی) گروهی که ایمان می آورند، بدرستی بر تو می خوانیم .

پیام ها :

۱- قرآن ، معجزه ابدی اسلام ، از همین حروف الفبای عربی تشکیل شده است ، اگر آن را کلام بشر می دانید شما نیز مثل آن را بیاورید. طسم ، تلک آیات

۲- کتاب هدایت و تربیت باید روشن و شفاف باشد. الکتاب المبین

۳- بیان سرگذشت پیشینیان ، نشانه ی قانونمند بودن سنت های الهی در تاریخ است . اگر تاریخ ، حساب و کتاب و قانون نداشت ، ما نمی توانستیم از آن برای زندگی امروز خود استفاده کنیم . نتلوا... من نباء موسی ... لقوم یؤ منون
۴- در نقل تاریخ ، به فرازهای مهم و عبرت آموز توجه کنیم . («نباء» به خبر مهم گفته می شود)

۵ مبارزه با طاغوت ها و ستمگران ، در راءس وظایف انبیاست . نباء موسی

وفرعون

۶- داستان های قرآن ، خرافه ، خیالی و گزافه نیست . نباء موسی وفرعون

بالحق

۷- هدف قرآن از بیان داستان ، هدایت مؤمنان است . لقوم یؤ منون

۸ اولین شرط هدایت ، قابلیت است . لقوم یؤ منون

(۴) إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ
طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أِبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

ترجمه :

همانا فرعون در سرزمین (مصر) سرکشی کرده و مردم آنجا را فرقه فرقه
نموده است ، گروهی از آنان را به زبونی و ناتوانی کشانده ، پسرانشان را سر می
برد و زناشان را (برای کنیزی) زنده نگه می دارد. براستی که او از تبهکاران
است .

نکته ها :

کلمه «شِيعَ» جمع «شِيعَة»، در اصل به معنای دنباله روی و تبعیت است ولی
از آنجا که در یک گروه ، معمولا بعضی از بعضی دیگر پیروی می کنند، به
معنای گروه نیز می آید.

کلمه ی «نساء» به معنای زنان است ، ولی شاید در این آیه مراد دختران
باشند، زیرا در برابر پسران قرار گرفته اند.

کلمه «فرعون» نام شخص نیست ، بلکه عنوان پادشاهان مصر بوده است .
چنانکه «کسری» عنوان پادشاهان ایران و «قیصر» عنوان پادشاهان روم بوده
است . (۲)

پیام ها :

۱- شناخت اوضاع و احوال جوامع در هنگام ظهور و بعثت پیامبران ، امری
راهگشاست . إِنَّ فِرْعَوْنَ ...

۲- لغتنامه دهخدا.

۲- در شناخت نظام ها، اشخاص مهم نیستند، بلکه عملکردها اهمیت دارند.
انّ فرعون علا فی الارض (نام «فرعون» به خاطر عملکرد استکباری و
متجاوزانه اوست)

۳- تکبّر و گردنکشی، زمینه ی هر فساد و گناه است. علا فی الارض ...
یستضعف ... یدبّح ...

۴- تفرقه اندازی، بارزترین اهرم سلطه مستکبرین بر مردم است. جعل اهلها
شیعاتا وقتی مردم اتحاد و همبستگی داشته باشند، طاغوت ها قدرتی ندارند و
نمی توانند کاری از پیش ببرند.

۵- تفرقه، مقدمه ی ذلت پذیری است. ابتدا مردم گروه گروه و متفرّق می
شوند سپس به استضعاف کشیده می شوند. شیعا يستضعف

۶- اعمال خلاف کارگزاران به پای حاکم نیز حساب می شود. در این آیات
تمام جنایات یاران فرعون، به شخص او نسبت داده شده است. جعل،
یستضعف، یدبّح

۷- خداوند، مسأله تفرقه افکنی را قبل از قتل و کشتار ذکر فرموده است.
شاید به خاطر آن که تفرقه زمینه ی کشتن و یا مهم تر از کشتن است. شیعا...
یدبّح

۸- تفرقه افکنان مفسدند. کان من المفسدین
آری هر جامعه که حاکمش متکبّر، مردمش متفرّق، نیروهای فعّالش مورد
تهدید و منافعش در کام طبقه مرفّه باشد، جامعه ای فرعونیی و طاغوتی است.

(۵) وَتُرِيدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلَى الَّذِيْنَ اسْتَضَعُّوْا فِى الْاَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ اٰئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِيْنَ

ترجمه :

وما اراده کرده ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثین (روی زمین) قرار دهیم .

نکته ها :

کلمه ی «منت» در اینجا به معنای نعمت بزرگ و با ارزش است ،^(۳) نه منت زبانی که بازگو کردن نعمت به قصد تحقیر دیگران باشد و مسلماً کار زشت و ناپسندی است .

شکی نیست که هرگاه اراده ی الهی بر تحقق امری تعلق گیرد، آن مسئله قطعا عملی خواهد شد و هیچ مانعی نمی تواند سدّ راه آن گردد، قرآن می فرماید: «انّما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون»^(۴) همانا فرمان اوست که هرگاه چیزی را اراده کند که باشد، پس آن چیز خواهد بود و محقق خواهد شد. با اینکه همه نعمت ها از جانب خداوند است و بندگان در هر نعمتی رهین منت او هستند، لکن او در خصوص چند نعمت ، تعبیر به منت فرموده که طبعا از اهمّیت بالای آنها حکایت دارد، از جمله :

الف : نعمت اسلام . كَذٰلِكَ كُنْتُمْ مِّنْ قَبْلِ فَمَنْ اَللّٰهُ عَلَيْكُمْ^(۵)

۳- مفردات راغب .

۴- یس ، ۵۸ .

۵- نساء، ۹۴ .

ب : نعمت نبوت . لقد منَّ الله على المؤمنين اذ بعثَ فيهم رسولا^(٦)

ج : نعمت هدايت . بل الله يُمُنُّ عليكم اءن هداكم^(٧)

د: نعمت حاكميت مؤمنان . و تُريد اءن نُمنُّ على الذين استضعفوا فى

الارض...

در روايات بسيار، حضرت مهدى عليه السلام و حکومت آن بزرگوار در

آخر الزمان مصداق اين آيه معرفى شده است .^(٨)

مسئله حاكميت مستضعفان بر زمين ، با عبارات و بيان هاى مختلفى در قرآن

آمده است :

الف : وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ^(٩)

خداوند به كسانى كه ايمان آورده و كار شايسته انجام داده اند، وعده خلافت در

زمين را داده است .

ب : وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ... ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي

الارض^(١٠) بعد از آنكه اقوام ستمگر پيشين را هلاك كرديم ... شما را جانشينان

زمين قرار داديم .

٦- آل عمران ، ١٦٤ .

٧- حجرات ، ١٧ .

٨- تفسير كنز الدقايق .

٩- نور ، ٥٥ .

١٠- يونس ، ١٣ ١٢ .

ج : ان الارض يرثها عبادى الصالحون^(۱۱) بندگان صالح ، وارث زمين مى شوند.

د: واورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق الارض و مغاربها^(۱۲) ما مستضعفان را وارث شرق و غرب زمين گردانديم .

ه : لنهلكنا الظالمين ولنسكننكم الارض من بعدهم^(۱۳) ما ستمگران را نابود وبعد از آن شما را ساكن زمين مى گردانيم .

پيام ها :

۱- حكومت جهانى مستضعفين و حمايت از مظلومان تاريخ ، اراده و خواست الهى است . نريد

۲- در حكومت خودكامه طاغوتى ، نيروهاى كارآمد به ضعف و نابودى كشانده مى شوند. استضعفوا

۳- خداوند از آينده جهان خبر مى دهد. نجعلهم ائمة ...

(۶) وَتُمْكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَمَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ

ترجمه :

وبه آنان (مستضعفين) در زمين ، قدرت و تمكّن بخشيم ، و از ناحيه آنان به فرعون و (وزيرش) هامان و سپاهيانشان آنچه را كه از آن بيمناك بودند نشان دهيم .

۱۱- انبياء، ۱۰۵.

۱۲- اعراف ، ۱۳۷.

۱۳- ابراهيم ، ۱۴۱۳.

پیام ها :

- ۱- مستضعفان ماء یوس نشوند که خداوند به آنان نیز قدرت می دهد. و
نُمْكِّنَ لَهُمْ
- ۲- اگر چه کیفر اصلی طاغوت ها در جهان دیگر است ، ولی در دنیا نیز از
قهر الهی در امان نخواهند بود. **نُرى... ما كانوا يحذرون**
- ۳- خداوند، کافران را به دست مؤمنان ، ذلیل و خوار می گرداند. **نُرى...**
ماكانوا يحذرون

(۷) **وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنِ ارْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ
فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ**
ترجمه :

و ما به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر بده ، پس هرگاه (از فرعونیان)
بر او بیمناک شدی ، او را (در جعبه ای گذاشته و) به دریا بیفکن و (از این
فرمان) مترس و (از دوریش) غمگین مباش ، (زیرا) ما او را به تو باز می گردانیم
و او را از پیامبران قرار می دهیم .

(۸) **فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَمَانَ
وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ**
ترجمه :

پس (مادر موسی چنان کرد، چیزی نگذشت که) فرعونیان ، او را (دیده و از
آب) برگرفتند تا سرانجام ، دشمن و مایه اندوهشان گردد. همانا فرعون و هامان
و سپاهیانشان خطاکار بودند.

نکته ها :

به فرعون گفته شده بود که امسال کودکی به دنیا می آید که اگر بزرگ شود تو را سرنگون می کند. او دستور داد تمام نوزادانی را که به دنیا می آیند بکشند، اما همین که موسی به دنیا آمد، خداوند به مادرش الهام کرد که او را شیر دهد، آنگاه در صندوقی گذارده و به دریا اندازد.

در این آیه نسبت به مادر حضرت موسی ، دو امر، دو نهی و دو بشارت آمده است : دو امر: «أرضعیه ألقیه»، دو نهی : «لا تخافی لا تحزنی»، دو بشارت : «رادّوه جاعلوه»

کلمه «خوف»، در مورد احتمال خطر و کلمه «حُزن» در مورد نگرانی قطعی بکار می رود. (۱۴)

مراد از دریا در این آیه ، رود عظیم نیل در کشور مصر است که به جهت بزرگی و عظمت ، دریا خوانده شده و کاخ فرعون در ساحل آن بنا شده بود.

پیام ها :

۱- در اضطراب ها و بن بست ها، خداوند بهترین هادی و حامی است . مادر موسی از قتل فرزندش توسط ماءموران فرعون ، به شدت ترسیده بود، ولی خداوند به او الهام کرد که چگونه عمل کند. اوحینا

۲- زن نیز می تواند مورد الهام الهی قرار گیرد. اوحینا الی امّ موسی

۳- نزول امدادهای غیبی با بهره گیری از امکانات مادی منافاتی ندارد. شیردادن و در صندوق گذاردن ، منافاتی با توکل ندارد. ارضعیه

۱۴- تفسیر المیزان .

- ۴- در هیچ شرایطی نباید شیر مادر را از فرزند دریغ داشت . ارضعیه
- ۵ در دستورات الهی اسراری نهفته است که شاید در نظر ابتدایی ، معقول نیاید. القیه فی الیم
- ۶- در راه اجرای فرامین الهی ، نه از چیزی بترسیم و نه نسبت به مسئله ای نگران باشیم . لا تخافی و لاتحزنی (مادر موسی دو نگرانی داشت : یکی ترس از کشته شدن فرزند و دیگری غم فراق او، که خداوند هر دو را همان گونه که در آیات بعد خواهیم خواند به نحو احسن جبران فرمود.)
- ۷- آنچه در راه خداوند داده شود، به بهترین وجه باز می گردد. القیه رادّوه ، جاعلوه من المرسلین (مادر موسی به فرمان خداوند فرزندش را رها کرد، اما خداوند هم او را برگرداند و هم به مقام نبوت رساند.)
- ۸ خداوند، اخباری از غیب را در اختیار افرادی که بخواهد قرار می دهد. جاعلوه من المرسلین
- ۹- فرعون واسطه ی نجات موسی از دریا شد، ولی سرانجام به دست او در همان دریا غرق گردید. التقطه آل فرعون لیكون لهم عدوًا و حزنا (آری خدا می تواند نوزاد بی دست و پا را در دریا حفظ کند، ولی انسان صاحب دست و پا را غرق سازد)
- ۱۰- وقتی خداوند بخواهد، دشمن انسان نیز ماء من و ملجاء او می شود. التقطه آل فرعون (عدو شود سبب خیر، گر خدا خواهد.)
- گر نگهدار من آن است که من می دانم
شیشه را در بغل سنگ نگه می دارد.

۱۱- خواست انسان در مقابل اراده ی الهی بی اثر است . لیکن لهم عدوا و

حزنا

فرعون گمان کرد که هدیه ای برای او رسیده است اما خداوند اراده فرموده بود که دشمنش را در دامان او پیوراند.

۱۲- فرعون و وزیر و لشکریانش طرح دادند و عمل کردند، ولی تدبیر

خداوند همه ی آنها را خنثی کرد. كانوا خاطئین

(۹) وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنُ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ اَنْ يَنْفَعَنَا اَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

ترجمه :

و (چون) همسر فرعون (احساس کرد که آنان قصد کشتن کودک را دارند خطاب به فرعون) گفت : او را نکشید (که او) روشنی چشم من و توست . شاید به ما سودی برساند یا او را به فرزندی بگیریم ولی آنها نمی فهمیدند (که چه کسی را درآغوش خویش می پروراند)

نکته ها :

در زندگی حضرت موسی ، چند زن ، نقش محوری و اساسی داشته اند: مادر موسی ، خواهر موسی ، زن فرعون و همسر موسی ، در این آیه نقش زن فرعون در جلوگیری از قتل او بیان شده است .

پیام ها :

۱- زنان ، دارای اراده ای مستقل و نقشی مؤثرند. قالت امراءت فرعون

(زن فرعون ، راءى فرعون را تغيير داد و شوكت ، سلطنت و ثروت فرعون
هيچ يك مانع او نشد)

۲- با طرح پيشنهادات صحيح و سريع ، از القای طرح های انحرافى
جلوگيرى كنيم . قبل از آنكه فرعون تصميم خود را ابراز كند، همسرش راه
درست برخورد با مسئله را القا نمود. قالت امراءت فرعون قُرَّةُ عَيْنِ لى و لك
لا تقتلوه

۳- در بيان پيشنهادات از كلمات عاطفى و دلنشين استفاده كنيم . قُرَّةُ عَيْنِ لى
ولك

۴- دلهاى همه به دست خداست . او مى تواند سخت ترين دلها همچون دل
فرعون را نيز نرم سازد. قُرَّةُ عَيْنِ لى و لك

۵ در برخورد با منكرات ، ابتدا از راه عاطفه وارد شويم و سپس به امر و نهى
بيردازيم . قُرَّةُ عَيْنِ لى و لك لا تقتلوه

۶- از نهى از منكر زباني ، غفلت نورزيم كه بسيار كارساز است . لا تقتلوه
(زن فرعون با گفتن «لاقتلوه» از كشته شدن موسى جلوگيرى كرد، چنانكه
يكي از برادران يوسف با گفتن «لاقتلوا يوسف» از كشته شدن يوسف
جلوگيرى كرد.)

۷- زنان در نهى از منكر، سابقه اى درخشان دارند. لاقتلوه

۸ طاغوت ها از ابتدائى ترين عواطف انسانى نيز بى بهره اند و نياز به تذکر
دارند. لا تقتلوه

۹- فوائد امر و نهى را بگوئيم تا مردم آسان تر بپذيرند. لاقتلوه عسى اءن

يَنفَعنا

۱۰- در نظام طاغوتی ، ملاک وضع یا لغو قوانین ، هوسها و منافع شخصی طاغوت هاست . (قانون قتلِ عام نوزادانِ پسر، بر اساس منافع شخصی فرعون وضع شد و باز بر پایه امید به منافع آینده در مورد نوزاد آب آورده (حضرت موسی) همین قانون لغو گردید.) لا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ اَنْ يَنْفَعَنَا

۱۱- برخی انسان ها در ظاهر بسیار بلند پروازند، ولی در باطن اسیر نیازهای درونی خویش هستند. فرعون که ادعا می کرد: اَنَارِبْكُمْ الِاعْلَىٰ سَرَانِجَامِ مِی پذیرد که ممکن است یک نوزاد آب آورده برای او سودمند واقع شود. عَسَىٰ اَنْ يَنْفَعَنَا

۱۲- خداوند، فرعون را از فرزند پسر محروم داشته بود تا او با پذیرش نوزاد از آب آورده ، به حقارت و عجز خود بیشتر پی ببرد. نَتَّخِذُهُ وِلْدًا
۱۳- گاه ایجاد علاقه و محبت میان افراد بر اساس یک خط غیبی است که خود طرفین نیز از آن غافلند. و هَم لَّا يَشْعُرُونَ

(۱۰) **وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَرِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَّنَا عَلَيَّ قَلْبَهَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ**

ترجمه :

ودل مادر موسی (از هر چیز، جز فکر فرزند) تهی شد (و) اگر قلب او را استوار نساخته بودیم تا از ایمان آورندگان (به وعده ی ما باقی) بماند، همانا نزدیک بود که (به واسطه جزع و فزع) آن (راز) را افشا کند.

(۱۱) وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

ترجمه :

و (مادر موسی) به خواهر او گفت : (صندوق حامل موسی را) دنبال کن پس او از دور وی را زیر نظر داشت ، در حالی که (دشمنان) متوجه نبودند (که آنکه او را تعقیب می کند خواهر موسی است و از این تعقیب ، چه هدفی دارد).

نکته ها :

تفسیر المیزان ، آیه ی و اصبح فؤاد أم موسی فارغارا با توجه به سیاق و ظاهر آیات قبل و بعد، چنین معنا نموده اند: دلِ مادر موسی به واسطه ی وحی الهی آرام گرفت و دیگر خوف و ترسی نداشت و اگر آن وعده الهی نبود، مادر موسی به سبب شدت اضطراب ، آن راز را افشا می کرد. مادر موسی بعد از آنکه فرزندش را در صندوقی گذارده و در دریا انداخت ، به خواهر موسی ماءموریت داد تا مخفیانه این جریان را پیگیری کند. او نیز بدور از چشم ماءموران حکومتی ، صندوق را دنبال کرد تا اینکه از دریا نجات یافت و در دامان همسر فرعون قرار گرفت . او همچنان موسی را زیر نظر داشت تا اینکه متوجه شد درباریان فرعون بدنبال دایگانی برای شیردادن به کودک هستند. اما موسی هیچ سینه ای را نمی پذیرد، سرانجام خواهر موسی با طرح پیشنهاد دایگی مادرش ، و پذیرش دربار، تعقیب و مراقبت و ماءموریتش خاتمه یافت .

پیام ها :

۱- افشای اسرار از نشانه های سستی و ضعف ایمان است . لتبدی به لولا ان

ربطنا علی قلبها

۲- آرامش دلها به دست خداست . **ربطنا علی قلبها**

۳- یکی از نشانه های ایمان ، آرامش خاطر و دل آرام است . **ربطنا... لتکون**

من المؤمنین

۴- آنچه در نظر الهی مهم است ، ایمان است و زن و مرد تفاوتی ندارند.

لتکون من المؤمنین در صورتی که باید می فرمود: «من المؤمنات»

۵ زنان و دختران نیز باید از تدبیرهای لازم در مسائل اجتماعی برخوردار

باشند. **قالت لاخته قُصَّیْه**

۶- در امور حساسیت برانگیز، کارها را به دیگران واگذار کنیم . **لأخته** در

ماجرای موسی علیه السلام حساسیت بر روی مادر بیشتر بود و امکان داشت که
مطلب افشا گردد.

۷- توکل بخدا به معنای بی تفاوتی در مسائل نیست . با اینکه مادر موسی

زن باایمانی بود، ولی باز هم دخترش را برای تعقیب ماجرا فرستاد. **من**

المؤمنین، قالت لاخته قُصَّیْه

۸ در برخورد با نظام های طاغوتی و خفقان آور، تعقیب و مراقبت امری

ضروری است . **قُصَّیْه**

۹- برای حفظ اسرار، عادی سازی در رفتار یک امر لازم است . **عن جُنُب**

(خواهرموسی از دور صندوق برادر را زیر نظر داشت ، تا این مراقبت بسیار

عادی باشد و سبب حساسیت و تحریک دشمن نشود.)

۱۰- مؤمن باید مأموریت خود را بدور از توجه دشمن به انجام برساند. **و**

هم لا یشعرون

۱۱- برای آنکه دشمن به اهداف ما پی نبرد، حرکات خود را در برابر او

کنترل کنیم . و هم لایشعرون

(۱۲) وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَصِحُونَ

ترجمه :

و ما (به دهان گرفتن سینه ی) زنان شیرده را از پیش بر او ممنوع کردیم ، پس (خواهر موسی که ماءموران را در جستجوی دایه دید) گفت : آیا می خواهید شما را بر خانواده ای راهنمایی کنم که سرپرستی او را برای شما بپذیرند و برای او خیرخواه باشند؟

نکته ها :

«مراضع» جمع «مرضع»، یعنی زنان شیرده و دایه .

پیام ها :

- ۱- اگر خداوند نخواهد، تشکیلات عریض و طویلی همچون دستگاه فرعون نیز از تاءمین غذای یک کودک عاجز می ماند. حرّما
- ۲- ابتدایی ترین کارها مثل مکیدن نوزاد نیز با اراده ی الهی است و اگر او نخواهد، اتفاق نخواهد افتاد. حرّما
- ۳- رضاع و سپردن نوزاد به دایه برای شیردادن ، سابقه ای تاریخی و طولانی دارد. المراضع
- ۴- وقتی سر انسان متکبر به سنگ خورد، راهنمایی و پیشنهاد دیگران ، حتی یک فرد ناشناس را نیز به راحتی می پذیرد. فقالت هل ادلکم

۵- پیشنهادات خود را در رابطه با چیزی که حساسیت برانگیز است ، بطور
عادی مطرح کنیم . **هل ادلکم**

۶- در برابر دشمن باید زیرک بود. (خواهر موسی نامی از مادر موسی به
میان نیاورد و نگفت : «عل ی أمّه»، بلکه آن را به صورت ناشناس ذکر کرد.)
علی اهل بیت

۷- نیازمندی های نوزاد، منحصر در غذا نیست ، بلکه او به خانواده وکانون
محبت نیز احتیاج دارد و لذا خواهر موسی سخن از سرپرستی همه جانبه کرد،
نه تنها تغذیه . **یکفلونه**

۸ پیشنهادات خود را به گونه ای مطرح کنیم که مخاطب ، آن را به نفع خود
بداند. **یکفلونه لکم**

۹- کفالتی ارزشمند است که با خیرخواهی و محبت همراه باشد. **یکفلونه لکم**
و هم له ناصحون

**(۱۳) فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ آئِمَّةٍ كَىٰ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَ لَتَعْلَمَ آءَنَّا وَعَدَّ اللَّهُ
حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ**

ترجمه :

پس ما (اینگونه) او را به مادرش باز گردانیدیم تا روشنی چشم او باشد و غم
نخورد و بداند که همانا وعده الهی حق است ، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

نکته ها :

گاهی اوقات عناوین برای انسان ، مزاحم ومانعند. مثلا در این ماجرا مادر
موسی پذیرفت که

به عنوان دایه فرزندش را شیر دهد، زیرا عنوان مادر، سبب قتل فرزند و آزار مادر می شد.

پیام ها :

۱- وعده های الهی تخلف ندارد. در آیه ی هفتم خداوند وعده داد که نوزاد را به مادر برگرداند و در این آیه می خوانیم که او را برگرداند. **أَنَا رَادُّهُ إِلَيْكَ**
رددناه الی اُمّه

۲- نوزاد، نور چشم مادر است . **کی تَقَرَّ عَیْنِهَا**

۳- برای اهل حق، اهداف مهم است ، نه عناوین . رددناه الی اُمّه سرانجام ، فرزند به آغوش مادر بازگشت گرچه این بار، مادر به عنوان دایه استخدام شد، ولی عنوان مهم نیست ، برگشتن نوزاد مهم است .

۴- مادر به واسطه ارتباط عمیق با فرزند، بیشترین نقش را در زندگی او دارد. الی اُمّه (در اینجا نامی از پدر موسی به میان نیامده است .)

۵ گاه رازداری مادر و خواهر می تواند حیات انسان را تاءمین نماید. الی اُمّه (مادر و خواهر موسی ، سالها راز مادری را کتمان کردند.)

۶- عاقبت ، سختی ها بسر آمده و فراق به وصال خواهد انجامید. رددناه الی اُمّه کی تَقَرَّ عَیْنِهَا (پس از مدّت ها نگرانی و غم ، سرانجام خداوند، موسی را به مادر بازگرداند. اِنْمَع الْعَسْرَ یَسْرًا)

۷- اگر خداوند بخواهد، یک انسان ، مایه امید و نور چشم دو گروه متضاد (خاندان فرعون و خاندان موسی) می شود. **قُرَّةُ عَیْنٍ لِّیْ وَ لَکَ تَقَرَّ عَیْنِهَا**

۸- انبساط و شادی ، و حزن و اندوه ، در بینایی انسان تاءثیر دارد. تَقَرَّ عَیْنِهَا چنانکه دوری حضرت یوسف ، باعث نابینایی حضرت یعقوب گردید.

وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ (۱۵)

۹- ایمان به خداوند دارای مراحل و درجاتی است . مادر موسی بانویی مؤمنه بود، «رَبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» اما یک مؤمن نیز باید به مرحله یقین و علم عمیق برسد. **لَتَعْلَمَ آءَنَ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا**

۱۰- فلسفه و دلیل بعضی حوادث ، درک حَقَائِیتِ وعده های الهی است .

لَتَعْلَمَ آءَنَ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا

۱۱- اکثر مردم ظاهرین هستند و درکی از اسرار حکیمانه و نقشه های

مدبرانه ی خداوند ندارند. **اکثرهم لا یعلمون**

(۱۴) **وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ۖ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي**

الْمُحْسِنِينَ

ترجمه :

چون موسی نیرومند شد و کامل گردید، به او حکمت و دانش عطا کردیم و ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می دهیم .

نکته ها :

«اَشُدُّ» از «شَدَّتْ»، به معنی نیرومند شدن و «استوی» از «استواء» به معنای کمال خلقت و اعتدال آن است .

عبارت «حُكْمًا وَعِلْمًا» سه مرتبه در قرآن مجید آمده که در همه موارد، حُکْم بر علم مقدّم شده است . «حُکْم» به معنای فهم درست و قدرت بر داوری صحیح و «عِلْم» به معنای داشتن آگاهی و اطلاعات است .

۱۵- یوسف ، ۸۴.

پیام ها :

- ۱- اولین شرط پذیرش مسئولیت ، بلوغ جسمانی و توان فکری و روحی است . و لَمَّا بَلَغَ
- ۲- بلوغ واقعی ، تنها به رشد جسمی و نیروی جنسی نیست ، بلکه به کمال فکر و عقل نیز وابسته است . و لَمَّا بَلَغَ اءَشَدَّه و استوی
- ۳- وعده های الهی ، تخلف ناپذیر است . جاعلوه من المرسلین و لَمَّا بَلَغَ ... آتیناه

- ۴- نزول الطاف الهی زمینه ی مناسب می خواهد. و لَمَّا بَلَغَ ... آتیناه
- ۵ حکمت بر علم مقدم است . حُکما و علما
- ۶- لطف به نیکوکاران ، سنت الهی است . و کذلک
- ۷- پاداش نیکوکاران ، منحصر به آخرت نیست . و کذلک نجزی المحسنین
- (بهره مند شدن موسی از حکمت و دانش ، پاداش الهی در برابر احسان اوست.)

(۱۵) وَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَةِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعْتَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ

ترجمه :

و موسی وارد شهر شد، در حالی که مردم (از ورودش) بی خبر بودند، پس در آنجا به دو مرد برخورد که با یکدیگر نزاع می کردند، این یکی از طرفدارانش و آن (دیگری) از دشمنانش بود.

پس آن که از پیروان موسی بود، از او در برابر دشمنش یاری خواست . پس موسی (به حمایت از دوست خود) مُشتی بر او زد که کار او را ساخت (و با همان مشت کشته شد)، موسی (از این پیشامد تکانی خورد و) گفت : این از کار شیطان بود، همانا او دشمن گمراه کننده ی آشکاری است .

نکته ها :

ظاهراً حضرت موسی قبل از نبوتش ، بیرون از شهر زندگی می کرده است ، و این یا بخاطر حرکات انقلابی او بوده که در آنجا بسر می برده و یا بخاطر اینکه کاخ فرعون که موسی علیه السلام در آن زندگی می کرده ، خارج از شهر قرار داشته است .

سؤال : اگر پیامبران خدا معصومند، پس مشت زدن و آدم کشتن موسی علیه السلام چه توجیهی دارد و چگونه تفسیر می شود؟

پاسخ : کلمه «هذا» در جمله ی «هذا من عمل الشيطان» به نزاع و ستیز آن دو مرد اشاره دارد نه به عمل حضرت موسی ، یعنی این درگیری کار شیطان است .

حضرت موسی قصد کشتن آن مرد را نداشت و فقط بخاطر دفاع از یک مؤمنی دست به این کار زد. از این روی خداوند از قتل او انتقاد نکرده و در جای دیگر می فرماید: **وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ**^(۱۶) تو یکی از فرعونیان را به قتل رساندی و دچار غم و اندوه شدی و ما تورا از غم نجات دادیم .

۱۶- طه ، ۴۰ .

پیام ها :

- ۱- مصلحان جامعه باید گاهی به صورت ناشناس و غیر رسمی ، بدون نام و عنوان در میان مردم حاضر شوند. **دخل المدينة علی حین غفلة من اهلها**
- ۲- حضرت موسی قبل از نبوت نیز دارای یار و پیرو بود. **من شیعتہ**
- ۳- گرچه موسی بزرگ شده کاخ فرعون بود، ولی مردم مستضعف به خاطر تفکر و منش ، او را حامی و رهبر خود می دانستند. **فاستغاثه**
- ۴- دفاع و حمایت از مظلومان ، شیوه اولیای الهی است . **فوکزه موسی**
- ۵ انبیا، افرادی پر قدرت ، با غیرت ، جوانمرد، مظلوم نواز و ظلم ستیز بوده اند. **فوکزه موسی**
- ۶- مردان خدا در صورت لزوم بادشمن درگیر می شدند و از زور بازو بهره می بردند. **فوکزه موسی**

(۱۶) قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

ترجمه : (موسی) گفت : پروردگارا! همانا من به خویشتم ستم کرده ام ، پس مرا ببخش ، پس (خداوند) او را آمرزید بددرستی که او آمرزنده ی مهربان است .

نکته ها :

سؤال : جمله ی «ظَلَمْتُ نَفْسِي» به خودم ظلم کردم ، از زبان کسی که به پیامبری می رسد چه معنایی دارد؟

پاسخ : مراد از ظلم به خود در اینجا، گرفتار شدن به آثار اجتماعی قتل غیر عمد است ، نه گناه ، تا با مقام عصمت منافات داشته باشد. زیرا خداوند، حضرت موسی را مخلص می داند؛

«إِنَّه كَانَ مُخْلِصًا»^(۱۷) و کسی که به این درجه نائل گردید دیگر گناه نمی کند، زیرا شیطان خود اقرار کرده است که قدرت نفوذ در مخلصین را ندارد. «فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّبَهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمَخْلِصِينَ»^(۱۸)

پیام ها :

- ۱- در دعا، خداوند را با کلمه مبارکه ی «ربّ» بخوانیم . قال ربّ
- ۲- هر چند کار خلاف ، عمدی نباشد ولی نباید از آثار طبیعی و وضعی آن غافل بود. ظَلَمْتُ نَفْسِي (حضرت موسی به قصد نجات یک مؤمن وارد صحنه شد و ناخواسته مرتکب قتل گردید و در واقع گناهکار بحساب نمی آمد، اما این عمل ، کار او را دشوار کرد و این یک آفت بود.)
- ۳- افراد صالح حتی در برابر کجی های غیر عمدی نیز بلافاصله استغفار می کنند و از تبعات آن دوری می گیرند. فاغفرلی
- (حضرت موسی با استغفار خود چند چیز را از خداوند درخواست کرد، هم محو آثار اجتماعی کار خود را، هم برطرف شدن نگرانی از آینده را و هم دفع توطئه های انتقام جویانه ی فرعونیان را.)
- ۴- دعای انبیا مستجاب است . فَغْفِرْ لَهُ

۱۷- مریم ، ۵۱.

۱۸- ص ، ۸۲ ، ۸۳.

(۱۷) قَالَ رَبِّ بِمَا آءَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ

ترجمه :

(سپس موسی) گفت : پروردگارا! بخاطر (قدرت و) نعمتی که بر من ارزانی داشتی ، پس هرگز پشتیبان تبهکاران نخواهم بود.

نکته ها :

شاید مراد از نعمت در جمله ی «انعمت علی» ، غفران و بخشش الهی باشد.

پیام ها :

۱- قدرت جسمی ، از نعمت های الهی است . بما أنعمت علی (موسی قدرتی داشت که با یک مشت توانست کافری را از پا در آورد).

۲- شکر نعمت های الهی ، دوری از ستم به دیگران است . بما أنعمت علی

فلن آكون ظهيرا للمجرمين

شکرانه ی بازوی توانا

بگرفتن دست ناتوان است

۳- همکاری با گنهکاران نیز گناه است . فلن آكون ظهيرا للمجرمين

(به گفته ی روایات ، راضی بودن به گناه دیگران هم گناه بحساب می آید).

(۱۸) فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفاً يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ

يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ

ترجمه :

(ولی از آن پس ، موسی به سبب این قتل) در شهر نگران و ترسان گردید (و هر لحظه انتظار حادثه ای را می کشید) پس ناگهان (مشاهده کرد) همان کسیکه دیروز از او یاری طلبیده بود، با فریاد از او کمک می خواهد!، موسی به او گفت : بدرستی که تو در گمراهی آشکاری هستی !.

پیام ها :

- ۱- هر ترسی مذموم نیست ، ترس از نرسیدن به اهداف خود و یا دستیابی دشمن به آرزوهایش ، ترس پسندیده است . خائفًا يَتَرَقَّب
- ۲- از بازتاب کارها و تصمیمات خود مراقبت کنیم . يَتَرَقَّب
- ۳- با وجود آنکه موسی در کاخ فرعون زندگی می کرد، ولی با مردم رابطه داشت و در میان آنان به شخصی مصلح شهرت یافته بود. يَسْتَصْرِخُهُ
- ۴- اگر در جایی وظیفه تقیه است و باید به خاطر مصالحی اهداف مکتوم بماند، نباید هر روز دست به تحرک و آشوبی زد و عدم رعایت این موضوع ، گناه محسوب می شود. إِنَّكَ لَعَوَى مُبِين
- ۵ خودی های بی توجه را باید توبیخ کرد و نباید به خاطر حزب و گروه ، خلاف آنان را نادیده گرفت . إِنَّكَ لَعَوَى مُبِين

(۱۹) فَلَمَّا آءَنَ آءَرَادَ آءَنَ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَمُوسَى آءَتْرِيدُ آءَنَ تَقْتُلْنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِن تُرِيدُ إِلَّا آءَنَ تَكُونُ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَا تُرِيدُ آءَنَ تَكُونَمِنَ الْمُصْلِحِينَ

ترجمه :

پس چون (موسی) خواست به آن کسی که دشمن هر دوی آنها بود حمله کند (و با او درگیر شود، او) گفت: ای موسی! آیا تصمیم گرفته ای که مرا (هم) به قتل برسانی، همان گونه که دیروز (نیز) انسانی را کُشتی؟! تو جز زورگویی در روی زمین هدفی نداری و نمی خواهی که از مصلحان باشی.

نکته ها:

کلمه «بَطش» به معنی خشم همراه با شدت و قدرت است.

پیام ها:

۱- انتقاد از خلاف دوستان، نباید سبب رها کردن و حمایت نکردن از حق آنان شود. (با اینکه حضرت موسی در آیه قبل با جمله «**أَنْك لَغَوَى مَبِين**» از یار خود انتقاد کرد، ولی باز هم تصمیم به حمایت از او گرفت) اءرادَ اءن يَبطش
۲- در همه جا موعظه کارساز و کافی نیست، گاهی زور و قدرت لازم است. اءرادَ اءن يَبطش

(«وقار» به معنای وارفتگی و بی حالی نیست، حضرت موسی دو روز پی در پی درگیری خیابانی داشت.)

۳- در نظام استکباری، فرعون که نوزادان معصوم را عمداً به قتل می رساند، خدا خوانده می شود! ولی موسی که بدون قصد قتل به دشمن کافر ضربه ای وارد می کند و منجر به مرگ او می شود، **جَبَّارٌ مَعْرَفِي** می شود!! **تَكُونُ جَبَّارًا**
فی الارض

(۲۰) وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَائِيَةَ تَمْرُونَ بِكُلِّ يَتْلُوكَ فَاخْرُجْ إِنَّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ

ترجمه :

و (در این هنگام) مردی از دورترین نقطه شهر (که مرکز استقرار فرعونیان بود) شتابان (به سوی او) آمد و گفت : ای موسی ! همانا سران قوم در مورد تو مشورت می کنند تا تو را بکشند، پس (فورا از اینجا) خارج شو، همانا که من از خیرخواهان و دلسوزان تو هستم .

(۲۱) فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

ترجمه :

پس (موسی) از شهر خارج شد در حالی که نگران و ترسان بود. گفت : پروردگارا! مرا از (دست) این گروه ستمگر نجات ده .

نکته ها :

مراد از کلمه ی «رَجُلٌ» در این آیه ، همان «مؤمن آل فرعون» است که سوره ی «مؤمن» (غافر) به نام اوست . او ایمان خود را کتمان و در لباس تقیّه به موسی کمک می کرد.

پیام ها :

۱- حضرت موسی در دربار فرعون ، عامل نفوذی و طرفدار داشت . جاء

رجل

۲- کمک به ظالم در هر شکلی حرام است ، ولی ورود و نفوذ در دستگاه برای کمک به اهل ایمان کاری پسندیده است . جاء رجل (حضور علی ابن یقظین یکی از یاران امام کاظم علیه السلام در دستگاه ظلم بنی عباس نیز از همین باب بود).

۳- طاغوت ها برای امنیّت و آسایش بیشتر خود، در میان مردم و مرکز شهر زندگی نمی کنند. أَقْصَى الْمَدِينَةِ

۴- در حفظ جان مردم ، نهایت تلاش خود را بکار ببریم . یَسْعَى

۵ گاه ، خبررسانی به موقع وسوز و سرعت در کار، سرنوشت یک ملت را عوض می کند. یسعی (چه بسا که اگر این مرد، اخبار را به موسی علیه السلام نمی رساند و آن حضرت از شهر بیرون نمی رفت ، بدست ماءموران فرعون کشته می شد).

۶- یک انسان انقلابی مثل موسی ، جبهه ی کفر و مهره های آن را به اضطراب و تکاپو می اندازد. إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ

۷- اطرافیان طاغوت ها نیز در جرم آنها شریک هستند. يَأْتَمِرُونَ بَكَ

۸ افشای توطئه ها و طرحهای خائنه واجب است . يَأْتَمِرُونَ بَكَ

۹- مصلحان جامعه باید همواره آمادگی هجرت و آوارگی را داشته باشند.

فَخَرَجَ

۱۰- به هشدارهای دلسوزانه بها دهیم و نصیحت دیگران را بپذیریم . فَاخْرَجُ

فَخَرَجَ

۱۱- شجاعت ، به معنای در دسترس دشمن قرار گرفتن نیست . فَخَرَجَ

۱۲- زندگی انبیا غالبا با آوارگی و اضطراب همراه بوده است . فخرَج
۱۳- سعی و همت خود را بکار بریم ، ولی نتیجه را از خداوند بخواهیم .
فخرَج قال رَبِّ نَجِّنِي

۱۴- دعا باید با تلاش و حرکت همراه باشد. فخرَج منها قال رَبِّ نَجِّنِي
۱۵- رهبران الهی ، در همه حالات از خداوند استمداد می کنند. رَبِّ نَجِّنِي
من القوم الظالمين ، رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ^(۱۹) ، رَبِّ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ فَلَنْ
اَكُونَ ظَاهِرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ^(۲۰) وَرَبِّ اِنِّي لِمَا نَزَّلْتَالِيٍّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ^(۲۱)

(۲۲) وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّيْٓ اَنْ يَّهْدِيَنِيْ سَوَاءً

السَّبِيلِ

ترجمه :

و چون (موسی) به سوی مدین روی نهاد، گفت : امید است که پروردگارم مرا
به راه راست هدایت فرماید.

نکته ها :

«مدین» شهری در جنوب شام و شمال حجاز، و نزدیک تبوک است که در آن
زمان از قلمرو حکومت فرعون ، بیرون بوده است .

پیام ها :

۱- تحرک ، هجرت و بکارگیری تاکتیک های متفاوت از لوازم یک انقلاب
است . و لَمَّا تَوَجَّهَ

۱۹- قصص ، ۱۶ .

۲۰- قصص ، ۱۷ .

۲۱- قصص ، ۲۴ .

۲- اوّل حرکت کنیم ، سپس دعا کنیم و امیدوار باشیم . و لَمَّا تَوَجَّه ... قال

عسی ربّی اءن یهدین

۳- همواره در صدد انتخاب نزدیک ترین و بهترین راه ها باشیم . سواء

السبیل

۴- امیدواری ، در همه ی حالات پسندیده است . عسی ربّی

۵ فراز و نشیب ها، یک سنّت الهی در راه تربیت انسان هاست . و لَمَّا تَوَجَّه ...

قال عسی ربّی

۶- کار خود را با استمداد از پروردگار آغاز کنیم . و لَمَّا تَوَجَّه ... قال عسی

ربّی ان یهدینى

۷- در محیطهای طاغوت زده که زمینه ی انحراف و تصمیمات نابخردانه

فراهم است ، از خداوند، هدایت بجوییم . یهدینى سواء السبیل

(۲۳) و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدَیْنٍ وَجَدَ عَلَيْهِ اِئْمَةٌ مِّنَ النَّاسِ یَسْقُونَ وَوَجَدَ

مِنْ دُونِهِمْ اِمْرًا تَیْنِ تَدُوْدَانَ قَالَ مَا خَطْبُكُمْ قَالَتَا لَا نَسْقِی حَتّٰی یُصْدِرَ

الرَّعَاءُ وَاَبُونَا شَیْخٌ کَبِیْرٌ

ترجمه :

و چون موسی به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در اطراف آن

دید که به سیراب کردن (چهار پایان خویش) مشغولند و در کنار آنان به دو زن

برخورد که مراقب بودند (تا گوسفندانشان با گوسفندان دیگر مخلوط نشوند.

پس موسی جلو رفته و به آنان) گفت : منظور شما (از این کناره گیری) چیست

؟ گفتند: ما (برای پرهیز از اختلاط با مردان ، گوسفندان خود را) آب نمی دهیم

تا اینکه همه ی چوپانان خارج شوند

و (حضور ما در اینجا برای آن است که) پدر ما پیرمردی کهنسال است .

(۲۴) فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ

مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ

ترجمه :

پس (موسی گوسفندانشان را) برای آنان آب داد، سپس رو به سوی سایه آورد وگفت : پروردگارا! همانا من به هر خیری که برایم بفرستی نیازمندم .

نکته ها :

«تذودان» از ماده «ذود» به معنای منع کردن و جلوگیری کردن است .
در این آیه ، کلمه «وَجَدَ» دو مرتبه تکرار شده که نشانه ی دو نگاه جداگانه است ، در حالی که اگر مردان و زنان در کنار هم بودند با یک نگاه دیده می شدند.

پیام ها :

۱- آبها از منابع ملی هستند، نه اموال شخصی . ماء مدین ... النَّاسِ یَسْقُونَ
۲- از حیا و ضعف زنان ، سوء استفاده نکنیم . اگر قانون و حمایتی در کار نباشد، بسیاری از مردان ، حقوق زنان را نادیده می گیرند. أُمَّةٌ ... یَسْقُونَ وَوَجَدَ
من دونهم امراءتین

۳- حریم میان زن و مرد یک ارزش است که دختران شعیب آن را مراعات می کردند. وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امراءتین

۴- از موقعیت خود سوء استفاده نکنیم . وجد من دونهم امراءتین (این دو زن، دختران شعیب پیامبر بودند،

ولی از مردم نخواستند تا بخاطر پدرشان ، راه را برای آنان باز کنند.)
۵ دختران پیامبر خدا چوپانی می کنند، ولی هرگز تن به ذلت و گدایی نمی دهند. امراء تین تذودان

۶- چوپانی ، شغل بسیاری از انبیای الهی بوده است . و ابونا شیخ کبیر اگر پدر ما پیر نبود، خودش چوپانی می کرد.

۷- مشکلات شخصی ما را از حمایت دیگران باز ندارد. ما خطبکما (موسی که جانش در خطر و در حال فرار بود، از کمک و حمایت دیگران دست برداشت .)

۸ حمایت از زنان یک ارزش انسانی است . ما خطبکما

۹- گفتگوی مرد با زن در صورت لزوم مانعی ندارد. ما خطبکما

۱۰- سعی کنیم در حرف زدن با نامحرم ، خلاصه سخن بگوییم . ما خطبکما

۱۱- نسبت به آنچه در اطراف ما می گذرد، بی تفاوت نباشیم . ما خطبکما

۱۲- کار زن در خارج از منزل اشکالی ندارد، به شرط آنکه :

الف : زن در محیط کار، تنها نباشد. امراء تین

ب : با مردان اختلاطی نداشته باشد. من دونهم لانسقی حتی یصدر الرعاء

ج : مردی که توان کار داشته باشد، در خانواده نباشد. ابونا شیخ کبیر

۱۳- اگر در موضعی غیر عادی قرار داریم ، از خود دفع شبهه کنیم . ابونا

شیخ کبیر

۱۴- وقتی پدر و نان آور خانواده از کار می افتد، همه ی فرزندان حتی

دختران نیز مسئول هستند. ابونا شیخ کبیر

۱۵- در کمک به دیگران ، شرطی قرار ندهیم و سریع اقدام کنیم . فسقی لهما حضرت موسی همین که دلیل منطقی آن دو زن را شنید، بدون هیچ گونه پرسش و درخواستی ، بی درنگ به رفع خواسته آنان پرداخت .

۱۶- خدمت به مردم را خالصانه انجام دهیم و حل مشکلات خود را از خداوند بخواهیم . فسقی لهما ربّ ائی (موسی گوسفندان آن دو دختر را سیراب کرد، ولی برای رفع گرسنگی خود به جای استمداد از آنان ، از خدا کمک طلبید).

۱۷- همه چیز را از خداوند درخواست نماییم . ربّ ائی لما انزلت الیّ من خیر فقیر

۱۸- در دعا، برای خداوند تکلیف و مصداق معین نکنیم . لما انزلت الیّ من خیر فقیر (حضرت موسی با اینکه گرسنه بود، ولی از خدا، نان و غذا طلب نکرد).

(۲۵) فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرًا مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الظَّالِمِينَ

ترجمه :

پس (چیزی نگذشت که) یکی از آن دو (زن) در حالی که با حیا و عفت راه می رفت به نزد او آمد و گفت : همانا پدرم از شما دعوت می کند تا مزد اینکه برای ما آب دادی به تو بپردازد. پس همین که موسی به نزد آن پدر پیر (حضرت شعیب) آمد و

سرگذشت خود را برای او بازگو کرد، او گفت : نترس ، تو از (دست) گروه
ستمگران نجات یافتی .

پیام ها :

۱- رفت و آمد زن در بیرون خانه باید براساس حیا و عفت باشد. تمشی علی
استحیاء (حیا، از برجسته ترین کمالات زن در قرآن می باشد).

۲- در دعوت ، مرد از مرد و زن از زن دعوت کند. اِنَّ اَبی یَدْعُوک

۳- بدون دعوت ، خود را میهمان نکنیم . اِنَّ اَبی یَدْعُوک

۴- کسی که از دامن طاغوت بگریزد، به خانه پیامبر خدا میهمان می شود. اِنَّ

اَبی یَدْعُوک

۵ پدر، باید از رفتار فرزندان خود آگاه باشد و در مقابل حرکات آنان عکس

العمل مناسب نشان دهد. اِنَّ اَبی یَدْعُوک (شعیب که دید دخترانش زودتر از

روزهای دیگر آمده اند، علت را پرسید و تصمیم به تشکر از موسی گرفت .)

۶- غریب نوازی ، از صفات بارز پیامبران الهی است . یَدْعُوک

۷- برای خدمات مردم ، ارزش قائل شویم . لیجزیک

۸ قصد قربت ، با قدردانی دیگران منافاتی ندارد. اءجر ما سقیت (حضرت

موسی کار را برای رضای خدا انجام داد، ولی حضرت شعیب با پرداخت مزد از

زحمات او تقدیر کرد).

۹- حوادث را برای خبرگان و اهل تفسیر و تحلیل بازگو نماییم . قصّ علیه

القصص

۱۰- عاقبت اهل ایمان ، نجات و رستگاری است . نَجوتَ

۱۱- در کنار اولیای خدا بودن ، خود یک نوع ایمنی و احساس امنیّت است.

نَجَوْتَ

۱۲- دعای انبیا، مستجاب است . نجوت حضرت موسی دیروز دعا کرد: رَبِّ

نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^(۲۲)، امروز می شنود: لا تخف نجوت من القوم الظالمين

﴿۲۶﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ

الْأَمِينُ

ترجمه :

یکی از آن دو (دختر، خطاب به پدر) گفت : ای پدر! او را استخدام کن ، زیرا بهترین کسی که (می توانی) استخدام کنی ، شخصِ توانا و امین است .

نکته ها :

امام رضا علیه السلام فرمود: حضرت شعیب از دخترش پرسید: چگونه امانت داری این جوان را فهمیدی که او را امین می خوانی ؟ گفت : وقتی دعوت شما را به او ابلاغ کردم ، به من گفت : از پشت سر من ، مرا راهنمایی کن .^(۲۳) تا مبادا به قامت من چشم بدوزد.

پیام ها :

۱- دختران نیز در خانواده بر اساس منطق و حکمت ، حق پیشنهاد دارند و

فرقی با دیگران ندارند. قالت احدهما يا ابا ت استاءجره

۲۲- قصص ، ۲۱.

۲۳- بحار، ج ۱۳، ص ۴۴.

- ۲- روابط حسنه میان والدین و فرزندان و آزادی بیان در خانواده ، یک ارزش است . **یا اءبت استاءجره**
- ۳- همه ی اعضای خانه پیشنهاد بدهند، ولی تصمیم نهایی با سرپرست خانواده است . **استاءجره**
- ۴- زنان عقیفه بدنبال آند تا کمتر از منزل خارج شوند. استاءجره (برای کارهای سخت خارج از منزل ، از مرد استفاده شود).
- ۵ کار، عار نیست ، اولیای خدا نیز کار می کرده اند. استاءجرت
- ۶- در گزینش ها، به بهترین ها توجه کنیم . خیر من استاءجرت
- ۷- برای استخدام ، دو عنصر توانایی (تخصّص) و امانتداری (تعهد)، لازم است . **القوی الامین**
- ۸ توانایی ها و امانتداری ها را باید در شرایط عادّی و بدون توجه طرف ، شناسایی و احراز کرد. **القوی الامین** (غالب افراد با تصنّع ، تملّق و ریاکاری ، واقعیت خود را می پوشانند. اما حضرت موسی در یک صحنه طبیعی ، با یک کار حمایتی و برخورد عقیفانه ، خود را نشان داد).
- کار و کارگری
- خداوند از مردم ، عمران و آبادی زمین را خواسته که بدون کار و تلاش محقّق نمی شود. ^(۲۴)
- در سراسر قرآن بر عمل صالح که دارای معنای بسیار گسترده ای است ، تکیه شده است .
- انبیای الهی ، کشاورز، چوپان ، خیاط و نجّار بوده اند.

۲۴- هو اءنشاءکم من الارض و استعمرکم فیها هود، ۶۱.

کار در اسلام عبادت و به منزله ی جهاد است . (۲۵)

دعای بیکار مستجاب نمی شود.

کار وسیله ی تربیت جسم و روح ، پرکردن ایّام فراغت ، مانع فساد و فتنه ، عامل رشد و نبوغ و ابتکار، توسعه ی اقتصادی ، عزّت و خودکفائی و کمک به دیگران می باشد.

قرآن می فرماید: ما زمین را برای شما رام قرار دادیم پس از پشت آن بالا روید و از رزق آن بخورید. (۲۶)

اسلام برای کار بازویی احترام ویژه ای قائل شده است و مراعات حقّ کارگر و تحصیل رضای او و پرداخت سریع مزد او و اضافه پرداخت بر مقدار تعیین شده و احترام به او همه و همه مورد سفارش اسلام است . همان گونه که برای کشاورزی سفارش نموده تا آنجا که سیراب کردن درخت ، پاداش سیراب کردن مؤمن دارد.

حضرت علی علیه السلام به استاندارش سفارش می کند که کشاورزان مورد ستم قرار نگیرند و در گرفتن مالیات مراعات آنان را بکن .
کارهای فکری نیز از ارزش بالایی برخوردار است تا آنجا که یک ساعت فکر مفید از ساعت ها عبادت بهتر است .

کم کاری و سهل انگاری در کار، مورد انتقاد است تا آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند دوست دارد

۲۵- وسائل ، ج ۱۲ ، ص ۴۳ .

۲۶- هو الذی جعل لکم الارض ذلولا فامشوا فی مناکیها و کلوا من رزقه ملک ، ۶۷ .

هر کس کاری انجام می دهد آن را به نحو احسن انجام دهد.
قرآن می فرماید: هرگاه از کار مهمی فارغ شدی به کار مهم دیگری بپرداز.
فاذا فرغت فانصب^(۲۷) بنابراین بیکاری، ممنوع.
آری، بیکاری مایه ی خستگی، تنبلی، فرسودگی، فرصتی برای نفوذ شیطان، ایجاد فتنه و گسترش گناه می باشد.
البته اسلام برای کار، ساعت و مرز قرار داده و به کسانی که در ایام تعطیل کار می کنند، لقب متجاوز داده است.^(۲۸)

امام رضا علیه السلام فرمود: مؤمن باید ساعات خود را بر چهار بخش تقسیم کند: ساعتی برای کار، ساعتی برای عبادت، ساعتی برای لذت و ساعتی برای دوستان و رسیدگی به امور اجتماعی که در غیر این صورت انسان به صورت عنصری حریص در آمده و مورد انتقادهایی که درباره حرص است قرار می گیرد.

اسلام توجه خاصی به کیفیت کار دارد، نه به مقدار و کمیت آن.^(۲۹)
به هر حال اسلام به کار اهمیت داده تا آنجا که در حدیث می خوانیم:
خداوند بنده پر خواب و انسان بیکار را دشمن دارد.^(۳۰) امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که در کار دنیایش تنبل باشد، در کار آخرتش تنبل تر است.^(۳۱)

۲۷- انشراح، ۷.

۲۸- الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ بقره، ۶۵.

۲۹- اَيْكُمْ اِحْسَنْعَمَلَاهُود، ۷.

۳۰- وسائل، ج ۱۲، ص ۳۷.

۳۱- وسائل، ج ۱۲، ص ۳۷.

در حدیث می خوانیم : شخص فقیر و بیکاری نزد پیامبر آمد و تقاضای کمک کرد. حضرت فرمود: آیا کسی در منزلش تبری دارد؟ یک نفر گفت : بله ، او تبر را آورد و پیامبر چوبی که در کنارش بود دسته ی آن تبر قرار داد و به آن شخص بیکار تحویل داد و فرمود: این ابزار کار، اما تلاش با خودت .

از این حرکت چند نکته استفاده می شود:

۱- انبیا در فکر زندگی مردم نیز هستند.

۲- ضعیف ترین فرد جامعه می تواند با شخص اول جامعه ملاقات کند.

۳- جامعه نیاز به تعاون و همکاری دارد. تبر از یک نفر و چوب آن از

دیگری ، هماهنگی و سازندگی و تبر سازی از شخص پیامبر.

۴- برای مبارزه با فقر، باید ابزار تولید را در اختیار نیروهای فعال جامعه

قرار داد.

(۲۷) قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَيَّ أَنْ تَأْجُرْنِي ثَمَنِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَعْشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

ترجمه :

(حضرت شعیب به موسی) گفت : من قصد دارم تا یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم بر این (شرط) که هشت سال برای من کار کنی و اگر (این مدت را) به ده سال تمام کردی ، پس (بسته به خواست و محبت) از ناحیه توست و من نمی خواهم که بر تو سخت گیرم ، بزودی به خواست خداوند، مرا از صالحان خواهی یافت .

نکته ها :

ما می توانیم تمام کارهای خود را رنگ الهی دهیم ، چنانکه قرآن می فرماید:
صِبْغَةَ اللَّهِ و مَنْ أٰحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً^(۳۲) مثلا هرگاه صورت خود را می شوئیم ،
قصد وضو نماییم ، هرگاه می نشینیم مثل پیامبر صلی الله علیه و آله روبرو قبله
نشینیم ، به جای مدرک و مقام ، برای رضای خداوند درس بخوانیم ، لباسی که
برای همسر می خریم ، به مناسبت اعیاد مذهبی همچون عید غدیر یا تولد
حضرت زهرا علیهاالسلام باشد، هدیه ای که برای فرزند خود می خریم به
مناسبت کسب یک کمال معنوی باشد، همان گونه که در این آیه به جای هشت
سال فرمود: به اندازه ی هشت حج .

پیام ها :

- ۱- اگر کاری بر اساس جوانمردی و ضعیف نوازی انجام شود، علاوه بر اجر معنوی ، پاداش دنیوی نیز بدنبال دارد. قال انی اُرید اءن اُنکحک (حضرت موسی که تا ساعاتی پیش حتی بر جان خود ایمن نبود، اینک علاوه بر امنیت جانی ، صاحب زن و زندگی و کار می شود).
- ۲- سنت های خوب ازدواج (همچون حضور در منزل دختر و گفتگو با حضور پدرش) را از انبیا بیاموزیم . **ان اءبی یدعوک - انی اُرید اءن اُنکحک**
- ۳- شناخت داماد پیش از اقدام به ازدواج ، امری ضروری است . فلما قصّ علیه القصص قال انی اُرید اءن اُنکحک (موسی سرگذشت خود را صادقانه به شعیب گفت و او به موسی اطمینان پیدا کرد،

۳۲- بقره ، ۱۳۸.

آنگاه پیشنهاد دامادی او را برای دخترش مطرح نمود.)

۴- اگر از امین بودن و توانایی و علاقمندی به کار جوان مطمئن شدیم ،
القویّ الامین نداشتن امکانات و مسکن را مانع ازدواج قرار ندهیم . اِنِّیْ اُرید اءن
اُنکحک

۵ پیشنهاد ازدواج از جانب پدر دختر مانعی ندارد. اِنِّیْ اُرید اءن اُنکحک

۶- رعایت نوبت میان دختران ، و ازدواج دختر بزرگتر قبل از کوچکتر همه
جا ضروری نیست . احدی اِبتئیّ (حضرت شعیب به موسی گفت : می خواهم
یکی از این دو دخترم را به ازدواج تو درآورم و شرط نکرد که دخترِ اوّل باشد یا
دوّم .)

۷- پدر نباید در امر ازدواج میان دختران ، تفاوت بگذارد. اِحدی اِبتئیّ

هاتین

۸ دختر و پسر می توانند در هنگام خواستگاری در برابر یکدیگر قرار

بگیرند. هاتین

۹- غریزه ی جنسی را جدّی بگیریم . حتّی در خانه ی نبوّت ، برای سلامت
محیط خانه و کار، ابتدا به امر ازدواج اقدام و سپس به استخدام توجّه می شود.
اُرید اءن اُنکحک علی اءن تاءجرنی

۱۰- ازدواج ، با مهریه همراه است . علی اءن تاءجرنی

۱۱- لازم نیست مهریه مال و ثروت باشد. حضرت شعیب به موسی گفت :

دخترم را به ازدواج تو درمی آورم به شرط آن که هشت سال برای من کار کنی.
تاءجرنی (البته در شریعت اسلام می بایست به فتاوی مراجع تقلید مراجعه
کنیم.)

۱۲- زمان بندی قراردادها را بر اساس زمان عبادات و امور معنوی قرار دهیم . ثمانی حجج (به جای هشت سال ، فرمود: هشت حج)

۱۳- یکی از راه های ترویج معروف ، بزرگداشت اوقات معنوی و «ایام الله» است . ثمانی حجج

۱۴- مقام نبوت مانع از صحبت پیرامون مقدار مهریه و مال الاجاره نیست . ثمانی حجج

۱۵- مراسم حج ، در ادیان گذشته نیز سابقه داشته است . حجج
۱۶- در هنگام صحبت برای مهریه ، پدر عروس ، حداقل مورد قبول را انتخاب کند و پذیرش بیشتر را به اختیار داماد بگذارد. فان اتممت عشرا فمن عندک حضرت شعیب به موسی گفت : اگر هشت سال را به ده سال برسانی اختیار با شماست .

۱۷- در میزان مهریه ، داماد را در تنگنا قرار ندهید. فمن عندک
۱۸- پدر عروس در امر ازدواج سخت گیری نکند. وما أريد ان اءشق علیک

۱۹- در پرداخت مهریه ، توان داماد را در نظر بگیریم . أشق علیک
۲۰- کسانی که به کارگران و زبردستان خود سخت گیری می کنند، انسان هایی ناصالح هستند. ستجدنی ان شاء الله من الصالحین

۲۱- داماد باید از ناحیه بستگان جدید، آرامش خاطر داشته باشد. ستجدنی ان شاء الله من الصالحین

۲۲- بدون استمداد از خدا وگفتن انشاء الله ، برای آینده وعده ای ندهیم . ان شاء الله من الصالحین

۲۳- اعتمادِ متقابلِ داماد و خانواده ی عروس لازم است . **سَتَجِدُنِي اِنْ**

شاء الله من الصالحين

اهمیت ازدواج

در روایات می خوانیم : ازدواج سبب حفظِ نیمی از دین است . دو رکعت نماز کسی که همسر دارد از هفتاد رکعت نماز افراد غیر متاهل بهتر است . خواب افراد متاهل از روزه ی بیداران غیر متاهل بهتر است .^(۳۳)

آری بر خلاف کسانی که ازدواج را عامل فقر می پندارند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ازدواج روزی را بیشتر می کند.

همچنین فرمودند: کسی که از ترس تنگدستی ازدواج را ترک کند، از ما نیست و به خدا سوءظن برده است .^(۳۴)

در روایات می خوانیم : کسی که برای ازدواج برادران دینی خود اقدامی کند، در روز قیامت مورد لطف خاص خداوند قرار می گیرد.^(۳۵)

قرآن نسبت به تشکیل خانواده واقدام برای ازدواج ، دستور اءکید داده است .^(۳۶) و سفارش کرده که از فقر نترسید، اگر تنگ دست باشند، خداوند از فضل و کرم خود، شما را بی نیاز خواهد کرد.^(۳۷)

ازدواج وسیله ی آرامش است .^(۳۸) در ازدواج فامیل ها به هم نزدیک شده و

۳۳- میزان الحکمه .

۳۴- میزان الحکمه .

۳۵- کافی ، ج ۵ ، ص ۳۳۱ .

۳۶- نور ، ۳۲ .

۳۷- نور ، ۳۲ .

۳۸- روم ، ۲۱ .

دلها مهربان می شود و زمینه ی تربیت نسل پاک و روحیه تعاون فراهم می شود.^(۳۹)

در روایات می خوانیم : برای ازدواج عجله کنید و دختری که وقت ازدواج او فرا رسیده ، مثل میوه ای رسیده است که اگر از درخت جدا نشود فاسد می شود.^(۴۰)

انتخاب همسر

معیار انتخاب همسر در نزد مردم معمولاً چند چیز است : ثروت ، زیبایی ، حَسَب و نَسَب .

ولی در حدیث می خوانیم : «علیک بذات الدین» تو در انتخاب همسر، محور را عقیده و تفکر و بینش او قرار ده .^(۴۱)

در حدیث دیگر می خوانیم : چه بسا زیبایی که سبب هلاکت و ثروت که سبب طغیان باشد.^(۴۲)

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: هرگاه کسی به خواستگاری دختر شما آمد که دین و امانت داری او را پسندید، جواب ردّ ندهید و گرنه به فتنه و فساد بزرگی مبتلا می شوید.^(۴۳)

امام حسن علیه السلام به کسی که برای ازدواج دخترش مشورت می کرد

۳۹- میزان الحکمه .

۴۰- میزان الحکمه .

۴۱- کنز العمال ، ح ۴۶۶۰۲ .

۴۲- میزان الحکمه .

۴۳- بحار، ج ۱۰۳، ص ۳۷۲ .

فرمود: داماد با تقوا انتخاب کن که اگر دختری را دوست داشته باشد گرامیش می‌دارد و اگر دوستش نداشته باشد، به خاطر تقوایی که دارد به او ظلم نمی‌کند. (۴۴)

در روایات می‌خوانیم: به افرادی که اهل مشروبات الکلی هستند و افراد بد اخلاق و کسانی که خط فکری سالمی ندارند و آنان که در خانواده‌های فاسد رشد کرده‌اند، دختر ندهید. (۴۵)

ناگفته نماند که ازدواج دو نوع است: دائم و موقت که برای هر دو در قرآن و روایات اسلامی توصیه‌ها و دستورات خاصی آمده است، متأسفانه ازدواج دائم، بخاطر برخی آداب و رسوم بی‌منطق و بهانه‌گیری بعضی بستگان و توقعات خانواده عروس و داماد و آرزوهای دور و دراز، به صورت یک معما و گردنه‌ی صعب‌العبور در آمده است و ازدواج موقت نیز آن گونه زشت و ناپسند شمرده شده که فحشا جای آن را گرفته است.

(۲۸) قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

ترجمه:

(موسی پیشنهاد شعیب را پذیرفت و) گفت: این (قرارداد) بین من و تو (برقرار شد، البته) هر کدام از دو مدت را که به انجام رساندم، پس ستمی بر من نخواهد بود، و خداوند بر آنچه ما می‌گوییم (گواه و) وکیل است.

۴۴- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۴۶.

۴۵- میزان الحکمه.

نکته ها :

عبارت «اَيُّمًا الْاَجَلِيْنَ قَضِيْتُ فَلَاعُدُوْنَ عَلِيًّا» دو گونه معنا شده است ؛ یکی اینکه مهریه دختر خواه هشت سال باشد و خواه ده سال ، هیچ یک بر من ستم نیست و معنای دیگر این که بعد از پایان هر یک از این دو مدّت ، اگر خواستم از نزد شما بروم نباید مانعی در کار باشد. من همین مدّت قرارداد را می مانم و بعد از آن اختیار با خودم می باشد.

پیام ها :

- ۱- در عقد ازدواج (به خلاف طلاق)، حضور شهود لازم نیست . بینی و بینک
- ۲- در قراردادها برای خود، اختیاراتی در نظر بگیریم و دست خود را در محورهایی بازگذاریم . ایما الْاَجَلِيْنَ قَضِيْتُ فَلَاعُدُوْنَ عَلِيًّا
- ۳- ایمان به خداوند، سلامت قراردادها را بیمه و تضمین می کند. واللّٰه علی ما نقول وکیل

(۲۹) فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَىٰ الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

ترجمه :

پس چون موسی ، مدّت (قرارداد خود با شعیب) را به پایان رساند و با خانواده اش رهسپار گردید، از سوی (کوه) طور آتشی را دید. به خانواده اش گفت : (همین جا) بمانید، همانا من آتشی دیده ام ، (می روم تا) شاید

از آن خبری بیابم یا مقداری آتش برایتان بیاورم تا (با آن) گرم شوید.

نکته ها :

کلمه ی «آنست» به معنای مشاهده کردنی است که در آن اُنس و آرامش باشد. کلمه «جَذْوَةٌ» به معنای قطعه و کلمه ی «تَصْطَلُونَ» از ریشه «صَلَى» به معنای گرم شدن با آتش است .

تمام خطاب های حضرت موسی به همسرش ، با ضمیر جمع آمده است . «أَمْكُتُوا آتِيكُمْ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» شاید بخاطر آن که حضرت در آن ده سالی که با همسرش زندگی می کرده ، صاحب فرزند یا فرزندان شده است .

از جملات «سَارَ بَاهِلَهُ»، «آتِيكُمْ بِخَبْرٍ» و «لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» در این آیه و از جمله ی أَجِدُ عَلَى النَّارِ هَدًى^(۴۶) در سوره طه استفاده می شود که حضرت موسی در شب حرکت کرده است ، شبی سرد و ظلمانی که در این میان راه را نیز گم کرده بود.

پیام ها :

- ۱- مؤمن ، به شرط و قرارداد خود، وفادار است . قضی موسی الاجل
- ۲- زن و فرزند نباید مانع حرکت ، هجرت و انجام مسئولیت ها شوند، چنانکه مرد هم نباید آنها را رها کند، بلکه باید در کنار هم و همراه یکدیگر باشند. سارَ بَاهِلَهُ
- ۳- در جایی که اطمینان خاطر نداریم ، خانواده خود را نبریم . اَمْكُتُوا دِيدن آتش ، به قرینه جمله ی «إِنِّي آنْسْتُ نَارًا»، مخصوص حضرت موسی بوده و

۴۶- طه ، ۱۰.

برای آن حضرت مبهم بوده است ، لذا از خانواده اش خواست که در همانجا منتظر بمانند تا خود تنها به نزد آتش رود و برگردد.

۴- هر کجا که به تحقق قول خود مطمئن نیستیم ، وعده ی قطعی ندهیم .
لَعَلِّي آتِيكُمْ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (کلمه ی «لعلّ» به معنای شاید است ، یعنی شاید خبری بیاورم یا شاید قطعه آتشی برای گرم شدن بیاورم .)

۵ مرد، مسئول رفع نیازمندی های همسر و خانواده خود است . **لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ**

۶- برای رسیدن به مقامات عالی عرفان ، لازم نیست با زن و فرزند متارکه کنیم ، بلکه می توان بطور عادی و طبیعی و ساده زندگی کرد و به بالاترین درجات عرفان نیز رسید. **سار باهله ... قال لاهله ... لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ**

(۳۰) فَلَمَّا آتَاهَا نُودِي مِّن شَطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَتَىٰ مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

ترجمه :

پس همین که (موسی) به نزد آن (آتش) آمد، (ناگهان) از جانب راست آن درّه ، در آن منطقه مبارک و خجسته از (میان) یک درخت ، ندا داده شد که ای موسی ! همانا من ، الله ، پروردگار جهانیان هستم .

نکته ها :

کلمه ی «شاطی» به معنای جانب و ساحل ، و کلمه «وادی» به معنای رودخانه و درّه است .

«بُقْعَة» به قطعه زمینی اطلاق می شود که با زمین های همجواریش تفاوت داشته باشد.^(۴۷)

دست خداوند در شیوه ی وحی باز است . خداوند می تواند به دلها الهام کند، یا اینکه بر انسان ها فرشته نازل نماید و یا حتی ازدرون درختی ایجاد صوت نموده با پیامبر برگزیده اش سخن بگوید. چنانکه در سوره شوری می فرماید:

و ما کان لبشر اءن ینکلمه الله الاّ وحیا او من وراء حجاب او یرسل رسولا^(۴۸)

خداوند با هیچ بشری سخن نمی گوید مگر از طریق وحی یا از پشت حجاب یا اینکه فرشته ای بفرستد.

پیام ها :

- ۱- بعضی مکان ها دارای قداست هستند. البقعة المباركة
- ۲- در جایی که زمینه ی تعجب وجود دارد، باید تاءکید بیشتری کرد. (موسی که بری اولین بار صدایی از درخت می شنود، تعجب می کند و لذا کلام خداوند با «اَنّی و اَنَا» همراه تاءکید آمده است.) اِنّی اَنَا
- ۳- برای ناشناس ، خود را معرفی کنیم . اِنّی اَنَا الله
- ۴- خداوند برای اجرای اراده خود، فکرها و دیدها را در مسیر خاصی قرار می دهد. موسی در پی بدست آوردن آتشی برای پیدا کردن راه و گرم شدن خانواده اش ، به آن سوی کشیده شد، ولی هدف خداوند چیز دیگری بود. اِنّی اَتیکم بخبر... اِنّی اَنَا الله

۴۷- تفسیر المیزان .

۴۸- شوری ، ۵۱.

(۳۱) وَءَانَ اَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا
وَلَمَّيْعَبٌ يَمُوسَى اءَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ اِنَّكَ مِنَ اَلْاٰمِنِيْنَ

ترجمه :

و (از تو می خواهم) اینکه عصایت را بیفکنی ! پس چون (موسی عصا را انداخت ناگهان) مشاهده کرد که آن (عصا) چنان جست و خیز می کند که گویا ماری چالاک و کوچک است ، پشت کنان فرار کرد و به عقب (هم) نگاه نکرد! (به او ندا رسید که) ای موسی ! پیش بیا و ترس ، همانا تو درامان هستی .

پیام ها :

- ۱- خداوند از هر چیز می تواند معجزه ای بیافریند. اَلْقِ عَصَاكَ
- ۲- برای انجام ماءموریّت های بزرگ ، باید برنامه را قبلا تمرین و تکرار کرد. اَلْقِ عَصَاكَ (حضرت موسی می بایست ابتدا خود، معجزه را ببیند تا بتواند آن را در برابر دیگران تکرار نماید).
- ۳- انبیا در جنبه ی بشری ، همچون سایر انسان ها نسبت به اموری ، دغدغه و ترس داشته اند. لَا تَخَفْ

(۳۲) اُسْلُكَ يَدِكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بِيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوِّءٍ وَاَضْمُمُ
اِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَنْكَ بُرْهٰنَانِ مِنْ رَبِّكَ اِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَٲِيْهِ
اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فَسِقِيْنَ

ترجمه :

(ای موسی ! اکنون) دستت را در گریبان تو فرو ببر (خواهی دید که) بدون هیچ بیماری ، و نقص و عیبی ، سفید و درخشان بیرون خواهد آمد،

و برای رهایی از (تعجب و) ترس ، بازوی خود را جمع کن ، پس این (دو معجزه ، دو دلیل روشن و) دو برهان از طرف پروردگارت به سوی فرعون و اشراف اطراف اوست ، بدرستی که آنان گروهی فاسق بوده اند.

(۳۳) قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

ترجمه :

(موسی) گفت : پروردگارا! همانا من یکی از آنها (فرعونیان) را کشته ام ، پس می ترسم که مرا (به قصاص او) به قتل رسانند.

نکته ها :

جمله ی «واضُمُ الیک جَنَاحَکَ مِنَ الرَّهْبِ» یا به معنای آن است که «به هنگام وحشت ، دست هایت را بر روی سینه و یا زیر بغل بگذار» (بر خلاف بعضی که وقتی می ترسند، دست هایشان را بالا می برند) و یا به معنای کمر همّت بستن و مصمّم شدن و پیش رفتن است .^(۴۹)

در تورات آمده است : وقتی موسی دست در گریبان برد، دستش مرض پیسی گرفت و مانند برف سفید شد،^(۵۰) ولی قرآن سفیدی دست موسی را از بیماری نمی داند، بلکه آن را نشانه ی قدرت الهی می داند که در مقام ارائه برهان ، راه را بر هر گونه شبهه و انحراف ببندد. بیضاء من غیر سوء

۴۹- تفسیر المیزان .

۵۰- تورات ، سفر خروج ، باب ۴ ، جمله ۶.

پیام ها :

- ۱- همراه با نمود قهر، نمودی از لطف نیز ضروری است . **تَهْتَزُ كَانِهَآ جَانٌ**
تخرج بیضاء من غیر سوء (در کنار مار ترسان ، دست درخشان لازم است)
- ۲- معجزات الهی ، نقصان و عوارض سوئی ندارد. من غیر سوء
- ۳- ارشاد و دعوت باید پشتوانه منطقی والهی داشته باشد. برهانان من ربّک
- ۴- مار شدن عصا و سفید شدن دست ، نشانه ای از تشویق و تنبیه ، انذار و بشارت است که دو عنصر اساسی در زمینه تربیت است . برهانان من ربّک
- ۵ برای اصلاح جامعه ، باید ابتدا به سراغ ریشه ها و سرچشمه های فسق و فساد رفت . الی فرعون و ملأئه

۶- قانون قصاص ، سابقه ای طولانی دارد. **قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ**

يَقْتُلُونِ

۷- در پذیرش مسئولیت ، موانع را مطرح و ارزیابی کنیم . **فَأَخَافُ أَنْ**

يَقْتُلُونِ

(۳۴) وَآخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلَهُ مَعِيَ رِدْءًا

يُصَدِّقُنِي ۖ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ

ترجمه :

و برادرم هارون را که در بیان از من شیواتر است برای یاری ام با من بفرست
تا مرا تصدیق کند، همانا می ترسم که (فرعونیان) مرا تکذیب کنند.

(۳۵) قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكَ مَلَأْنَا فَلَا يَصِلُونَ
إِلَيْكُمْ بِأَيْتِنَا أَمْتَمَّا وَمِنَّا تَبَعَكُمْ أَلْغَبُونَ

ترجمه :

(خداوند) فرمود: (نگران مباش) ما بازوی تو را به واسطه (همراهی) برادرت محکم خواهیم کرد و برای شما، برتری و سلطه قرار خواهیم داد، پس به برکت آیات (و نشانه های) ما بر شما دست نخواهند یافت (و) شما و هرکس پیروی تان کند، پیروز خواهید بود.

نکته ها :

هارون (که در لغت ، به معنای کوه نشین یا قاصد است) برادر بزرگ حضرت موسی ، از انبیای بنی اسرائیل بوده و در قرآن از او ستایش شده است . حضرت موسی در انجام مأموریتش از دو چیز می ترسید، یکی قصاص قتل، «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ» و دیگری تکذیب حق، «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَكْذِبُونِ» در واگذاری مسئولیت های سنگین ، باید به همه ی ابعاد شخص ، توجه کرد. گرچه حضرت هارون از نظر سن و سخن ، از حضرت موسی بزرگتر و خوش بیان تر بود، ولی حضرت موسی به خاطر صفات و لیاقت های دیگری که داشت، در این مأموریت مسئول و مأمور شد. هر چند هارون نیز پیامبر الهی بود.

در شیوه تبلیغ ، ارشاد، امر به معروف ونهی از منکر، گاهی باید افراد دو نفری یا بیشتر اقدام کنند. ارسله معی

در امر به معروف و نهی از منکر، محور اصلی اثر کردن است ؛ اگر با اشاره اثر می کند باید اشاره کرد، اگر فریاد اثر می کند باید فریاد زد.

اگر با طومار و راهپیمایی و تحصن و اعتصاب و تجمع ، یا تهدید و تشویق ، باید همان راه را طی کرد و به هر نحو ممکن ، قلبا و لسانا و عملا جلو مفسد را گرفت ، حتی اگر با تکرار اثر می کند باید امر ونهی را تکرار کرد.

پیام ها :

- ۱- اقرار به کمالات دیگران ، خود یک کمال وارزش است . هواءفصح منی حضرت موسی با این که پیامبر اولوالعزم بود، به کمال برادرش اقرار کرد.
- ۲- بیان روان ، از عوامل مؤثر در جذب افراد و تبلیغ موفق است . هواءفصح
- ۳- برای ارشاد و دعوت به حق، از بهترین ها استفاده کنیم . هواءفصح
- ۴- هر نیرویی را در جای خود بکار بگیریم . هواءفصح (هارون دارای بیانی شیوا بود و در این مأموریت تبلیغی ، سخن رسا نقش اساسی داشت ، لذا حضرت موسی از خداوند همراهی او را درخواست کرد).
- ۵- لازم نیست که مسئولین ، در همه ی کمالات ، برترین باشند. هواءفصح منی (با اینکه مسئول اصلی موسی بود، ولی در بعضی جهات هارون قوی تر بود).
- ۶- در یک رسالت الهی ، نفر دوم را نیز باید خداوند تعیین فرماید. سنشد عضدک باءخیک همان گونه که ما معتقدیم جانشین پیامبر را نیز باید خدا تعیین کند.
- ۷- ایمان و حمایت بستگان ، در پشت گرمی مبلغ و تاءثیرگذاری او در دیگران ، بسیار مؤثر است . اءخی یُصدقنی

۸- دعا و درخواست انبیا مستجاب است . ارسله معی سنشد عضدک حضرت موسی از خداوند درخواست کرد تا برادرش هارون را همراه و یاور او قرار دهد و خداوند آن را اجابت کرد.

۹- بهترین نوع برادری ، برادری در تاءید حق و بازوی یکدیگر بودن در مسیر خداوند است . سنشد عضدک باخیک

۱۰- پیروزی انبیا، در سایه ی آیات الهی محقق می شود. فلا یصلون الیکما بایاتنا

۱۱- حتی انبیا به امید واطمینان خاطر نیاز دارند. خداوند به موسی و هارون و پیروانشان وعده ی پیروزی داد و آنان را امیدوار کرد. انتما و من اتبعکما الغالبون

(۳۶) فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرٍ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آيَاتِنَا الْأُولَىٰ

ترجمه :

پس هنگامی که موسی با (معجزات و) آیات روشن ما به سراغ آنان آمد، گفتند: این چیزی جز سحر ساختگی نیست و ما چنین چیزی را در (میان) نیاکان خود نشنیده ایم .

پیام ها :

۱- تهمت ، بزرگ ترین حربه ی مستکبران علیه مصلحان است . ما هذا الا

سحر مفتری

۲- تعالیم پیامبران الهی ، تابع آداب و رسوم گذشتگان نیست . ما سمعنا بهذا

فی آباءنا

۳- در پذیرش عقاید، منطق و برهان ملاک است ، نه سیره ی پدران . ما سمعنا بهذا فی آباءنا (پیشینه نداشتن یک تفکر، دلیل نادرستی آن نیست)

۴- برخی انسان ها، منطق روشن را فدای گذشته تاریک می کنند. جاءهم

بایاتنا بینات ما سمعنا بهذا فی آباءنا الاولین

(۳۷) وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيَ اَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَقِبَةُ الدَّارِ اِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ

ترجمه :

و موسی (در پاسخ تکذیب فرعونیان) گفت : پروردگار من به کسانی که از جانب او آمده اند، آگاه تر است و (می داند) سرانجام (نیک) آخرت برای چه کسانی است . بدرستی که ستمکاران رستگار نخواهند شد.

نکته ها :

در آیه ی قبل آمد که فرعونیان با گستاخی کامل ، معجزات الهی را سحر معرفی کرده و اظهار داشتند که ما در تاریخ نیاکانمان چنین حرف هایی نشنیده ایم ، در این آیه حضرت موسی به کنایه به آنان می فرماید: شما دروغ می گوئید، زیرا قبل از من ، کسانی چون حضرت یوسف چراغ هدایت نیاکان شما را در دست داشته و دین ابراهیم را ترویج می کرده اند.

پیام ها :

۱- در برابر تکذیب کفار که معجزات را سحر می خوانند، باید به خدا توکل کرد. ما هذا الا سحر... ربی اعلم ...

۲- ادعاهای پوچ را با شعارهای الهی خنثی سازیم . ما هذا الا سحر... ربی

اعلم

۳- خداوند، هیچ گروهی را بی راهبر و راهنما نگذاشته است . ربی اعلم بمن

جاء بالهدی

۴- هدایت یافتگان ، خوش عاقبتند. له عاقبة الدار

۵- توجه به معاد، در راس برنامه های انبیا بوده است . من تكون له عاقبة

الدار

۶- کسانی که انبیا را ساحر می نامند، ستمگرانی بد عاقبت اند. لا یفلح

الظالمون

(۳۸) وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَهْمَنُ عَلَى الطَّيْنِ فَاجْعَل لِي صَرْحًا لَعَلِّي آءَطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لِأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ

ترجمه :

و فرعون گفت : ای بزرگان قوم ! (اگرچه) من جز خودم معبودی برای شما نمی شناسم (اما برای تحقیق بیشتر) ای هامان ! برای من آتشی بر گل بیفروز (و آجر تهیه کن) پس برجی بلند برای من بساز، شاید (به واسطه بالا رفتن از آن) به خدای موسی دست یابم . و همانا من او را از دروغگویان می پندارم .

نکته ها :

کلمه ی «صَرَح» به معنای ساختمان بلند است . این آیه نشان می دهد که در مصر قدیم ، هم کوره های آجرپزی بوده و هم قدرت بر ساختن برج داشتند.

پیام ها :

۱- روحیه ی استکباری ، مانع پذیرش حق است . فرعون گفت : جز خودم هیچ خدایی برای شما نمی شناسم . ما علمت لکم من الهه گیری
۲- مستکبران ، عقاید و افکار خود را به دیگران تحمیل می کنند. ما علمت لکم من الهه

۳- شعار مستکبران این است : هر چه را من نمی شناسم ، پس وجود ندارد. ما علمت ...

۴- توقع دیدن خداوند با چشم ظاهری ، تفکر فرعونی است . اَطَّلِعْ اِلَى الهه

موسی

۵ قدرت نمایی ، عوام فریبی با ژست تحقیق و بررسی ، و منحرف کردن افکار عمومی ، از شیوه های مستکبران است . فاوقد لی یا هامان ...

۶- مستکبران ، خود را محور همه چیز می دانند. (فرعون به هر مناسبتی خود را مطرح می کرد) **ما علمتُ غیرى اءوقد لی فاجعل لی لعلی اطلع انی**

لاظنه

(۳۹) **وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ**

إِلَيْنَا لَیَرْجِعُونَ

ترجمه :

او (فرعون) و سپاهیان‌ش به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و پنداشتند که آنان به سوی ما بازگردانده نمی شوند.

پیام ها :

- ۱- مردم از دین حاکمان پیروی می کنند. استکبر هو و جنوده
- ۲- معیار ستایش ها و انتقادهای قرآن ، حق است . بغیر الحق
- ۳- غفلت از گذرا بودن دنیا و گمان به جاودانگی ، زمینه ساز خوی استکباری است . وظنوا انهم الینا لایرجعون
- ۴- عدم اعتقاد و توجه به معاد و حساب ، زمینه ی شکل گیری استکبار است. لایرجعون

استکبار و مستکبر

در طول تاریخ ، افراد مغرور و متکبری بوده اند که خودشان را محور و مرکز همه چیز می پنداشتند. در این سوره فرعون می گوید: ما علمتم لکم من الهه غیره من جز خودم برای شما معبودی سراغ ندارم و هنگامی که ساحران به موسی ایمان آوردند گفت : آمتم به قبله اذن لکم آیا بدون اجازه ی من به موسی ایمان آورده اید.

فرعون توقع دارد که هیچ کس بدون اجازه او، هیچ عقیده ای نداشته باشد.

امروز نیز فرعون ها و ابرقدرت هایی هستند

که می خواهند خود را محور سیاست و اقتصاد جهان بدانند.

مستکبران گاهی برای قدرت نمایی، فرد یا گروه یا کشوری را نابود می کنند یا مورد لطف قرار می دهند. نظیر نمرود که به حضرت ابراهیم گفت: انا اُحیی و اُمیت^(۵۱) حیات و مرگ این مردم به دست من است، هر که را بخواهم می کشم و هر که را بخواهم از زندان آزاد می کنم.

مستکبران، گاهی زرق و برق و جلوه های مادی را به رخ مردم می کشند، همان گونه که فرعون می گفت: اءلیس لی مُلک مصر وهذه الانهار تجری من تحتی^(۵۲) آیا حکومت مصر از آن من نیست؟ آیا نمی بینید که این نهرها از زیر کاخ من جاری است؟

مستکبران، گاهی با ارباب، مردم را به تسلیم وادار می کنند. فرعون به ساحرانی که به موسی ایمان آوردند گفت: **لأَقْطَعَنَّ اءیدیکم و اءرجُلکم من خلاف**^(۵۳) من دست و پای شما را بر خلاف یکدیگر قطع می کنم.

مستکبران، گاهی با مانور و خودنمایی، مردم ساده لوح را فریفته ی خود می کنند. قارون به گونه ای در کوچه و بازار راه می رفت که مردم دنیاپرست، آه از دل کشیده و می گفتند: ای کاش برای ما نیز آنچه برای قارون است وجود داشت.^(۵۴)

۵۱- بقره، ۲۵۸.

۵۲- زخرف، ۵۱.

۵۳- اعراف، ۱۲۴.

۵۴- قصص، ۷۹.

مستکبران ، گاهی با تطمیع می خواهند مغزها و فکرها را بخرند. فرعون به ساحران گفت : اگر آبروی موسی را بریزید، من به شما پاداش بزرگی می دهم و شما را از مقربان دربارم قرار می دهم .^(۵۵)

مستکبران ، گاهی با سفرهای خود دلها را متزلزل می کنند. قرآن می فرماید: گردش کفار در شهرها تورا مغرور نکند.^(۵۶)

مستکبران گاهی با تحقیر دیگران جنگ روانی به راه می اندازند و به طرفداران انبیا نسبت های ناروا می دهند و آنان را اراذل و اوباش می خوانند.^(۵۷) مستکبران ، گاهی با ایجاد ساختمان های بلند و رفیع ، دلربایی می کنند. فرعون به وزیرش هامان گفت : برجی برای من بساز تا از آن بالا روم و خدای موسی را ببینم !^(۵۸)

واقعاً قرآن چقدر زنده است که خلق و خوی و رفتار و کردار زشت مستکبران را به گونه ای ترسیم کرده که با زمان ما نیز قابل تطبیق است .

۵۵- اعراف ، ۱۱۴ .

۵۶- آل عمران ، ۱۹۶ .

۵۷- شعراء، ۱۱۱ .

۵۸- غافر، ۳۶ .

(۴۰) فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

الظَّالِمِينَ

ترجمه :

پس ما (نیز) او و لشکریانش را (با قهر خود) گرفتیم و به دریا افکندیم . پس بنگر که پایان کار ستمگران چگونه است .

نکته ها :

در این آیه فرعون و لشکرش به چیز بی ارزشی که از زمین بر گرفته و به دریا پرتاب شود، تشبیه شده اند. این تحقیر برای آن است که تمام قدرت ها در برابر قدرت و قهر الهی ناچیزند.

«نَبَذَ»، یعنی دور انداختن اشیای بی ارزش و بی مقدار است .

پیام ها :

۱- کیفرهای الهی ، اختصاص به آخرت ندارد. (فرعون در همین دنیا غرق

شد) فاخذناه

۲- یاران فرد ستمکار، در سرنوشت او سهیم و شریکند. فاخذناه و جنوده

۳- سرانجام مستکبران ، ذلّت و قهر است . نبذناه

۴- به حوادث تاریخی به دیده ی عبرت بنگریم . فانظر

۵ ستمگران ، سرنوشت مشترکی دارند. عاقبة الظالمين (به جای عاقبت

فرعون فرمود: عاقبت همه ستمگران چنین است)

۶- مهم عاقبت کار است ، نه جلوه های زودگذر آن . فانظر... عاقبة الظالمين

(۴۱) وَجَعَلْنَاهُمْ اٰئِمَّةً يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ

ترجمه :

و آنان (فرعونیان) را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می کنند و (البته در) روز قیامت ، یاری نخواهند شد.

(۴۲) وَاَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوْحِيْنَ

ترجمه :

و در این دنیا، لعنتی بدرقه آنان کردیم و روز قیامت ، آنان از زشت چهره گان خواهند بود.

نکته ها :

قرآن مجید همچنان که در مورد پیشوایان هدایت و نور، کلمه ی «ائمه» را بکار برده است ، و جعلناهم ائمة يهدون بأمرنا^(۵۹) این کلمه را بر جلوداران ضلالت و نار نیز اطلاق فرموده است ، «و جعلناهم ائمة يدعون الى النار» و از اینروست که در قیامت ، هر کس با رهبری که در دنیا انتخاب کرده به دادگاه عدل الهی احضار می شود. يوم ندعوا كل أناس بامامهم^(۶۰) فرعون نیز به عنوان یکی از همین پیشوایان در آن روز قومش را به دوزخ وارد می کند. یقدم قومه فاوردهم النار^(۶۱)

۵۹- انبیاء، ۷۳.

۶۰- اسراء، ۷۱.

۶۱- هود، ۹۸.

پیام ها :

۱- روحیه استکباری ، انسان را رهبر دوزخیان می سازد. جعلناهم ائمة

یدعون الی النار

۲- تبلیغات مستکبرین ، در واقع دعوت به دوزخ است . یدعون الی النار

۳- مستکبرینی که امروز به عدّه و عدّه دل خوش دارند، در قیامت ، بی کس

ویاور خواهند بود. یوم القيامة لا ینصرون

۴- کیفرهای الهی ، مخصوص آخرت نیست . و اتبعناهم فی هذه الدنیا

۵ لعنت ونفرین مردم ، تبلور قهر الهی است . اتبعناهم فی هذه الدنیا لعنة

چنانکه دعای خیر مردم و نام نیک ، نشانه ی لطف خداست . واجعل لی لسان

صدق فی الاخرین^(۶۲)

۶- نفرین بر ظالم حتی بعد از نابودی او لازم است . اتبعناهم ... لعنة

۷- زشت کاری های دنیوی ، به زشت روئی های آخروی می انجامد. یوم

القيامة هم من المقبوحین

(۴۳) وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا ءَاهَلَكْنَا الْقُرُونَ الْاُولَى

بَصَائِرٍ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

ترجمه :

و به تحقیق بعداز آنکه نسل های نخستین را نابود ساختیم ، به موسی کتاب

(آسمانی تورات را) عطا کردیم (تا وسیله ای) برای بصیرت مردم و هدایت و

رحمت باشد، شاید که آنان پند گیرند.

۶۲- شعراء، ۸۴.

نکته ها :

کلمه «بصائر» جمع «بصیرت» به معنای بینش و آگاهی و کلمه ی «ابصار» جمع «بصر» به معنای چشم است .

پیام ها :

- ۱- با شکست طاغوت ، زمینه برای صالحان فراهم می گردد. آتینا موسی الکتاب من بعد ما اهلکنا
- ۲- پایان کار مستکبران ، هلاکت و نابودی است . اهلکنا القرون الاولى
- ۳- دینداری باید براساس بصیرت باشد. بصائر
- ۴- احکام الهی ، مایه ی رحمت برای مردم است . للناس ... رحمة
- ۵ کتب آسمانی ، عامل بصیرت و هدایت است . بصائر للناس و هدی
- ۶- تا انسان بصیرت پیدا نکند، هدایت نمی شود و تا هدایت نشود، لطف و رحمت الهی را دریافت نمی کند. بصائر للناس وهدی ورحمة
- ۷- دین ، جزو فطرت انسان هاست و کتب آسمانی آن فطرت را غبارزدایی می کنند. يتذکرون

(۴۴) وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغُرُبَىٰ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتُمْ

الشَّاهِدِينَ

ترجمه :

و هنگامی که فرمان (نبوت) را به موسی دادیم ، تو در جانب غربی (کوه طور) حضور نداشتی و از شاهدان نبودی .

نکته ها :

عبارت «ما کُنت» چهار مرتبه در این آیه و آیات بعد تکرار گردیده که بر غیبی بودن اخبار تاریخی قرآن تاءکید دارد.

با مطالعه تاریخ گذشتگان ، می توان با آنان زندگی کرد، هر چند درمیانشان حضور فیزیکی نداشت . حضرت علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید: من گرچه عمر پیشینیان را نداشته ام اما بخاطر مطالعه ، تفکر و دقت در زندگانی و آثار آنان ، گویی یکی از آنان شده و با آنان زندگی کرده ام . (۶۳)

پیام ها :

۱- نقل ماجرای نبوت حضرت موسی با همه ی ریزه کاری های آن ، از زبان کسی که اُمّی است و در آن زمان ها حضور نداشته ، نشانه ی حقاّیّت و اعجاز قرآن است . ما کنت... و ما کنت...

۲- داستان های قرآن ، از اخبار غیبی است نه از نقل شاهدان عینی . وما

کنت

۳- بخش غربی کوه طور، محلّ نزول تورات بوده است . بجانب الغربی

(۴۵) وَلَكِنَّا إِهْنَشَاءُنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي

أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

ترجمه :

ولی ما (اقوامی را) در اعصار مختلف خلق کردیم ، پس زمان های طولانی

بر آنها گذشت

۶۳- نهج البلاغه ، نامه ۳۱.

(و آثار انبیا از دل‌هایشان محو شد، پس تو را با کتاب آسمانی به سوی مردم فرستادیم)، و تو در میان اهل مدین اقامت نداشته ای تا (از وضع آنان آگاه باشی و بتوانی) آیات ما را (پیرامون مردم مدین) بر آنان (مردم مکه) بخوانی، لیکن این ما بودیم که تو را فرستادیم (و اخبار قرن های پیشین را در اختیار تو قرار دادیم).

(۴۶) وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا آتَتْهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

ترجمه :

وآنگاه که ما (موسی را) ندا دادیم، تو در کنار کوه طور نبودی، لیکن (این وحی و اطلاع از اخبار گذشتگان) رحمتی است از جانب پروردگارت تا تو (به واسطه ی آن) قومی را که پیش از تو هشدار دهنده ای برایشان نیامده بود، هشدار دهی، شاید آنان متذکر شوند.

نکته ها :

کلمه ی «ثاویا» از ماده ی «ثوی» و به معنای مقیم می باشد، چنانکه کلمه ی «مثوی» از همین ماده، به معنای جایگاه و قرارگاه است.

پیام ها :

- ۱- گذشت زمان، آثار انبیای گذشته را کم رنگ و زمینه را برای آمدن پیامبر اسلام فراهم کرده است. فَتَطَاوَل عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ... کنا مرسلین
- ۲- بعثت، سنت خداوند است. کنا مرسلین

۳- انبیا بدون اتصال به عالم وحی ، همچون سایر مردم اخبار غیبی را نمی دانند. ما کنت ...

۴- مقایسه بین جهل و علم ، عجز و قدرت ، فقر و غنا، نقص و کمال ، کلید خودشناسی و خداخواهی است . ما کنت ... لکن رحمة من ربّک

۵ خاطرات قرآنی ، همگی از سرچشمه وحی است . ما کنت اذ نادینا

۶- بیان داستان های حقیقی و عبرت آموز قرآن ، وسیله ای برای رحمت ، تربیت و هشدار است . رحمة من ربّک لتنذر

۷- برای هدایت افراد غافل ، انذار و هشدار، کارسازتر است . لتنذر من نذیر (با اینکه رسالت پیامبران در قالب مجموعه ای از بشارات و انذارهاست ، ولی از آنجاکه انذار اثر بیشتری در روحهای غفلت زده دارد، در قرآن توجه بیشتری به مسأله ی انذار شده است .)

۸ مردم در انتخاب راه و عقیده آزادند و اجباری در پذیرش دعوت پیامبران ندارند. لتنذر... لعلّهم يتذکرون

۹- انسان ها، به واسطه ی فطرت ، مسائلی را در ضمیر خویش می دانند، ولی برای جلوگیری از فراموشی ، باید آنها را تذکر داد. يتذکرون

(۴۷) **وَلَوْلَا اَنْ تُصِيبَهُمْ مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ اَیْدِيَهُمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا اَرْسَلْتَ اِلَيْنَا رَسُوْلًا فَتَتَّبِعَ اٰیٰتِكَ وَ نَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ**

ترجمه :

و اگر نبود اینکه هرگاه مصیبتی در اثر عملکردشان به آنان برسد، می گویند: پروردگارا! (ما که نمی دانستیم) چرا برای ما پیامبری نفرستادی تا آیات تو را پیروی کنیم و از ایمان آورندگان باشیم ،

(ما هرگز پیامبری به سوی آنان نمی فرستادیم).

نکته ها :

آیه ی قبل هدف آمدن انبیا را انذار و هشدار دانست ، این آیه هدف دیگر بعثت را که اتمام حجّت و بستن راه بهانه و عذر است بیان می کند.
مفهوم آیه این است که کفار می گویند: بدبختی و مصیبت ما به خاطر عمل فاسدی است که به سبب نداشتن پیامبر مرتکب شده ایم ، اگر پیامبر می داشتیم گرفتار نمی شدیم ، خداوند در پاسخ می فرماید: ما برای اتمام حجّت بر آنها پیامبرانی فرستادیم .

پیام ها :

۱- بسیاری از مصائب و حوادث تلخ ، مولود عملکرد خود انسان است .
تصییهم مصیبة بما قدمت ایدیهم آری اعمال نیک و بد، در همین دنیا نیز اثر خود را می گذارند.

۲- ایمان به خدا و پیروی از انبیا، رمز نجات از مصیبت هاست . تصییهم مصیبة لولا ارسلت

۳- عقل ، علم و فطرت ، به تنهایی کافی و کارساز نیست ، وحی لازم است . لولا ارسلت .

۴- عقاب بدون بیان ، قبیح است . لولا ارسلت (بعثت انبیا یک اتمام حجّت است تا کسی نگوید: ما که خبر نداشتیم و ندانسته مرتکب خلاف شده ایم .)

۷- پیروی و اطاعت ، نشانه ی ایمان واقعی است . نتّبع آیاتک و نکون من

المؤمنین

(۴۸) فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا آءُوتِي مِثْلَ مَا آءُوتِي
 مُوسَىٰ آءُوتِمۡ يَكْفُرُوا بِمَا آءُوتِي مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظْهَرَا وَقَالُوا
 إِنَّا بِكُلِّ كَافِرٍ نَّ

ترجمه :

پس هرگاه از جانب ما (آیات) حق برای آنان آمد، گفتند: چرا آنچه (به این پیامبر) داده شده ، شبیه آن چه به موسی داده شده نیست ؟ (چرا معجزاتی مثل تبدیل عصا به اژدها و یا نزول دفعی کتاب ، مثل تورات که قابل مشاهده باشد ندارد؟! اما) مگر (همین کافران لجوج و بهانه گیر) به آنچه قبلا به موسی داده شده بود، کفر نورزیدند؟ (مگر آنها نبودند که) گفتند: (این دو کتاب تورات و قرآن) سحرهایی هستند که پشتیبان یکدیگرند و (نیز) گفتند: همانا ما به همه ی آنها کافریم؟!

نکته ها :

در اینکه جمله ی «سِحْرَانِ تَظْهَرَا» اشاره به کدام دو چیز است ، احتمالات زیادی داده شده که با توجه به آیه بعد معلوم می شود مراد، قرآن و تورات است.

پیام ها :

۱- رسالت پیامبر و قرآن ، حق است . لولا ارسلت الینا رسولا فلما جاءهم الحق

۲- منکرین حق، بجای توجه به حقایق ، تنها به مقایسه های بی اساس

و باطل نظر دارند. جاءهم الحق لولا اوتی مثل ما اوتی

۳- افراد متحجّر، حاضر به پذیرش حرف جدید و منطقی نیستند. **لولا اوتی**

مثل ما اوتی موسی

۴- سحر و ساحری ، شایع ترین تهمت است که به انبیا زده می شود. سحران (منکرین بهانه جو اظهار می داشتند که این قرآن و آن تورات ، دو کتاب سحرند که از یکدیگر پشتیبانی می کنند).

۵- غالب بهانه گیران ، دارای سوء سابقه هستند. **اولم یکفروا... من قبل**

۶- دشمنان ، منطقی و کلام حق را خدشه دار می کنند تا راه را برای انکار خود باز کنند. **سحران ... انا بکل کافرون**

(۴۹) قُلْ فَأَتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِن كُنتُمْ

صَدِّقِينَ

ترجمه :

(ای پیامبر! به آنان) بگو: (اکنون که منکر هر دو کتاب هستید) اگر راست می گوئید، شما کتابی از جانب خداوند بیاورید که از این دو (کتاب تورات و قرآن) هدایت بخش تر باشد تا من از آن پیروی کنم .

پیام ها :

۱- باید به یاوه سرایی منکران ، جواب مناسب داد. **قل ...**

۲- انتقاد به تنهایی کافی نیست ، باید همراه آن طرح و پیشنهاد داد. **سحران**

تظاهرا... فاءتوا بکتاب

۳- از جمله امتیازات انبیا، تحدی و مبارزه طلبی در آوردن کتاب یا معجزه

است . **فاءتوا بکتاب اهدی**

نکته ها :

برای انسان سه دشمن معنوی شمرده اند: جلوه های دنیوی ، تمایلات نفسانی و وسوسه های شیطانی . در این میان ، دنیا و جلوه های آن همچون کلیدی است که با حرکت به یک سوی ، در را باز می کند و با حرکت به سوی دیگر می بندد، یعنی هم می توان از آن بهره ی خوب گرفت و هم می توان آن را در راه بد بکار برد. وسوسه های شیطانی نیز اگر چه نقش آفرین هستند ولی انسان را به گناه مجبور نمی کنند، مضافاً بر اینکه ، شیطان در دل اولیای خدا راه نفوذ و تسلطی ندارد. اما دشمن دوّم که از همه کارسازتر است ، هواها و تمایلات نفسانی است که خطرناک ترین دشمن انسان بشمار می رود. (۶۴)

پیام ها :

- ۱- گاه هواپرستی با تبلیغات ، توجیهاات ، مغالطه کاری و طرفداری اکثریت چنان جلوه می کند که شناخت آن ، بصیرت و دقّت لازم دارد. فاعلم
- ۲- آنجا که هدایت پذیری نباشد، هواپرستی حاکم است . **لم یستجیبوا...**

یتبعون اهوائهم

- ۳- منکران حقّ و هواپرستان ، گمراه ترین مردم هستند. **من اضلّ ممّن اتبع**

هواه

- ۴- هدایت واقعی ، هدایتی است که از علم و حکمت بی نهایت سرچشمه

گرفته باشد. **هدی من الله**

۶۴- تفسیر اطیب البیان .

۵- هواپرستی ظلم است و هواپرستان از هدایت الهی بدورند. انّ الله لا يهدي

القوم الظالمين

(۵۱) وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

ترجمه :

وما پیوسته برای آنان سخن گفتیم (و آیات قرآن را برایشان نازل کردیم) شاید که پندگیرند و متذکر شوند.

(۵۲) اءلَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ

ترجمه :

(برخی از) آنان که پیش از این (قرآن) کتابشان دادیم ، همانها به آن (قرآن) ایمان می آورند.

نکته ها :

کلمه «وَصَّلْنَا» از «وَصَلَ»، به معنای ارتباط دادن و متصل کردن است . مراد از این اتصال یا پی در پی بودن تذکرات است و یا هماهنگی و هم سویی مطالبی که ارائه می شود.

از سنت های خداوند، هدایت انسان هاست که لحظه ای قطع نمی شود؛ **انّ علينا للهدى** (۶۵) و از طریق آیات الهی ، انبیا و اوصیا علیهم السلام و علمای دین، تداوم می یابد؛ وَصَّلْنَا لَهُمْ و چنانچه منطقه ای به این هدایت الهی دسترسی نداشت، می بایست

۶۵- لیل ، ۱۲.

گروهی از آن منطقه کوچ کرده و با تفقه در دین ، مردم را از آن بهره مند سازند. (۶۶)

پیام ها :

- ۱- در تربیت باید تذکرات ، تدریجی ، گام به گام ، مکرر و متنوع باشد. وصلنا (آری با یک یا دو تذکر مختصر نباید انتظار اصلاح و تربیت داشت)
- ۲- آیات قرآن دارای یک نوع همسویی و پیوستگی است . وصلنا لهم القول
- ۳- همه ی آیات الهی ، کتب آسمانی و رهبران دینی ، یک حرف و هدف را دنبال می کنند. وصلنا لهم القول
- ۴- انسان ، موجودی فراموشکار است و نیاز به تذکر دارد. يتذکرون
- ۵ اهل کتاب واقعی ، کسانی هستند که با دیدن اسلام ، ایمان می آورند. الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ ... به یؤ منون

(۵۳) وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَأَمْنَا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّآ كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

ترجمه :

و زمانی که (قرآن) بر آنان تلاوت شود، گویند: ما به آن ایمان آوردیم ، همانا آن ، حقی است از طرف پروردگارا (و) ما پیش از این (نیز) اهل تسلیم بوده ایم .

(۵۴) اءُوَلِّكَ يُوْتُونَ اءَجْرَهُمْ مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْرءُونَ
بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

ترجمه :

آنان به خاطر صبرشان ، دو برابر پاداش داده می شوند. و (آنانند که) بدی
هارا با نیکی دفع می کنند و از آنچه روزی آنان کرده ایم (به دیگران) انفاق می
نمایند.

پیام ها :

۱- طالبان حقّ، بدنبال حقّ هستند و توجّهی به اینکه چه کسی ، از چه
نژادی و با چه زبانی آن را می گوید ندارند. **اذا يُتلى ... قالوا آمنا** («یُتلى» به
صورت مجهول ، یعنی گوینده مطرح نیست .)

۲- اگر روح پاک باشد، با شنیدن حقّ ایمان می آورد. **یُتلى ... آمنا** (به
عکس ، اگر زمینه فراهم نباشد، با تلاوت پیوسته هم امیدی به ایمان نیست .)

۳- ایمانی ارزش دارد که بر اساس معرفت و شناخت حقّ باشد. **آمنا به انه**

الحقّ

۴- شرایط وزمینه های افراد، در دریافت الطاف الهی متفاوتند. یو تون

اجرهم مرّتين بما صبروا

۵- پذیرش حقّ، نیازمند صبر در مقابل انواع انتقادات و مشکلات است . **قالوا**

آمنا... یو تون اجرهم ... بما صبروا

۶- گذشت از بدی های دیگران و انفاق به آنان در صورتی ارزش دارد که

خصلت و خوی انسان باشد. **یدرو ن ینفقون** (فعل مضارع نشانه دوام و استمرار
است).

آری مؤ منانی مورد ستایش اند که دارای پشتکار، گذشت و اهل بخشش باشند.)

۷- اگر بدانیم که رزق از طرف خداست ، انفاق برای ما آسان می شود. **مَمَّا**

رزقناهم ینفقون

۸ مورد انفاق تنها مال نیست ، از علم ، توان و آبرو نیز می توان انفاق کرد.

مَمَّا رزقناهم ینفقون

(۵۵) وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَّا أَعْمَلْنَا وَ

لَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلِّمْ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِ الْجَاهِلِينَ

ترجمه :

و هرگاه (سخن) لغوی را بشنوند، از آن روی برگرداند و گویند: اعمال ما برای ما و کارهای شما برای شما باشد، سلام (وداع ما) بر شما باد، ما به سراغ جاهلان نمی رویم .

نکته ها :

در آیه ی قبل خداوند به کسانی که در راه او صبر کنند و بدی ها را با خوبی پاسخ دهند و از اموالشان در راه خدا بخشند، پاداشِ دو برابر وعده داد، این آیه به یکی از نمونه های صبر و برخورد های خوب ، اشاره می فرماید.

«لغو» یعنی امر بیهوده که هم در کلام و هم در عمل قابل بروز است و مؤمنین به اعراض از آن سفارش شده اند. از جمله ویژگی های بهشت آن است که لغو و بیهودگی در آنجا نیست . **لا لغو فیها و لا تاءثیم^(۶۷)**

۶۷- طور، ۲۳.

«مُدارا»، کوتاه آمدن از موضع قدرت است ، نظیر پدری که دست کودکش را در دست دارد و قدرت بر تند رفتن دارد، ولی آهسته راه می رود، امّا «مُداهنه»، کوتاه آمدن از موضع ضعف است . نظیر بسیاری از رؤ سّای کشورها که به خاطر نداشتن شجاعت ، در اختیار ابرقدرت ها قرار دارند. انبیا و اولیای الهی با مردم مدارا می کنند، امّا در برابر کفر مداهنه نمی ورزند.

پیام ها :

۱- مؤمن واقعی کسی است که نه تنها به مجلس لغو نمی رود و به سخن لغو گوش نمی دهد، بلکه اگر کلام بیهوده ای هم شنید، عکس العمل نشان می دهد.

و اذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه

۲- یکی از نمونه های صبر، بی اعتنایی به لغو و اعراض از آن است . صبروا

اعرضوا عنه

۳- اعراض از لغو در گفتن ، شنیدن ، دیدن و معاشرت ، کمالی است که در همه ی ادیان الهی از آن ستایش شده است . سمعوا اللغو اعرضوا عنه (آیه فوق در توصیف گروهی از اهل کتاب است .)

۴- از شیوه های عمومی و ساده ی نهی از منکر، اعراض از منکر است .

سمعوا... اعرضوا عنه (لغو را با لغو پاسخ نگوئیم .)

۵- انسان در برابر آنچه می شنود، مسئول است . سمعوا... اعرضوا

۶- قاطعیّت ، صلابت و عدم سازش ، نشانگر ایمان راسخ است . لنا اعمالنا

و لكم اعمالکم

۷- سود و زیان عمل هر کس به خود او برمی گردد. لنا اعمالنا و لكم

اعمالکم

۸- اعراض ، باید کریمانه باشد. **اعرضوا... سلام علیکم**

۹- اعراض باید همراه هشدار به اهل لغو باشد. **اعرضوا... لانبغی الجاهلین**

۱۰- لغو، میوه ی جهل و بیهوده گو، جاهل است . **لانبغی الجاهلین**

(۵۶) إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ

أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

ترجمه :

(ای پیامبر!) همانا تو نمی توانی هر که را دوست داری هدایت کنی (و به مقصد برسانی)، بلکه این خداوند است که هر کس را بخواهد هدایت می کند و او به ره یافتگان آگاه تر است .

نکته ها :

مضمون این آیه که در مقام دلداری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است ، در آیات دیگر و با بیانات و تعابیر مختلف تکرار شده است ، از جمله در سوره ی یوسف می خوانیم : و ما اکثر الناس و لو حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ^(۶۸) ، ای پیامبر! هر چند به هدایت آنان حریص باشی ، باز اکثر مردم ایمان نمی آورند، یا در سوره بقره آمده است : لیس علیک هداهم ولكن الله یهدی من یشاء ^(۶۹) هدایت پذیری مردم بر عهده تو نیست و خداوند، هر که را بخواهد، هدایت می فرماید. در جلد پنجم تفسیر درالمنثور (از تفاسیر اهل سنت) روایاتی به این مضمون نقل شده است که در آستانه ی فوت ابوطالب ، پدر حضرت علی علیهما السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نزد او حاضر شد

۶۸- یوسف ، ۱۰۳.

۶۹- بقره ، ۲۷۲.

و اسلام را بر او عرضه فرمود، اما او نپذیرفت و این آیه نازل شد!!
ما با قطع نظر از اینکه شاعن نزول آیه چیست و آیا اصلا ارتباطی با پدر
بزرگوار امیرالمؤمنین علی علیه السلام دارد یا خیر، (که با اندک تاءمّلی، عدم
این ارتباط ثابت می شود، زیرا آیه در ادامه ی بحث پیرامون گروهی از مؤمنان
اهل کتاب در مقابل مشرکان مکّه است) کمی به بحث پیرامون این روایات و
ایمان حضرت ابوطالب می پردازیم .

علامه امینی، صاحب کتاب گرانقدر «الغدیر» در جلد هشتم این کتاب از
صفحه ی ۱۹ به بعد با نقد و ردّ تمامی این روایات مجعول و با استناد به منابع
تاریخی، معتقد است که روایان اینگونه روایات، در زمان فوت حضرت
ابوطالب یا اطفالی شیرخوار بودند و یا همچون ابوهریره، هنوز اسلام نیاورده
بودند.

همچنین ایشان از صفحه ۳۳۰ تا ۴۱۰ همان جلد، به دلایل مؤمن بودن
حضرت ابوطالب می پردازد و صدها شعر از خود آن حضرت، ده ها خاطره و
چهل حدیث از اهل بیت پیامبر ذکر می کند که حاکی از ایمان او به خداوند و
رسول الله صلی الله علیه و آله است. بعضی از این دلائل عبارتند از:

- ۱- سخنان پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام پیرامون ایمان او.
- ۲- حزن و اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله در فوت او.
- ۳- دعای پیامبر صلی الله علیه و آله بالای منبر، به ابوطالب و تشییع جنازه
او.

- ۴- حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله که من شفیع والدین و عموم ابوطالب
در قیامت هستم .

- ۵- وصیّت نامه او مبنی بر حمایت بنی هاشم از پیامبر اسلام .
- ۶- سفارش او به همسر و فرزندش جعفر، برای حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و توجه به اسلام و نماز.
- ۷- حمایت های بیدریغ او از پیامبر که در شب های خطرناک ، جای خواب آن حضرت را با جای خواب فرزندش علی علیه السلام عوض می کرد و فرزندش را در معرض خطر قرار می داد.
- ۸ زندگی فاطمه بنت اسد با ابوطالب که در اسلام او شکی نیست ، زیرا اگر ابوطالب مسلمان نبود، نباید زن مسلمان همسرش باشد.
- ۹- اشعار فراوان او که از اقرارش به اسلام حکایت دارد.
- البته نباید فراموش کرد که تنها گناه نابخشودنی او این است که پدر علی علیه السلام است ! و دشمنان آن حضرت چه بودجه هایی را در راه ضربه زدن به آن حضرت هزینه کردند و روایاتی را جعل نمودند و برای اینکه میان ابوطالب پدر حضرت علی علیهما السلام و ابوسفیان پدر معاویه تعادلی برقرار کنند، سابقه ی شرک را تهمت زدند.

پیام ها :

- ۱- وظیفه ی انبیا ابلاغ پیام های الهی و ارائه راه است . پذیرفتن یا عدم پذیرش مردم ربطی به آن بزرگواران ندارد. انک لا تهدی
- ۲- پیامبران ، برای هدایت منحرفان سوز و شور داشتند. مَنْ اٰ حَبِیْتَا
- ۳- هدایت ، کار خداوند است که فقط شامل دلهای پاک و آماده می شود.

ولکن الله یهدی

۴- خواست خداوند بر اساس حکمت و علم اوست . بهدی من یشاء و هو

اعلم

(۵۷) وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِطُفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

ترجمه :

و (کفار مکه) گفتند: اگر ما با (قبول برنامه های) تو، هدایت را بپذیریم ، (بزودی) از سرزمینمان آواره خواهیم شد. (بگو): آیا ما آنان را در حرم امنی قرار ندادیم که بهره های هر چیزی به عنوان روزی از جانب ما به سوی آن سرازیر می شود؟ ولی بیشتر آنان نمی دانند!

نکته ها :

گروهی از مشرکان مکه به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله اظهار داشتند که اگر ما هدایت را به همراه تو پذیرا شویم ، به سرعت از خانه و کاشانه خود رانده و آواره ، و از زندگی و هستی خویش ساقط و درمانده می گردیم .

خداوند با سه پاسخ بهانه ی آنان را ردّ می فرماید:

پاسخ اوّل که در همین آیه مورد اشاره قرار گرفته است این که ؛ همان خدایی که مکه را پایگاه امن و محلّ جلب و سرازیر شدن روزی فراوان برای شما قرار داد، باز می تواند آن را تداوم بخشد. (در این جواب دلگرمی و بشارت است)

پاسخ دوّم که در آیه ی بعد آمده است اینکه ؛ بر فرض بخاطر حفظ رفاه و

منافع خود، ایمان نیاورید، قهر خدا را چه خواهید کرد؟

(در این جواب انذار و هشدار است)

پاسخ سوّم که در آیه ۶۰ همین سوره مطرح شده است این که ؛ مگر مال و متاع دنیا چقدر ارزش دارد که به واسطه آن ایمان نمی آورید بدانید آنچه در نزد خداست ، بهتر و پایدارتر است . پس عدم ایمان شما هیچ وجه و توجیهی ندارد.

پیام ها :

۱- دین ، تنها عقیده نیست ، بلکه برنامه های عملی نیز دارد. نتبّع الهدی

معک

۲- حساسیت دشمنان تنها نسبت به راه حقّ و مسیر الهی نیست که آنها، هم به راه حقّ و هم به رهبری حقّ اعتراض دارند. ان نتبّع الهدی معک

۳- ایمان آوردن ، تنها به آگاهی داشتن نیست ، بلکه به جرات هم نیاز دارد. ان نتبّع الهدی معک نتخطّف (آری ، گروهی حقانیت اسلام را می فهمند، ولی بخاطر حفظ منافع شخصی از آن سرباز می زنند).

۴- انسان ، وطن دوست است . من ارضنا

۵- ترس از دست دادن نعمت ها را با یاد الطاف الهی دفع کنیم . اءولم نمکن لهم حرما آما (آری یاد نعمت ها، عامل توکل و رفع نگرانی هاست .)

۶- بهبود، رونق و رشد اقتصادی در گرو امنیت و آرامش اجتماعی است .

آما یحیی الیه ثمرات

۷- امنیت و رزق ، دو نعمت تضمین شده ی حرم الهی (مکّه) است . آما

یحیی الیه ثمرات کلّ شیء

۸ برتری ایمان بر رفاه و آسایش ، برای اکثر مردم پنهان است . ولکن اکثرهم

لا یعلمون

(۵۸) وَكَمْ اءَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسْكِنُهُمْ لَمَّا
تُسْكَنَ مِنْ بَعْدِهِمْ اِلَّا قَلِيلاً وَكُنَّا نَحْنُ الْوَرِثِيْنَ

ترجمه :

و چه بسیار مناطقی که ما (آنها را) بخاطر طغیان در زندگی ، هلاک کردیم ،
این خانه های آنهاست که بعد از آنان جز اندکی (از انسان ها در آن) سکونت
نکردند و ما وارث آنان هستیم .

نکته ها :

کلمه ی «بَطِرَ» به معنای طغیان و سرمستی بر اثر فزونی ثروت و رفاه است .
در آیه قبل خواندیم که گروهی به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله گفتند: اگر
ما به تو ایمان بیاوریم ، کَفَّار مَکَّه ما را آواره خواهند کرد، و خداوند فرمود:
همان قدرتی که مَکَّه را محل امن و رزق فراوان برای شما قرار داد، بعد از ایمان
نیز می تواند نعمت هایش را برای شما حفظ نماید. در این آیه خداوند می
فرماید: فراموش نکنید که ما بسیاری از شهرها را که سرمست از نعمت ها و
غرق در رفاه بودند نابود کردیم ، شما نیز که بخاطر حفظ رفاه و اموال خود
ایمان نمی آورید، با قهر الهی چه می کنید؟!

منظور از «تِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ»، مسکن مخروبه ی قوم عاد در منطقه احقاف
(میان یمن و شام)، یا قوم ثمود در منطقه سَدُوم است که مردم حجاز در
مسافرت های تجاری از کنار آنها عبور می کردند و با چشم خود می دیدند.

پیام ها :

۱- گاه ثروت و رفاه نه تنها مایه ی سعادت نیست که باعث غرور، طغیان و هلاکت است . کم اهلکنا... بطرت معیشتها

۲- سرنوشت افراد و جوامع ، در گرو اعمال خود آنهاست . کم اهلکنا... بطرت معیشتها

۳- سنّت الهی ، هلاکت مرفّهان بی ایمان است . اهلکنا من قریة بطرت

۴- خرابه ها و بقایای تمدّن های گذشته ، بهترین پندآموز نسل های بعدی است . تلک مساکنهم (از جمله برنامه های تربیتی ، بازدید از همین اماکن است.)

۵ مرفّهان ، اموال خود را رها کرده و خواهند رفت . پس هدایت و سعادت ابدی را با رفاه زودگذر دنیوی معامله نکنیم . نحن الوارثین

(۵۹) وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَّهَاتِ رَسُوْلًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى اِلَّا وَاءْهَلُّهَا ظَلْمُوْنَ

ترجمه :

و پروردگارت قریه ها (و شهرها) را نابود نمی کند، مگر اینکه در میان آنان پیامبری برانگیزد، که آیات ما را بر آنان تلاوت کند. و ما هیچ آبادی را هلاک نکردیم مگر آنکه اهل آن ظالم بودند.

پیام ها :

۱- از مهم ترین وظایف انبیا، تلاوت آیات الهی بر مردم است . يتلوا عليهم

۲- مکه ، أمّ القری ای اسلام است . یبعث فی أمّھارسولا

۳- جوامع ستمگر در معرض قهر الهی هستند. ربّک مهلکی القری ...

۴- تا اتمام حجّت نشود، قهری از جانب خدا نازل نمی شود. ماکان ربّک

مهلک القری حتی یبعث رسولا

۵ قهر الهی ، یکی از شیوه های تربیتی خداوند است . (هلاکت بدنبال کلمه ی

«ربّک» آمده است) ربّک مهلک القری

۶- محل های تبلیغی باید در مراکز و کانون های اصلی اجتماعات و شهرها

باشد. یبعث فی أمّها رسولا (آیه ، نشانگر نقش مکان در تبلیغ است .)

۷- پاسخ مثبت ندادن به دعوت انبیا، ظلم است . یتلوا علیهم ... واهلها

ظالمون

۸ هلاکت ستمگران در دنیا، سنّت و برنامه ی الهی است . مهلکی القری ...

اهلها ظالمون

(۶۰) وَمَا آؤْتِیْتُمْ مِّنْ شَیْءٍ فَمَتَّعُ الْحَیْوةَ الدُّنْیَا وَزَیْنَتَهَا وَمَا عِنْدَ اللّهِ

خَیْرٌ وَّآءَبَقِیَّ اءَفْلا تَعْقِلُوْنَ

ترجمه :

و آنچه به شما داده شده ، بهره ی زندگی دنیا و زینت آن است (که فانی و

زودگذر است)، در حالی که آنچه نزد خداست ، بهتر و پایدارتر است . پس آیا

نمی اندیشید؟!

نکته ها :

در واقع این سوّمین جوابی است که خداوند در پاسخ بهانه جویی کفار مکّه

(که اگر ما ایمان بیاوریم ، زندگانی ما مختل می شود) می دهد،

که آنچه به گمان خام خود از رهگذر عدم ایمان بدست می آورید، متاع و کالای بی ارزش و فانی زندگی محدود دنیاست، در حالی که آنچه نزد خداست، بهتر و ماندگارتر است.

پیام ها :

- ۱- ثروت و دارایی خود را محصول تلاش و زرنگی خویش نپنداریم که هر چه هست از خداوند است. ما اوتیتیم
 - ۲- نعمت های دنیوی، محدود است؛ من شیء ولی پاداش الهی، نامحدود و غیر قابل تصوّر است. ما عندالله خیر و ابقی
 - ۳- اگر بخاطر پذیرش ایمان، دنیا را از دست بدهید، به نعمت های بی منتها و بی زوال دست خواهید یافت. ما عندالله خیر و ابقی
 - ۴- هر کس باقی را فدای فانی، و بهره ی ناب را با لذّات آمیخته با مشکلات عوض کند، در حقیقت عاقل نیست. اءفلا تعقلون
- نگاهی به دنیا از منظر قرآن
- در قرآن مجید، از دنیا و زندگانی دنیا با تعبیرات مختلفی یاد گردیده و انسان ها را از اقبال به آن و اغفال در برابر آن برحذر داشته است، از جمله :
- دنیا، عارضی است. عَرَضَ الحیوة الدّنیة ^(۷۰)
- دنیا، بازیچه است. و مال الحیوة الدّنیة الّا لعبٌ و لهو ^(۷۱)
- دنیا، اندک و ناچیز است. فما متاع الحیوة الدّنیة فی الاخرة الّا قلیل ^(۷۲)

۷۰- نساء، ۹۴.

۷۱- انعام، ۳۲.

۷۲- توبه، ۳۸.

زندگی دنیا، مایه ی غرور و اغفال است . وما الحیوة الدّیة الاّ متاع الغرور ^(۷۳)

زندگی دنیا، برای کفار جلوه دارد. زین للذین کفروا الحیوة الدّیة ^(۷۴)

مال و فرزند، جلوه های دنیا هستند. المال والبنون زینة الحیوة الدّیة ^(۷۵)

دنیا، غنچه ای است که برای هیچ کس گُل نمی شود. زهرة الحیوة الدّیة ^(۷۶)

چرا آخرت را به دنیا می فروشید؟ اشترُوا الحیوة الدّیة بالاّ خره ^(۷۷)

چرا به دنیای فانی و محدود، راضی می شوید؟ اءرضیتُم بالحیوة الدّیة ^(۷۸)

چرا به دنیای کوچک و زودگذر شاد می گردید؟ فرحوا بالحیوة الدّیة ^(۷۹)

چرا دنیا را به آخرت ترجیح می دهید؟ یستحبّون الحیوة الدّیة علی الاّ خره ^(۸۰)

چرا به دنیاداران خیره می شوید؟ لاتمدنّ عینیک الی ما متّعنا به ^(۸۱)

چرا فقط به دنیا فکر می کنید؟ لم یردالاّ الحیوة الدّیة ^(۸۲)

۷۳- آل عمران ، ۱۸۵.

۷۴- بقره ، ۲۱۲.

۷۵- کهف ، ۴۶.

۷۶- طه ، ۱۳۱.

۷۷- بقره ، ۸۶.

۷۸- توبه ، ۳۸.

۷۹- رعد، ۲۶.

۸۰- ابراهیم ، ۳.

۸۱- حجر، ۸۸.

۸۲- نجم ، ۲۹.

آیا دنیاگرایان نمی دانند که جایگاهشان دوزخ است ؟ و أثر الحیوة الدنیا،
فان الجحیم هی الماءوی^(۸۳)

البته این همه هشدار به خاطر کنترل مردم دنیاگرا است و آنچه در آیات و روایات انتقاد شده ، از دنیاپرستی ، آخرت فروشی ، غافل شدن ، سرمست شدن و حق فقرا را ندادن است ، ولی اگر افرادی در چهارچوب عدل و انصاف سراغ دنیا بروند و از کمالات دیگر و آخرت غافل نشوند و حق محرومان را ادا کنند و در تحصیل دنیا یا مصرف آن ظلم نکنند، این گونه مال و دنیا فضل و رحمت الهی است .

(۶۱) اءَقَمْنَ وَعَدَنَّهُ وَعَدَاً حَسَنًا فَهُوَ لَقِيهِ كَمَنْ مَتَّعَنَّهُ مَتَعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

ترجمه :

پس آیا کسی که به او وعده ای نیکو داده ایم و او آن را خواهد دید، مانند کسی است که او را از بهره ی زندگی دنیا بهره مند ساختیم (و سپس او در روز قیامت از احضارشدگان (برای حساب و جزا) خواهد بود؟!)

نکته ها :

این آیه در ادامه ی آیات قبل ، پیرامون کسانی است که بخاطر حفظ زندگانی دنیا، بر کفر باقی ماندند.

۸۳- نازعات ، ۳۸.

وعده ای که در این آیه به آن اشاره گردیده ، همان وعده ای است که در آیات مختلف قرآن به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است ، از جمله آیه ی نهم سوره ی مائده :

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ .

مخالفان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صدر اسلام ، افراد مرفّه و کامیاب بوده اند.

پیام ها :

۱- وعده های الهی و پاداش های اخروی ، هم بزرگ است و هم نیکو. وعدا حسنا (کلمه «وَعَدَا» که با تنوین آمده ، اشاره به بزرگی امر و کلمه «حسنا» نشان از نیکویی دارد).

۲- وعده های الهی ، قطعی و مسلّم است . وعدناه... فهو لاقیه

۳- شیوه ی مقایسه ، از بهترین اسلوب های تبلیغ و تربیت است . اءفمن وعدناه... کمّن متّعناه (کسانی که وعده های الهی را دریافت می کنند، قابل مقایسه با دیگران نیستند)

۴- توفیق بهره گیری از متاع دنیا نیز بدست خداست . متّعناه

۵ کامیابی دنیوی ، نشانه آسودگی اخروی نیست . متّعناه... من المحضرين

۶- بهره مندی های دنیوی ، حساب و کتاب دارد. متّعناه... من المحضرين

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «فی حلالها حساب و فی حرامها

عقاب» ^(۸۴) در حلال دنیا حساب و در حرام آن عقاب است .

۸۴- نهج البلاغه ، خطبه ۸۲.

۷- کامیابی غافلانه ، احضار ذلیلانه ی آخروی در پی دارد. من المحضرين
آری در لذتی که پایانش آتش است ، خیری نیست .

(۶۲) وَ يَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ اَيْنَ شُرَكَاءِىَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

ترجمه :

و روزی که (خداوند) آنها را ندا می دهد، پس می گوید: کجايند آن شریکانی
که برای من می پنداشتید؟

(۶۳) قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ اءَغْوَيْنَا اءَغْوَيْنَا
هُم كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا اِلَيْكَ مَا كَانُوا اِيَّانَا يَعْبُدُونَ

ترجمه :

آن (شریکان و) کسانی که حکم عذاب بر آنان محقق گشته ، می گویند:
پروردگارا! اینان کسانی هستند که ما گمراه کرده ایم . همان گونه که خود گمراه
بودیم ، آنها را (نیز) گمراه نمودیم ، (اما اینک از آنان) به سوی تو بیزارى می
جوئیم . (اینان در واقع) ما را نمی پرستیدند (بلکه بدنبال هواپرستی و هوسرانی
خود بودند).

(۶۴) وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُم فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا
الْعَذَابَ لَوْ اَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ

ترجمه :

و (در این هنگام به مشرکان) گفته می شود: (اکنون آن) معبودانی را که
شریک خدا می پنداشتید بخوانید، پس آنها را می خوانند، اما جوابی به آنها نمی
دهند و (در این حال) عذاب الهی را می بینند

(که آنان را در برمی گیرد، پس آرزو می کنند) ای کاش ، هدایت یافته بودند.

نکته ها :

با بر پایی قیامت ، صحنه های عجیب و گوناگونی اتفاق می افتد که این آیات به بعضی از آنها اشاره می فرماید؛ یکی از صحنه ها، سوالات توییخ آمیز خداوند، از مشرکان است . صحنه ی دیگر، اظهار تنفّر و بیزاری معبودها از کسانی است که آنها را می پرستیدند و صحنه ی سوّم ، ملامت منحرفان از شیطان است که شیطان هم در جواب می گوید: مرا سرزنش نکنید، بلکه خودتان را ملامت نمایید؛ فلا تلمونی و لوموا انفسکم^(۸۵) در قیامت ، هر کس گناه خود را به گردن دیگری می اندازد، ولی از طرف مقابل هم جواب می شنود که : بل کنتم قوما طاغین^(۸۶) گناه را به گردن ما نیاندازید، بلکه شما خودتان اهل طغیان بودید.

بعضی از معبودها همچون حضرت عیسی و فرشتگان الهی ، تقصیری ندارند، اما کسانی نظیر شیاطین ، طاغوت ها دانشمندانی که سبب بدعت و انحراف در دین گشته اند، مقصّرند و عذاب خداوند در مورد آنان قطعی است .

پیام ها :

- ۱- صحنه های قیامت را فراموش نکنیم . و یوم ...
- ۲- دادگاه قیامت ، علنی و حضوری است . اءین شرکائی
- ۳- کاری نکنیم که در قیامت ، از پاسخ آن کار، درمانده و عاجز باشیم .

ءین شرکایی

۸۵- ابراهیم ، ۲۲ .

۸۶- صافات ، ۳۰ .

۴- شرک و تکیه بر هرچه غیر خداست ، گمان ، خیال و سراب است .

تزعمون

۵- معبودهای عزیز دنیوی ، ذلیلان و محکومان اُخروی اند. حقّ علیهم القول

۶- هرکس دیگران را به جای خداوند به سوی خویش بخواند، عذاب الهی

برایش حتمی است . حقّ علیهم القول

۷- پرستش غیر خدا، یک فریب است . اغوینا

۸- فریب خوردگان ، بدنبال فریب دیگران نیز هستند. اغویناهم کما غوینا

۹- انسان ها در انتخاب راه آزادند و می توانند راههای انحرافی را نیز

برگزینند. غوینا

۱۰- معبودهای غیر خدایی ، روزی از عابدان خود متنفر خواهند بود. تبرّأنا

۱۱- حقیقت شرک ، هوی پرستی است . ما کانوا ایّانا یعبدون

۱۲- معبودهای دروغین ، به ناله های شما در وقت نیاز پاسخی نخواهند

داد. فدعوهم فلم یستجیبوا دلستن به غیر خدا در دنیا، مایه ی محروم شدن از

یاری او در قیامت است)

۱۳- قیامت ، روز حسرت است . لو أنّهم کانوا یبتهدون

(۶۵) **وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا آءَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ**

ترجمه :

و (به یاد آورید) روزی که (خداوند) آنها را ندا می دهد، پس می گوید: به

پیامبران (و فرستادگان من) چه پاسخی دادید؟

(۶۶) فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ

ترجمه :

پس در آن روز، همه ی اخبار (و پاسخهایی که می توان از دیگران گرفت) بر آنان پوشیده می ماند، و آنان از یکدیگر سؤالی نمی کنند.

(۶۷) فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ

الْمُفْلِحِينَ

ترجمه :

اما هر کس (در این دنیا) توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته ای انجام دهد، پس امید است که از رستگاران باشد.

نکته ها :

در آیه قبل ، سؤالی از توحید بود؛ این شرکایی ادعوا شرکائکم و در این آیات به مسأله نبوت اشاره گردیده است . ماذا اءجبتهم المرسلین

پیام ها :

- ۱- همه در برابر دعوت پیامبران مسئولیم . ماذا اءجبتهم المرسلین
- ۲- در قیامت ، راه های دریافت خبر، بسته و همه متحیر و درمانده اند.

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ

- ۳- در قیامت ، مردم نمی توانند با همفکری و مشورت و با سؤالی از یکدیگر، جوابی برای دادگاه عدل الهی آماده کنند. فهم لا يتساءلون

- ۴- در اسلام ، بن بست وجود ندارد. راه بازگشت و توبه برای همگان باز

است . مَنْ تَابَ

۵ توبه ، تنها پشیمانی قلبی نیست ، ایمان واقعی و عمل صالح می خواهد.
تاب و آمن و عمل صالحا

۶- توفیق توبه با تمام شرایط و قبول و تداوم آن برای کسی تضمین نشده است ، از این روی باید انسان همیشه در حال خوف و رجا باشد. (کلمه «عسی» به معنای امید است ، یعنی با توبه و ایمان و عمل صالح ، امید رستگاری هست .)

(۶۸) **وَرَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ**
وَتَعَلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

ترجمه :

و پروردگارت آنچه را بخواهد می آفریند و (آنچه را بخواهد) برمی گزیند، برای آنان (در برابر خداوند) حق انتخابی نیست ، منزّه است خدا و برتر است از آنچه (برای او) شرک می ورزند.

(۶۹) **وَرَبِّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ**

ترجمه :

و پروردگار تو آنچه را دل های آنان پنهان می دارند و آنچه را آشکار می سازند، می داند.

(۷۰) وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ

الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

ترجمه :

او الله است ، معبودی جز او نیست ، ستایش در دنیا و آخرت (و آغاز و فرجام) مخصوص اوست ، حاکمیت تنها از آن اوست و به سوی او باز گرداننده می شوید.

پیام ها :

- ۱- قدرت مطلقه ، از آن خداوند است . یخلق ما یشاء و یختار
- ۲- تکوین (آفرینش هستی) و تشریح (قانون زندگی) به دست خداوند است . یخلق ما یشاء و یختار
- ۳- انتخاب رهبر آسمانی به دست خداوند است ، نه مردم . ویختار ما کان لهم الخیرة
- ۴- کسی حق قانون گذاری دارد که آفریدگار هستی باشد. یخلق ما یشاء... له الحكم
- ۵ کسی که در برابر قانون خدا قانون بشری را بپذیرد، در حقیقت برای خدا شریک پذیرفته است . ما کان لهم الخیرة سبحان الله و تعالی عما یشركون
- ۶- چون معبودی جز او نیست ، پس ستایش ها مخصوص اوست . لا اله الا هو له الحمد
- ۷- آفرینش و گزینش ، کار خداوند است ، ولی او کار باطل نمی کند. سبحان الله

(۷۱) قُلْ اءرءءِئْتُمْ اِنْ جَعَلَ اللّٰهُ عَلَيْكُمُ الَّيْلَ سَرْمَدًا اِلٰى يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَنْ
اِلَهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَءْتِيكُمْ بَضِيآءًا فَلَآ تَسْمَعُوْنَ

ترجمه :

بگو: آیا اندیشیده اید که اگر خدا شب را تا روز رستاخیز پایدار بدارد، کدام
خدایی غیر از «الله» برای شما روشنی خواهد آورد؟ پس آیا نمی شنوید؟

نکته ها :

کلمه ی «سَرْمَد» به معنای دائم و همیشگی است .

جمله ی «ءفلا تسمعون»، با محتوای آیه که پیرامون شب است تناسب دارد،
زیرا قدرت شنیدن انسان در شب ، همچنان محفوظ است ، هرچند چشمان او
چیزی نبیند، چنانکه در آیه بعد که بحث در ارتباط با روز است ، جمله «ءفلا
تبصرون» آمده است .

از جمله راه های شناخت خداوند، اندیشه پیرامون زوال یا تغییر نعمت
هاست ، البتّه جایجایی و توالی شب و روز، یکی از بزرگ ترین نعمت ها و
آیات الهی است .

پیام ها :

- ۱- شیوه احتجاج با مخالفان را از خداوند بیاموزیم . قل اءرايتم
- ۲- بهترین نشانه های خداشناسی آن است که برای همه کس ، در همه جا و
در همه وقت ، قابل دسترسی باشد. قل اءرايتم
- ۳- یکی از شیوه های قرآن ، طرح پرسش های بیدار کننده است . اِنْ جَعَلَ
اللّٰهُ ...

۴- حرکت زمین و ایجاد شب و روز، با اراده ی الهی است . جعل ... اللیل

سرمد

۵ طبیعت ، زیباترین تابلو و کتاب معرفت الهی است . اللیل ضیاء

۶- در عقاید نباید تقلید کرد. اءراء یتم اءفلا تسمعون

۷- در تبلیغ ، از وجدان مخاطبین استمداد بطلبیم . اءراء یتم ... من اله ...

ءفلا تسمعون

(۷۲) قُلْ اءرء یتئم ین جعلَ اللّهُ عَلَیْكُمْ النَّهَارَ سَرْمَدًا اِلَی یَوْمِ الْقِیْمَةِ
مَنْ اِلَهٌ غَیْرُ اللّهِ یاء یتئم بَلِیْلٍ تَسْكُنُونَ فِیهِ اءفلا تُبْصِرُونَ

ترجمه :

(و) بگو: به من خبر دهید که اگر خداوند، روز شما را تا روز رستاخیز
جاودان بدارد، کدام خدایی غیر از «الله» برای شما شب خواهد آورد تا در آن
آرامش (و آسایش) یابید؟ پس آیا نمی نگرید؟

پیام ها :

۱- نظام حاکم بر هستی ، از طرف خداوند است و اگر بخواهد آن را به نظام
دیگری تبدیل می کند. ین جعل اللّهُ ...

۲- قدرت خداوند نسبت به همه ی پدیده ها یکسان است . جعل ... اللیل

سرمد، جعل ... النهار سرمد

۳- شب برای آسایش است و انسان نیازمند آسایش . تسکنون فیه

۴- افراد بی بصیرت ، قابل توبیخ و سرزنش هستند. اءفلا تبصرون

۵- شرک ، معلول نداشتن بصیرت است . مَنْ اِلَهٌ غَیْرُ اللّهِ ... اءفلا تبصرون

(۷۳) وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ترجمه :

و از رحمت اوست که برای شما شب و روز را قرار داد تا در آن آرامش یابید و از فضل او (روزی خود را) بجویید، و باشد که شکر گزارید.

نکته ها :

در آیات قرآن ، همیشه شب بر روز مقدم است . شاید از آن جهت که تاریکی شب ، ذاتی زمین و از خود آن است ، ولی روشنی روز، از خورشید است که بر زمین عارض می شود.

پیام ها :

۱- منشاء خلقت و اعطای نعمت ، نیاز او، یا طلب ما نیست ، بلکه بخشندگی و رحمانیت اوست . و من رحمته جعل

۲- آرامش شب ، مقدمه تلاش روز است . لتسکنوا فیه و لتبتغوا

۳- خداوند، بخشنده است ، ولی انسان باید تلاش کند. من رحمته جعل ...

لتبتغوا

۴- شب برای آسایش و روز برای کار و فعالیت است . لتسکنوا فیه و لتبتغوا من

فضله

۵- آنچه بدست آوریم از فضل اوست ، به زرنگی خود ننازیم . من فضله

۶- نعمت های مادی باید مقدمه ی شکر و کسب مراتب معنوی باشد.

لتسکنوا... لتبتغوا... لعلکم تشکرون

۷- دنیا اگر وسیله ی رشد، قرب و شکر بدرگاه الهی باشد، منفور و مذموم نیست . لعلکم تشکرون

(۷۴) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ اَيْنَ شُرَكَاءِ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

ترجمه :

و (باز بخاطر آورید) روزی را که (خداوند) آنها را ندا می دهد، پس می گوید: کجايند آن (همتايان و) شريكاني که برای من می پنداشتيد؟!

نکته ها :

این آیه ، شبیه آیه ی ۶۲ همین سوره است که قبلا گذشت .

پیام ها :

۱- صحنه ی حضور مشرکان در قیامت ، صحنه ای قابل یادآوری است . و یوم ینادیهم

۲- آنان که برای خداوند، شریکی قائلند، خود را برای پاسخگویی آماده نمایند. اءین شرکائی (انسان مسؤل اندیشه و گرایش خود است)

۳- قیامت ، روز ظهور پوچی معبودان و درماندگی مشرکان است . اءین شرکائی

۴- تمام معبودان در بی اثری و همه مشرکان در بی جوابی یکسانند. اءین شرکائی

۵- قاضی دادگاه قیامت ، ذات مقدس خداوند است . این شرکائی

۶- برای غیر خداوند، در قیامت ، هیچ قدرتی نیست . این شرکائی

۷- خداوند شریک ندارد، آنچه را شریک او می شمردند، پندار و توهم است .

کنتم تزعمون

(۷۵) وَتَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

ترجمه :

و (در آن روز) از هر امتی ، گواهی بیرون می آوریم ، پس (به مشرکان) می گوئیم دلیل خود را (بر شرک) بیاورید پس می فهمند که حق، مخصوص خداست و هر چه به دروغ می بافتند از (دست) آنان رفته و محو شده است .

نکته ها :

مواقف قیامت ، متعدد است ، در یک موقف بر لب های انسان مهر خورده و اعضا و جوارح دیگر به شهادت می پردازند؛ شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ و ابصارهم و جلودهم^(۸۷) در موقعی دیگر، انسان می تواند سخن بگوید؛ وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ^(۸۸) در یک جا سخنی با انسان گفته نمی شود؛ لَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ^(۸۹) ولی در جای دیگر، خداوند می فرماید: هاتوا برهانکم. گرچه بعضی احتمال داده اند که مراد آیه این باشد که خداوند از هر گروه مشرک ، یکی از افراد برجسته را به عنوان شاهد و سخنگو بیرون می کشد و از او می پرسد: برهان شرک شما چیست ؟ ولی با توجه به روایتی که در ذیل آیه از امام باقر علیه السلام آمده است^(۹۰)

۸۷- فصلت ، ۲۰.

۸۸- صافات ، ۲۴.

۸۹- بقره ، ۱۷۴.

۹۰- تفسیر المیزان ، ج ۱۶ ، ص ۲۰.

مراد این است که در هر عصر و زمانی ، انسان معصومی (پیامبر یا وصیّ پیامبر) که به اعمال مردم آگاه باشد، وجود دارد تا در قیامت به عنوان گواه رفتار مردم ، شاهد قرار گیرد.

پیام ها :

- ۱- در قیامت ، گواهان از خود امت ها برمی خیزند. من کلّ امّة شهیدا
- ۲- محاکمات روز قیامت ، علنی و حضوری است . شهیدا فقلنا
- ۳- عقاید و افکار خود را بر اساس برهان و دلیل محکم تنظیم کنیم . زیرا شرک برهانی ندارد و در آخرت بهانه ، خریداری ندارد. هاتوا برهانکم
- ۴- مشرکان ، منطق و برهان ندارند. هاتوا برهانکم
- ۵ هر نوع کتمان حقایق ، فقط در دنیاست ، در آخرت با کنار رفتن پرده ها، حقّ و حقیقت ، ظاهر و متجلّی می شود. فعلموا انّ الحقّ لله
- ۶- اگر چه مجرمین در قیامت به فکر انکار هستند، ولی حضور گواه ، آنان را به بن بست می کشاند. شهیدا... فعلموا انّ الحقّ لله
- ۷- باطل ، رفتنی است . ضلّ عنهم ما كانوا یفترون

(۷۶) **إِنَّ قُرُونَ كَانَتْ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ**

ترجمه :

همانا قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم نمود، با آن که ما آنقدر از گنج ها (و صندوق جواهرات) به او داده بودیم که حمل (آن ذخایر و) کلیدهایش بر گروه نیرومند نیز سنگین بود. روزی قومش به او گفتند:

مغروورانه شادی مکن ، بدرستی که خداوند شادمانان مغرور را دوست نمی دارد.

نکته ها :

در تفسیر مجمع البیان حدیثی نقل شده که قارون پسرخاله ی حضرت موسی و انسانی دانشمند بود و در خواندن تورات ، مهارت بی نظیری داشت . او ابتدا از یاران موسی علیه السلام و از جمله گروه هفتاد نفری ملازم آن حضرت برای اعزام به کوه طور و مناجات در آنجا بود، اما به واسطه بدست آوردن ثروت بی حساب ، عَلم مخالفت برداشت و سرانجام مورد خشم و قهر الهی واقع گردید. حضرت موسی درطول دوران مبارزه اش با سه محور اصلی فساد و طغیان ، درگیر بود: یکی محور قدرت و زور که فرعون ، سردمدار آن بود. دیگری اهرم ثروت و زر که قارون ، مظهر آن بشمار می رفت ، و سومی عامل فریب و تزویر که سامری رهبری آن را به عهده داشت . به عبارت دیگر، حضرت موسی با مثلث شوم زور، زر و تزویر، دست به گریبان بود.

پیام ها :

- ۱- ذکر نمونه های تاریخی ، مایه ی عبرت آیندگان است . انّ قارون ...
- ۲- سابقه ی خوب ، دلیل برآینده خوب ویا چشم پوشی از انحرافات امروز نیست . کان من قوم موسی
- ۳- فامیل پیامبر بودن ، به تنهایی عامل موفقیت و نجات نیست . کان من قوم موسی
- ۴- وجود بستگان منحرف ، نباید از مقام افراد صالح و مصلح بکاهد. انّ

قارون کان من قوم موسی

۵- ثروت بدون حساب ، وسیله ی قدرت و قدرت ، عاملی برای تجاوزگری و عیاشی است . الكنوز فبغی علیهم لا تفرح

۶- ثروت ، ما را مغرور و سرمست نسازد. لا تفرح

۷- نهی از منکر در مقابل سرمایه داران ، حتی بر طبقه محروم نیز لازم است . قال له قومه لا تفرح

۸- افراد سرمست ، از محبت الهی محرومند. إن الله لا يحب الفرحین (آری ثروت و دارایی نشانه ی محبوبیت نزد خداوند نیست .)

(۷۷) **وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا**
وَإِنْ أَحْسَنَ كَمَا آتَاكَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ
لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

ترجمه :

و (ای قارون!) در آنچه خداوند به تو داده است ، سرای آخرت را جستجو نما و (در عین حال) بهره ات را نیز از این دنیا فراموش مکن و همان گونه که خداوند به تو احسان کرده است ، تو نیز (از این ثروت به دیگران) احسان نما و بدنبال فساد در زمین مباش که خداوند، فسادگران را دوست نمی دارد.

نکته ها :

در این آیه به چند دستور و رهنمود تربیتی اشاره شده است :

الف : توجه داشتن به آخرت ، همراه با بهره مندی از دنیا.

ب : احسان به دیگران با توجه به الطاف خداوند به انسان .

ج : دوری از فساد با توجه به «إنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»

حضرت علی علیه السلام در تفسیر جمله ی لا تنسَ نصیبک من الدنیا فرمود:
یعنی از سلامتی ، قوّت ، فراغت ، جوانی و شادابی خود برای آخرت استفاده
کن .^(۹۱)

پیام ها :

- ۱- دنیا مزرعه ی آخرت است . وابتغ فیما اتاک الله الدار الاخرة (به قارون گفته شد: از این امکانات سرای آخرت را دنبال کن .)
- ۲- دارایی ثروتمندان ، از آن خداست . اتاک الله
- ۳- آخرت را باید با جدّیت دنبال نمود، هر چند دنیا را نیز نباید فراموش کرد. ابتغ لا تنس
- ۴- مال و ثروت می تواند وسیله ی سعادت اُخروی گردد. وابتغ فیما اتاک الله الدار الاخرة
- ۵ موعظه ی ثروتمندان ، کار پسندیده ای است . وابتغ ...
- ۶- هرکس به سهم و نصیب خود اکتفا کند وباقی را صرف آخرت نماید. وابتغ ... و لا تنس نصیبک ...
- ۷- در موعظه ، به نیازهای طبیعی هم توجه داشته باشیم . لا تنس نصیبک
- ۸ ثروت بی حدّ، بهره مندی بی حساب رابدنبال ندارد. نصیب هرکس محدود و مشخص است . نصیبک
- ۹- آخرت طلبی از طریق احسان به دیگران است . وابتغ ... و احسن
- ۱۰- برای دعوت دیگران به احسان ، یادآوری احسان الهی در حق آنان کارساز است . احسن کما احسن الله الیک

۹۱- تفسیر نورالثقلین .

۱۱- سرمایه داران بی ایمان ، در معرض فساد هستند. لا تبغ الفساد

(۷۸) قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي ۗ أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ
أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مَنَ الْقُرُونِ مَن هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا
يُسْئَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ

ترجمه :

(قارون در جواب) گفت : همانا این (ثروت فراوان) به واسطه دانشی که نزد
من است ، به من داده شده ، آیا او نمی دانست که خداوند، قبل از او از میان
نسل ها، کسانی را که از او نیرومندتر و مال اندوزتر بودند، هلاک کرده است ؟ و
(در آن هنگام حتی) از گناهان مجرمان (هم)سؤالی نمی شود؟!

نکته ها :

سؤال : با اینکه در آیات بسیاری از قرآن می خوانیم که سؤال قیامت از
همه کس ؛ فلنُسئِلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ و لنُسئِلَنَّ المرسلين^(۹۲) ، از همه چیز؛
ولنُسئِلَنَّ عما كنتم تعملون^(۹۳) ، از همه حال ؛ اِنْ تُبَدُوا مَا فِي انْفُسِكُمْ اَوْ تُخْفَوُه
يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ^(۹۴) و از همه جا؛ اِنْ تَكْ مَثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ
اَوْ فِي السَّمَاوَاتِ اَوْ فِي الْاَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ^(۹۵) خواهد بود، پس چرا در این آیه
آمده است : لا يسئل عن ذنوبهم المجرمون؟!

۹۲- اعراف ، ۶.

۹۳- نحل ، ۹۳.

۹۴- بقره ، ۲۸۴.

۹۵- لقمان ، ۱۶.

پاسخ : آیاتی که دلالت بر سؤال دارد، مربوط به قیامت است ولی آیه اخیر، اشاره به زمان نزول قهر الهی در دنیا است که در آن هنگام دیگر مهلتی برای سؤال و جواب وجود ندارد.

پیام ها :

- ۱- غرور علمی ، گاهی آنچنان انسان را خودمحور می سازد که دیگر نقش هیچ کس یا هیچ چیز را قبول ندارد. انما اوتيته على علمٍ عندي
- ۲- به علم خود نازیدن ، اخلاق قارونی است . على علمٍ عندي
- ۳- ثروت و قدرت را احسان الهی بدانیم ، نه محصول علم و تلاش خود. (مردم می گفتند: این خداوند است که به تو ثروت داده است ، قارون می گفت : خودم بر اساس علم ، آن را پیدا نموده ام .) احسن الله على علمٍ عندي
- ۴- آشنایی با تاریخ ، بهترین درس عبرت است . اءولم يعلم ... من قبله
- ۵ قلع و قمع گردنکشان ، از سنت های خداوندی است . (قدرت و ثروت ، مانع نزول قهر الهی نیست .) اهلك من قبله
- ۶- قدرت و ثروت ، سعادت آفرین نیست . اهلك ... اشد منه قوّة و اكثر

جمعا

- ۷- دست بالای دست بسیار است . من هواشدمنه
- ۸ هشدار! اگر قهر الهی فرا رسد، دیگر فرصتی برای سؤال و جواب و چون و چرا نخواهد بود. لا يُسئل عن ذنوبهم المجرمون

(۷۹) فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
يَلِيَّتْ لَنَا مِثْلَ مَاءٍ وَتِيَ قُرُونٌ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

ترجمه :

(روزی قارون) با تمام تجمل خود در میان قومش ظاهر شد، (با دیدن این صحنه) آنان که خواهان زندگانی دنیا بودند (آهی کشیده و) گفتند: ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده ، برای ما نیز بود. برآستی که او بهره ی بزرگی (از نعمت ها) دارد.

پیام ها :

- ۱- قدرت و ثروت در دست انسان های غافل ، سبب فخرفروشی ، خودنمایی و تجمل گرایی است . فخرج علی قومه فی زینته
 - ۲- به رخ کشیدن ثروت ، صفتی قارونی است . فخرج علی قومه فی زینته
 - ۳- قارون صفتان ، خود را برتر از دیگران می دانند. علی قومه
 - ۴- اشرافی گری حاکمان ، می تواند فرهنگ مردم را تغییر دهد. فی زینته ...
- یا لیت لنا...

۵ ظواهر زیبای دنیا، دامی برای جذب و انحراف کوتاه فکran است . قال
الَّذین یریدون الحیاة الدنیا

۶- آرزوی قارون شدن ، آرزوی دنیاپرستان کم خرد است . یریدون الحیاة
الدنیا یالیت لنا...

(۸۰) وَقَالَ الَّذِينَ آءُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَن ءَامَنَ وَ

عَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ

ترجمه :

و (امّا) کسانی که علم و آگاهی (واقعی) به آنان داده شده بود، گفتند: وای بر شما! پاداش الهی برای کسانی که ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند (از این مال و ثروت)، بهتر است، و (البته) جز صابران، آن (پاداش) را دریافت نخواهند کرد.

نکته ها :

قارون، خود را عالم و کسب ثروت را به واسطه ی علم خود می دانست؛ او تپته علی علم عندی امّا خداوند در این آیه می فرماید: علم حقیقی با مال اندوزی سازگار نیست.

پیام ها :

- ۱- دلباختگان دنیا سزاوار سرزنش و نکوهش اند. و یلکم
- ۲- خداوند از فرزندان بنی اسرائیل به خاطر برخورد با دلباختگان دنیا ستایش می کند. قال الذین اوتوا العلم و یلکم ...
- ۳- علم واقعی، انسان را به سوی آخرت و تقوی و عمل صالح سوق می دهد. قال الذین اوتوا العلم و یلکم ثواب الله خیر
- ۴- عالم آگاه کسی است که زرق و برق دنیا او را مجذوب نسازد و دنیاگرایان را تحقیر کند. قال الذین اوتوا العلم و یلکم ثواب الله خیر
- ۵- علما باید مردم را از عشق به دنیا برحذر دارند. قال الذین اوتوا العلم و یلکم ثواب الله خیر

۶- اگر چیزی را از کسی منع می کنیم ، در صورت لزوم و توان ، بهتر از آن را به او عرضه نماییم . ثواب الله خیر

۷- ایمان و عمل صالح ، زمانی سعادت آفرین است که انسان بر آن پایدار باشد. آمن و عمل صالحا و لا یلقیها الا الصابرون

(۸۱) فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ

ترجمه :

پس ما، او و خانه اش را به زمین فرو بردیم و هیچ گروهی نبود که او را در برابر قهر خداوند یاری کند و خودش نیز نمی توانست از خویش دفاع نماید.

نکته ها :

انسان می تواند در دو قوس حرکت کند: قوس صعودی که به معراج رسد و قوس نزولی که به زمین فرو رود.

پیام ها :

- ۱- نتیجه ظلم ، هلاکت است . فبغی علیهم ... فخسفنا به
- ۲- زمین ، گاهی مأمور قهر خداوند است . فخسفنا به و بداره الارض
- ۳- سرانجام ثروت اندوزی ، بخل و غرور و هلاکت است . فخسفنا به و بداره الارض

۴- ثروت ، وسیله ی نجات نیست . ما کان من المنتصرین

(۸۲) وَاَصْحَابِ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكْفُرُونَ بِاللَّهِ
يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا اِنَّ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ
بِنَا وَيَكْفُرُونَ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

ترجمه :

و همان کسانی که موقعیت دیروز او (قارون) را آرزو می کردند (با دیدن
صحنه هلاکت او) می گفتند: وای ! (بر ما) گویا خداوند، (رزق و) روزی را بر
هر کس از بندگانش که بخواهد، گشاده و یا تنگ می گرداند، (و) اگر خداوند بر
ما منت نهاده بود، هر آینه ما را نیز (با او) به قعر زمین برده بود، وای ! گویی
کافران ، رستگار نمی شوند.

پیام ها :

- ۱- در برخورد با مسائل ، زود قضاوت نکنیم . (آنان که دیروز حسرت می
خوردند ای کاش مثل قارون بودند، امروز می گویند: چه خوب شد که ما مثل
او نبودیم) تمنوا مکانه بالامس يقولون و یکاءنه ...
- ۲- هرگز نخواهیم که مانند ثروتمندان مغرور و غافل باشیم . تمنوا مکانه ...
و یکاءن
- ۳- به جای تمنای ثروت دیگران ، به داده های الهی قانع باشیم . تمنوا مکانه
... یبسط الرزق ... و يقدر
- ۴- همه آرزوها، به صلاح نیست . تمنوا مکانه
- ۵ گاه ، مستجاب نشدن دعا و برآورده نگردیدن آرزو، بزرگ ترین لطف و
منت الهی بر انسان است . تمنوا مکانه ... من الله علينا

۶- حوادث ، سبب بیداری فطرت ها و تغییر پندارها و خواسته های غلط است . لولا اذن من الله علينا

۷- ثروتی که انسان ، آن را از جانب خدا و برای او نداند، او را به کفر می رساند. لا یفلح الکافرون

(۸۳) تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ
وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

ترجمه :

(ما، نجات و سعادت در) آن سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می دهیم که خواستار برتری و فساد در زمین نباشند و سرانجام ، (رستگاری) از آن پرهیزکاران است .

نکته ها :

این آیه به منزله ی قطعنامه ی داستان قارون است که هر گونه ثروت اندوزی و برتری جویی ، مایه ی هلاکت در دنیا و شقاوت در آخرت می شود. بر اساس روایات ، حضرت علی علیه السلام ، این آیه را برای تاجران بازار تلاوت می فرمود. ^(۹۶) امام خمینی قدس سره بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز در پایان درس اخلاقشان برای طلاب و فضلا ی حوزه ی علمیه ی قم به آن عنایت داشتند. در حدیث می خوانیم که اگر کسی به واسطه بهتر بودن بند کفشش بر دیگری خود را برتر ببیند، جزو کسانی است که اراده ی علو در زمین دارند.

۹۶- تفاسیر مجمع البیان و روح البیان .

چه بسیارند کسانی که در تهیه مسکن ، مرکب ، لباس ، کلام ، ازدواج و نام گذاری فرزند، کاری می کنند که در جامعه نمودی داشته باشند و مردم متوجه آنان شوند که به فرموده روایت ، این افراد اراده برتری در زمین دارند و از بهشت محرومند.

پیام ها :

- ۱- سرای آخرت بس عظیم است . (کلمه ی «تلک» برای بیان عظمت است)
- ۲- هرگونه برتری طلبی ، ممنوع است . لا یریدون علواً
- ۳- منشاء فساد، برتری جویی است . لا یریدون علواً... و لا فسادا
- ۴- پرهیزکار کسی است که اراده ی تفاخر و برتری بر دیگران ندارد.
لا یریدون علواً... والعاقبه للمتقین

(۸۴) مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى
الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ترجمه :

هر کس نیکی آورد، برای او (پاداشی) بهتر از آن خواهد بود، و هر کس بدی آورد، پس کسانی که کارهای ناروا انجام دهند، جز (به اندازه ی) آنچه کرده اند، مجازات نمی شوند.

پیام ها :

- ۱- کار نیک ، مطلوب و پسندیده است ، از هر کس و به هر مقدار که باشد.
مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ

۲- مهم تر از انجام کار نیک ، به سلامت رساندن آن به صحنه ی قیامت است . جاء بالحسنة (چه بسیارند کسانی که کارهای خوبی انجام می دهند، ولی به واسطه گناه ، منت گذاشتن ، عجب و یا تحقیر دیگران ، آن را از بین می برند و نمی توانند کار خوب خود را به قیامت برسانند).

۳- انسان ها در انتخاب راه زندگی آزادند. مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ مَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ

۴- حتی در گفتار، سخن خویش را از خوبی ها آغاز کنیم . (ابتدا کلمه «الحسنة» آمده ، سپس «السيئة»)

۵ در نظام سراسر لطف الهی ، پاداش نیکی ها بیشتر از خود نیکی هاست هر چند به مرحله عمل نرسد و در حالت اندیشه و طرح باقی بماند، ولی کیفر کار بد به اندازه کار بد و به شرطی است که از درجه ی فکر و اندیشه بگذرد و لباس عمل بپوشد. عملواالسيئات

۶- کار نیک دیگران را فراموش نکنیم حتی اگر یک عمل ساده باشد، الحسنة ولی بدکاران را وقتی جزا دهیم که برکار بد خود اصرار داشته باشند. كانوا يعملون

۷- خداوند پاداش نیکی ها را با فضل خود می دهد، ولی در کیفر بدکاران با عدل خویش رفتار می کند. فله خيرٌ منها لايجزى ... الاّ ما كانوا يعملون

(۸۵) **إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلِيَّ مَعَادِ قُلُوبِ رَبِّيَ إِنَّهُ عَلِيمٌ**

مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَلٍ مُّبِينٍ

ترجمه :

همانا آن کس که قرآن را (بر تو نازل و عمل به آن را) بر تو واجب کرد، قطعاً تو را به وعده گاه (و زادگاهت) باز خواهد گردانید.

بگو: پروردگارم آگاه تر است که چه کسی هدایت آورده و چه کسی در گمراهی آشکار است .

نکته ها :

در آیه ی هفتم گذشت که خداوند به مادر موسی الهام فرمود که فرزندت را به دریا بینداز و نگران مباش که ما او را به تو باز خواهیم گرداند، القیه فی الیمّ انا رادّوه الیک در این آیه نیز خداوند به پیامبر اسلام وعده می دهد که او را به زادگاهش باز گرداند. لرادک الی معاد آری ، همان قدرتی که موسی را به مادر برگرداند، تو را نیز (بعد از هجرت) به مکه خواهد گرداند.

در اینکه «معاد» اشاره به چه معنایی دارد و مصداق آن چیست ، نظرات متفاوتی ارائه شده است ؛ بعضی آن را «مکه» زادگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و این آیه را یک خبر غیبی دانسته اند، که ای پیامبر! روزی همین مکه به دست تو فتح خواهد شد و به آن بازخواهی گشت . عده ای نیز آن را مقام محمود پیامبر (مقام شفاعت)، و جمعی هم آن را به قیامت و بهشت ، معنا و تفسیر کرده اند. اما روایات ، مراد از معاد در این آیه را رجعت پیامبر اسلام به دنیا می دانند. از عقاید قطعی ما که از آیات و روایات بسیاری بر می آید، «رَجَعْت» است . یعنی اینکه خداوند گروهی از اولیای خود را قبل از قیامت به دنیا برخواهد گرداند.

پیام ها :

۱- ابلاغ قرآن سبب تمرد کفار و هجرت پیامبر شد، اما خدای قرآن دوباره

پیامبر را به زادگاهش برخواهد گرداند. **لرادک الی معاد**

۲- تلاوت ، تبلیغ و عمل به قرآن ، قبل از هر کس بر خود پیامبر واجب است . فرض عليك القرآن

۳- تعبیر به فریضه بودن قرآن ، نشانگر اهمیّت و جایگاه والای آن است . فرض عليك القرآن

۴- مهاجر فی سبیل الله ، با عزّت به موطن خویش باز خواهد گشت . لرادک الی معادٍ تنوین کلمه ی «معادٍ»، نشانه ی عظمت و عزتمندی است .^(۹۷)

۵- در مقام بیان نیز ابتدا از نقاط مثبت شروع کنیم . مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ

(۸۶) وَمَا كُنْتَ تَرْجُوْا اِنَّ يُّلْقَىٰ اِلَيْكَ الْكِتَابُ اِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ
فَلَا تَكُوْنَنَّ ظٰهِرًا لِّلْكَافِرِيْنَ

ترجمه :

و تو امید نداشتی که (این) کتاب (آسمانی) به تو القا گردد، (و این نزول نبود) مگر رحمتی از سوی پروردگارت ، پس (به شکرانه ی آن) هرگز پشتیبان کافران مباش .

نکته ها :

دو شباهت میان حضرت موسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آیات این سوره به چیم می خورد:

۱- حضرت موسی به امید به دست آوردن آتش ، به سوی آن رفت و به نور رسید، فلما اتاها نودی ... (آیه ۳۰)،

۹۷- بازگشت شکوهمندانه امام خمینی قدس سرّه پس از سالها هجرت در راه خدا، نمونه ای عینی بود که خود آن را دیده و بخاطر داریم .

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نيز به قصد عبادت به غار حرا رفت که با وحی آسمانی آشنا شد. ما کنت ترجوا ان ...

۲- در آیه هفده حضرت موسی اظهار داشت : رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ پروردگارا! به خاطر لطفی که به من کردی من هرگز یاور تبهکاران نخواهم بود. در این آیه نیز خداوند به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می فرماید: **يُلْقِي إِلَيْكَ الْكِتَابَ ... فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ** به خاطر کتاب آسمانی که به تو القا شده ، هرگز یاور کافران مباش .

پیام ها :

۱- حتی انبیا با آن پاکی روح و کمال عبودیت ، توقع دریافت وحی نداشته اند، وحی ، رحمت الهی بوده است . **ما کنت ترجوا ... الا رحمة من ربك**

۲- بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی ، از شئون ربوبیت خداوند است .

رحمة من ربك

۳- براءت و پرهیز از پشتیبانی کافران به قدری مهم است که شکرانه ی نزول وحی قرار گرفته است . **يُلْقِي إِلَيْكَ الْكِتَابَ ... فَلَا تَكُونَنَّ ...**

۴- هرگونه حمایت از کفر و پشتیبانی از جرم ممنوع است . **فلا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا**

للكافرين

(۸۷) **وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى**

رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

ترجمه :

و (به هوش باش) پس از آنکه آیات الهی به سوی تو نازل گردید، (وسوسه ها و تهدیدات کفار) تو را (از تبلیغ و عمل به آن) باز ندارد

و (همچنان دیگران را) به سوی پروردگارت دعوت کن و هرگز از مشرکان
مباش .

نکته ها :

بعثت ، مراحلی دارد:

الف : گرفتن وحی . يُلقى اليك الكتاب

ب : برائت از كفّار. فلا تكوننّ ظهيرا

ج : صلابت در کار. لا يصدنك

د: دعوت دیگران . ادع الی ربك

ه: اخلاص در عقیده و عمل . لا تكوننّ من المشركين

توجه به توحید و نفی شرک و کفر آنچنان مهم است که خداوند در این آیات
بارها پیامبر صلی الله علیه و آله را بر آن هشدار می دهد. غالب جملات
پیرامون این مسئله در آیات اخیر، با نون تاءکید ثقیله و با لحن مبالغه آمده
است. لا تكوننّ لا يصدنك لا تكوننّ

پیام ها :

۱- کوتاه آمدن در ابلاغ وحی ، نوعی تقویت کفر است . فلا تكوننّ ظهيرا

للكافرين و لا يصدنك

۲- دشمنان حتی برای شخص پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقشه دارند. لا

يصدنك

۳- رهبران آسمانی نیز به تذکرات الهی نیازمندند. لا يصدنك

۴- رسالت باید همراه عزّت و قاطعیّت باشد. لا يصدنك ... بعد اذ انزلت

- ۵- علم و آگاهی ، مسئولیت را سنگین تر می کند. بعد از انزالت الیک
- ۶- کسی در دعوت به حق موفق می شود که قاطع و نفوذناپذیر باشد.

لا یصدنک ... ادع الی ربک

- ۷- دعوت باید خالصانه باشد و هیچ مسئله ای را جز رضای خداوند در نظر نگیرد. ادع الی ربک ولا تکونن من المشرکین آری کسی که به خاطر ملاحظه دیگران دعوت به خدا نکند، در مدار شرک قرار گرفته است .

۸ دعوت باید به سوی خدا باشد، نه خود. ادع الی ربک

- ۹- شرک زدایی و مبارزه با کفر، سرلوحه ی فعالیت پیامبران و از تاءکیدات بسیار جدی خداوند است . لا تکونن من المشرکین

(۸۸) وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

ترجمه :

و (هرگز) معبود دیگری را با «الله» مخوان که معبودی جز او نیست . همه چیز جز وجه او نابود است ، حکم (و حاکمیت ، تنها) از آن اوست ، و همه به سوی او بازگردانده می شوید.

نکته ها :

فرقه «وهابیت» اظهار می دارند که هر کس ، غیر خدا را بخواند، مشرک می شود، زیرا خداوند فرموده است : لا تدع مع الله احدا^(۹۸) ، بنابراین کسانی که در توسل ، اولیای خدا را صدا می زنند، مشرکند!

۹۸- جن، ۱۸.

اما این آیه توضیح می دهد که مشرک ، کسی است که غیر خدا را به عنوان خدای دیگر بخواند: لا تدع مع الله الها آخر و ناگفته پیداست که شیعیان هیچ مقامی را به عنوان خدا صدا نمی زنند، بلکه به عنوان کسی که نزد خداوند آبرو دارد صدا می زنند، آن هم آبرویی که از طرف خداوند به او داده شده است ، نظیر انبیا و اولیای الهی ، نه هر شفیع و آبرومند موهومی . زیرا بت پرستان نیز در دنیای خیال خود، برای بت ها آبرویی تصوّر می کردند.

در این آیه ، شرک زدایی با عبارات مختلفی بیان شده است ؛

الف : خدای دیگری را با «الله» مخوانید.

ب : معبودی جز الله نیست .

ج : همه چیز جز او نابود شدنی است .

د: حاکمیت ، تنها از آن اوست .

ه : تنها به سوی او باز می گردید.

پادشاه کشور سعودی هر سال روز عید قربان علمای فرقه های اسلامی را میهمان می کند. در یکی از سالها علامه سید شرف الدین جبل عاملی (از علمای برجسته لبنانی) به مهمانی دعوت می شود. علامه همین که وارد جلسه شد، قرآنی را که جلد چرمی داشت به شاه هدیه کرد. شاه آن را گرفت و بوسید. علامه گفت : تو مشرک هستی ! شاه ناراحت شد که چرا چنین تهمتی می زنی ؟ علامه گفت : چون شما چرمی را بوسیدی که پوست حیوان است و احترام به پوست حیوان شرک است !

شاه گفت : من هر پوستی را نمی بوسم ، کفش من از چرم و پوست حیوان است ، ولی هرگز آن را نمی بوسم ، این قطعه چرم ، جلد قرآن قرار گرفته است.

علامه فرمود: ما نیز هر آهنی را نمی بوسیم ، آهنی را می بوسیم که صندوق یا ضریح و درب و پنجره ی قبر پیامبر یا امامان معصوم علیهم السلام باشد. آری ، شرک آن است که ما کسی یا چیزی را در برابر خدا علم کنیم و برای او قدرتی مستقلّ قائل شویم ، در حالی که شیعه قدرت اولیای خدا را مستقل نمی داند، بلکه قدرتی وابسته به قدرت الهی می داند و اگر گنبد و بارگاهی می سازد به خاطر آن است که به مردم اعلام کند در این جا مرد توحید دفن شده است . کسی که در اینجا دفن شده در راه خدشهید گشته و فدا و فنای توحید شده است . پس گنبد و بارگاه ، یعنی مرکزی که زیر آن فریاد توحید بلند است، نه مرکزی در برابر مسجد.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «وجه الله» پیامبر خدا و حجّت های او در زمین هستند که به وسیله ی آنان به خدا، دین و معرفت او توجّه می شود. (۹۹) در دعای ندبه درباره ی امام زمان علیه السلام می خوانیم : «اءین وجه الله الذی یؤتی» و نیز می خوانیم : «اءین وجه الذی یتوجّه الیاء»

پیام ها :

- ۱- موحد واقعی کسی است که از همه ی معبودها، ابرقدرت ها، ایسم ها و طاغوت ها آزاد باشد. لا تدع مع الله الها آخر
- ۲- به آنچه رفتنی است ، دل نبندیم و خود را اسیر آنها نسازیم . کل شیء هالک الا وجهه چنانکه حضرت ابراهیم فرمود: انی لا أحب الا فلین (۱۰۰)

۹۹- توحید صدوق ، ص ۱۱۷.

۱۰۰- انعام ، ۷۶.

۳- حاکمیت ، مخصوص خداوند است . له الحکم

۴- معبود واقعی چند شرط دارد:

الف : فناپذیر نباشد. کلّ شیء هالک الا وجهه

ب : بر هستی فرمانروا باشد. له الحکم

ج : فرجام همه به دست او باشد. الیه ترجعون

۵- مرگ ، نابودی نیست ، بازگشت به مبداء است . الیه ترجعون

پروردگارا! مزه ی تلاوت ، تدبّر و پندگیری از قرآن را به ما بچشان .

پروردگارا! چراغ دل ما را به نور قرآن روشن و وجود ما را روشنی بخش

قرار ده .

پروردگارا! رفتار و گفتار ما را برخاسته از قرآن و سیره و سنت پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصومش علیهم السلام قرار بده .

آمین ربّ العالمین

٢	مقدمه ناشر.....
٤	مقدمه ی مؤلف.....
٦	سیمای سوره ی قصص.....
٦	بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.....
٦	(١) طَسَمَّ.....
٦	(٢) تِلْكَ ءَايٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِیْنِ.....
٧	(٣) نَتْلُوْا عَلَیْكَ مِنْ نَّبِیِّا مُّوْسٰی وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ یُّؤْمِنُوْنَ.....
٧	پیام ها :.....
	(٤) اِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِی الْاَرْضِ وَجَعَلَ اَهْلَهَا شِیْعًا یَسْتَضْعِفُ طَآئِفَةً مِّنْهُمْ یُدْبِحُ
٨	اَبْنَاءَهُمْ وَیَسْتَحْیِ نِسَاءَهُمْ اِنَّهٗ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِیْنَ.....
٨	نکته ها :.....
٨	پیام ها :.....
	(٥) وَتُرِیْدُ اَنْ تَمُنَّ عَلٰی الَّذِیْنَ اسْتَضَعِفُوْا فِی الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ
١٠	الْوَرَثِیْنَ.....
١٠	نکته ها :.....
١٢	پیام ها :.....
	(٦) وَتَمَكِّنْ لَهُمْ فِی الْاَرْضِ وَتُرِیْ فِرْعَوْنَ وَهَمَّانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَّا كَانُوْا
١٢	یَحْذَرُوْنَ.....
١٣	پیام ها :.....
	(٧) وَاَوْحِیْنَا اِلَیَّ اُمَّ مُّوْسٰی اَنْ اَرْضِعِیْهِ فَاِذَا خِفَتْ عَلَیْهِ فَاَلْتَمِیْهِ فِی الْیَمِّ
١٣	وَلَا تَخَافِیْ وَلَا تَحْزَنِیْ اِنْ اَرَادُوْهُ اِلَیْكَ وَجَاعِلُوْهُ مِنَ الْمُرْسَلِیْنَ.....

(٨) فَالْتَقَطَهُ ءَالَ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَمَانَ وَجُنُودَهُمَا

كَانُوا خَاطِئِينَ ١٣

١٤ نكته ها :

١٤ پیام ها :

(٩) وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَعْتَدُ لَكُمْ ذِكْرًا يَا قَوْمِ أُوذِيَ النَّاسُ مِنْ قِبَلِكُمْ لَئِن لَّمْ يَنتَهِ عَنِ امْرِئِكُمْ وَقَتْلِهِ لَأَيُّسُرُّكُمْ لَأُتِيَنَّكُمْ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكُمْ فَخَرُّوا سُجَّدًا وَسَبِّحُوا بِحَمْدِ رَبِّكُمْ وَذُكِّرُوا لِيَعْلَمُوا أَنَّمَا يُكْفَرُونَ

تَتَّخِذَهُ وِلْدَانًا لَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ١٦

١٦ نكته ها :

١٦ پیام ها :

(١٠) وَاَصْبَحَ فُؤَادُ مُوسَىٰ فَرِحًا بِإِنَّكَ أَدْرَاكَ مَا كَفَرُوا فَمَنْ يَهْتَدِ بِإِذْنِنَا فَلَا يَضِلُّ وَإِن يَظُنْ أَنَّهُ ضَالٌّ غَلِيظًا يَهْتَدِ لِيُخْرِجَهُ مِنْ صَدْرِهِ إِذْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا وَلِئِن كَذَّبَتْ قَوْمُكَ بِآيَاتِنَا فَلَمَّا كَذَبَتْ قَوْمُكَ بِآيَاتِنَا فَلَمَّا كَذَبَتْ قَوْمُكَ بِآيَاتِنَا فَلَمَّا كَذَبَتْ قَوْمُكَ بِآيَاتِنَا

لَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ١٨

(١١) وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ١٩

١٩ نكته ها :

١٩ پیام ها :

(١٢) وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ عِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ كَذَّبْتُمْ بِهِ وَلَقَدْ كَتَبْنَا الْآيَاتِ الْكَافِرِينَ

لَكُمْ وَهُمْ لَهُ ناصِحُونَ ٢١

٢١ نكته ها :

٢١ پیام ها :

(١٣) فَارْتَدَّ دُنْهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَمَا تَصَرَّفَ فِيهَا مِنَ الْأَهْلِ مِنْ قَبْلُ لِيُحْيِيَهَا وَلَقَدْ عَمَتْهُ رُبُوبُ الْأَهْلِ مِنْ قَبْلُ لِيُحْيِيَهَا وَلَقَدْ عَمَتْهُ رُبُوبُ الْأَهْلِ مِنْ قَبْلُ لِيُحْيِيَهَا

لَا يَعْلَمُونَ ٢٢

٢٢ نكته ها :

٢٣ پیام ها :

(١٤) وَلَمَّا بَلَغَ أَسْهُدَهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ٢٤

- ٢٤ نكته ها :
- ٢٥ پیام ها :
- (١٥) وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَنَغَّهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ ٢٥
- ٢٦ نكته ها :
- ٢٧ پیام ها :
- (١٦) قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ٢٧
- ٢٧ نكته ها :
- ٢٨ پیام ها :
- (١٧) قَالَ رَبِّ بِمَا آءَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ ٢٩
- ٢٩ نكته ها :
- ٢٩ پیام ها :
- (١٨) فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفاً يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ ٢٩
- ٣٠ پیام ها :
- (١٩) فَلَمَّا آءَنَ آءَرَادَ آءَنَ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَمُوسَى آءُتْرِيدُآءَنَ تَقْتُلُنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْساً بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا آءَنَ تَكُونَ جَبَّاراً فِي الْأَرْضِ وَ مَا تُرِيدُ آءَنَ تَكُونَمِنَ الْمُصْلِحِينَ ٣٠
- ٣١ نكته ها :
- ٣١ پیام ها :

(٢٠) وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَمُرُونَ بِكَ

يَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنَّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ٣٢

(٢١) فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ٣٢

٣٢ نكته ها :

٣٢ پیام ها :

(٢٢) وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّيْٓ اَنْ يَّهْدِيَنِيْ سَوَاءَ السَّبِيلِ ٣٤

٣٤ نكته ها :

٣٤ پیام ها :

(٢٣) وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ اُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْتُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ

امراءَ ثَبَنٍ تَذُودَانَ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الرِّعَاءُ وَاَبُونَا شَيْخٌ

كَبِيرٌ ٣٥

(٢٤) فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ اِنِّي لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ

٣٦ ٣٦

٣٦ نكته ها :

٣٦ پیام ها :

(٢٥) فَجَاءَتْهُ اِحْدَاهُمَا تَمْشِيْ اَعْلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ اِنَّ اَبِيْ يَدْعُوكَ لِيجْزِيكَ اءَجْرًا

مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

٣٨ ٣٨

٣٩ پیام ها :

(٢٦) قَالَتْ اِحْدَاهُمَا يَا بَتِّ اسْتَجِرْهُ اِنَّ خَيْرَ مِّنْ اسْتَجْرَتِ الْقَوِيَّ الْاَمِينُ ٤٠

٤٠ نكته ها :

٤٠ پیام ها :

(٢٧) قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَعْنَ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتِي هَتَيْنِ عَلَيَّ أَعْنَ تَأْجُرْنِي ثَمَنِي
حِجَجٍ فَإِنْ أَعْتَمَمْتُ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَعْنَ أَعْتَقُّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ
شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ٤٤

٤٥ نكته ها :

٤٥ پیام ها :

٤٨ اهميت ازدواج

٤٩ انتخاب همسر

(٢٨) قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجْلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدُونَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ
مَأْتِقُولٌ وَكَيْلٌ ٥٠

٥١ نكته ها :

٥١ پیام ها :

(٢٩) فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ
امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ
..... ٥١

٥٢ نكته ها :

٥٢ پیام ها :

(٣٠) فَلَمَّا آتَتْهَا نُودِي مِنَ شَطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنِّي
مُوسَى إِنِّي آنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ٥٣

٥٣ نكته ها :

٥٤ پیام ها :

(٣١) وَأَعْنَ أَعْتَقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رءَاهَا تَهْتَرُ كَأَنَّهُ جَانٌّ وَلِي مُدَبِّرًا وَلَمْ يَعْبُ يَمُوسَى
أَعْقِبْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكُمِنَ الْأَمِينِينَ ٥٥

- پیام ها : ۵۵
- (۳۲) أَسْلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ
مِنَ الرَّهْبِ فَذَنِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ
..... ۵۵
- (۳۳) قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ۵۶
- نکته ها : ۵۶
- پیام ها : ۵۷
- (۳۴) وَ أَخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلَهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي
أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ۵۷
- (۳۵) قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيٰتِنَا
أَتْتُمَا وَمِنَّا تَبِعَكُمَا الْغٰلِبُونَ ۵۸
- نکته ها : ۵۸
- پیام ها : ۵۹
- (۳۶) فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيٰتِنَا بَيِّنٰتٍ قَالُوا مَا هٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرٍ وَمَا سَمِعْنَا
بِهٰذَا فِي ءَابَآئِنَا الْاُولٰٓئِن ۶۰
- پیام ها : ۶۰
- (۳۷) وَ قَالَ مُوسَىٰ رَبِّيَ اَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدٰى مِنْ عِنْدِهٖ وَمَنْ تَكُوْنُ لَهُ عَقِبَةُ
الدَّارِ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۶۱
- نکته ها : ۶۱
- پیام ها : ۶۲

(٣٨) وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَهْمَنُ عَلَى الطَّيْنِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي آءِطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ

٦٢

٦٣ نكته ها :

٦٣ پیام ها :

(٣٩) وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمُ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ٦٤

٦٤ پیام ها :

(٤٠) فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاظْطَرُّوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ٦٧

٦٧ نكته ها :

٦٧ پیام ها :

(٤١) وَجَعَلْنَاهُمْ آئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ ٦٨

(٤٢) وَاءْتَبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ ٦٨

٦٨ نكته ها :

٦٩ پیام ها :

(٤٣) وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا آهَلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ

وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ٦٩

٧٠ نكته ها :

٧٠ پیام ها :

(٤٤) وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ٧٠

٧١ نكته ها :

٧١ پیام ها :

(٤٥) وَلَكِنَّا اءَنْشَاءُنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَ مَا كُنْتَ تَاوِيًا فِي اءَهْلِ مَدْيَنَ

تَتْلُوَا عَلَيْهِمُ اءَايَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ..... ٧١

(٤٦) وَ مَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ اِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا

ءَاتَهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ..... ٧٢

٧٢ نكته ها :

٧٢ پیام ها :

(٤٧) وَ لَوْلَا اءَنْ تُصِيبَهُمْ مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمْتِ اءَيْدِيَهُمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا اءَرْسَلْتَ

اِلَيْنَا رَسُوْلًا فَتَتَّبِعِ اءَايَاتِكَ وَ نَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ..... ٧٣

٧٤ نكته ها :

٧٤ پیام ها :

(٤٨) فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا اءُوتِيَ مِثْلَ مَا اءُوتِيَ مُوسَى اءَوْ لَمْ

يَكْفُرُوْا بِمَا اءُوتِيَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظْهَرَا وَقَالُوا اِنَّا بِكُلِّ كَفْرٍ نَّ... ٧٥

٧٥ نكته ها :

٧٥ پیام ها :

(٤٩) قُلْ فَاءْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ هُوَ اءَهْدٰى مِنْهُمَا اءَتَّبِعُهُ اِن كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ.. ٧٦

٧٦ پیام ها :

(٥٠) فَاِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوْا لَكَ فَاَعْلَمْ اءَنَّ مَا يَتَّبِعُوْنَ اءَهُوَ اءَهُمْ وَ مَنْ اءَضَلُّ مِمَّنْ اَتَّبَعَ

هُوَ يَهْدِيْهِ بِغَيْرِ هُدٰىٍ مِّنْ اللّٰهِ اِنّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ..... ٧٧

٧٨ نكته ها :

٧٨ پیام ها :

(٥١) وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ..... ٧٩

(٥٢) اءَلَّذِيْنَ اءَاتَيْنَهُمُ الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُوْنَ..... ٧٩

- ٧٩ نكته ها :
- ٨٠ پیام ها :
- (٥٣) وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَأَمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ
- ٨٠ :
- (٥٤) ءَأُوْتِيكَ يُوتُونَ ءَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ
- ٨١ وَمِمَّا رَزَقْنَهُمْ يُنْفِقُونَ
- ٨١ پیام ها :
- (٥٥) وَإِذِ اسْمَعُوا اللّٰغُوۡءَ ءَعَرَضُوۡا عَنْهُ وَقَالُوۡا لَنَّا ءَعْمَلُنَا وَ لَكُمْ ءَعْمَلُكُمْ سَلَمٌ
- ٨٢ عَلَيْكُمْ لَانَّبَغِيَ الْجَهْلِيۡنَ
- ٨٢ نكته ها :
- ٨٣ پیام ها :
- (٥٦) اِنَّكَ لَا تَهْدِيۡ مَنْ ءَحَبَبْتَ وَلَكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِيۡ مَنْ يَّشَآءُ وَهُوَ ءَعَلَمٌ
- ٨٤ بِالْمُهْتَدِيۡنَ
- ٨٤ نكته ها :
- ٨٦ پیام ها :
- (٥٧) وَقَالُوۡا اِن تَتَّبِعِ الْهُدٰى مَعَكَ نَتَّخِطُّفُ مِنْ ءَرْضِنَا ءَاوَلَم نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا
- ٨٧ ءَامِنًا يُجْبٰى اِلَيْهِ ثَمَرَتُ كُلِّ شَيْءٍ رَّزَقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ ءَاكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوۡنَ
- ٨٧ نكته ها :
- ٨٨ پیام ها :
- (٥٨) وَكَمْ ءَاهَلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فِتْلِكَ مَسْكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّنْ بَعْدِهِمْ
- ٨٩ اِلَّا قَلِيْلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِيۡنَ
- ٨٩ نكته ها :

- ٩٠: پیام ها
- (٥٩) وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَّهَاتِ رُسُلًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا
وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَآهْلُهَا ظَالِمُونَ ٩٠
- ٩٠: پیام ها
- (٦٠) وَمَا آوَيْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ
أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٩١
- ٩١: نكته ها
- ٩٢: پیام ها
- (٦١) أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَّعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ٩٤
- ٩٤: نكته ها
- ٩٥: پیام ها
- (٦٢) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ٩٦
- (٦٣) قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ آءَاغُوْنَا آءَاغُوْنَا هُمْ كَمَا غَوَيْنَا
تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ٩٦
- (٦٤) وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ
كَانُوا يَهْتَدُونَ ٩٦
- ٩٧: نكته ها
- ٩٧: پیام ها
- (٦٥) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا آءَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ٩٨
- (٦٦) فَعَمِيَّتْ عَلَيْهِمُ الْآنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ٩٩
- (٦٧) فَأَمَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ٩٩

- ٩٩ نكته ها :
- ٩٩ پیام ها :
- (٦٨) وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى
عَمَّا يُشْرِكُونَ ١٠٠
- (٦٩) وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ١٠٠
- (٧٠) وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ ١٠١
- ١٠١ پیام ها :
- (٧١) قُلْ أَعْرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ
يَأْتِيكُمْ بَضِيَاءً فَأَلِئًا تَسْمَعُونَ ١٠٢
- ١٠٢ نكته ها :
- ١٠٢ پیام ها :
- (٧٢) قُلْ أَعْرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ
اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ١٠٣
- ١٠٣ پیام ها :
- (٧٣) وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ١٠٤
- ١٠٤ نكته ها :
- ١٠٤ پیام ها :
- (٧٤) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآئِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ١٠٥
- ١٠٥ نكته ها :
- ١٠٥ پیام ها :

(٧٥) وَزَعَنَّا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ..... ١٠٦

١٠٦ نكته ها :

١٠٧ پیام ها :

(٧٦) إِنَّ قُرُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنْ

مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

الْفَرِحِينَ..... ١٠٧

١٠٨ نكته ها :

١٠٨ پیام ها :

(٧٧) وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَعْسِنَ

كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ... ١٠٩

١٠٩ نكته ها :

١١٠ پیام ها :

(٧٨) قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ

مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَآءَ كَثُرُ جَمْعًا وَلَا يُسْئَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ

..... ١١١

١١١ نكته ها :

١١٢ پیام ها :

(٧٩) فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَلِيتَ لَنَا مِثْلَ

مَا أُوتِيَ قُرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ..... ١١٣

١١٣ پیام ها :

(٨٠) وَقَالَ الَّذِينَ آءُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَن ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا

يُلَقَّهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ..... ١١٤

١١٤..... نكته ها :

١١٤..... پیام ها :

(٨١) فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا

كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ..... ١١٥

١١٥..... نكته ها :

١١٥..... پیام ها :

(٨٢) وَاَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَافُ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن

يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَوْلَا اءَن مِّنَ اللَّهِ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَافُتَهُ لَا يُفْلِحُ

الْكَافِرُونَ..... ١١٦

١١٦..... پیام ها :

(٨٣) تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ..... ١١٧

١١٧..... نكته ها :

١١٨..... پیام ها :

(٨٤) مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ

عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ..... ١١٨

١١٨..... پیام ها :

(٨٥) إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ قُلْ رَبِّيَ اءَعْلَمُ مَن جَاءَ

بِالْهُدَى وَمَن هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ..... ١١٩

١٢٠..... نكته ها :

- پیام ها : ۱۲۰.....
- (۸۶) وَمَا كُنْتَ تَرْجُوْا اَنْ يُلْقَىٰ اِلَيْكَ الْكِتَابُ اِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُوْنَنَّ
ظَهِيْرًا لِّلْكَافِرِيْنَ..... ۱۲۱
- نکته ها : ۱۲۱.....
- پیام ها : ۱۲۲.....
- (۸۷) وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ اٰیٰتِ اللّٰهِ بَعْدَ اِذْ اُنزِلَتْ اِلَيْكَ وَ اذْعُ اِلَى رَبِّكَ وَلَا
تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ..... ۱۲۲
- نکته ها : ۱۲۳.....
- پیام ها : ۱۲۳.....
- (۸۸) وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وُجْهَهُ لَهٗ
الْحُكْمُ وَ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ..... ۱۲۴
- نکته ها : ۱۲۴.....
- پیام ها : ۱۲۶.....